



بیابان اللہ کے بندین



نویسنده: گروه پژوهشی بسیج مشکات
به سفارش سازمان تبلیغات اسلامی
گرافیک: گروه هنری قطرہ



پیام امام خمینی

ولیّ لمن والاکم

تقویت همبستگی و مسئولیت اجتماعی

پیوست تبلیغی «ولیّ لمن والاکم» چیست؟
پیرو تأکید مستمر رهبر معظم انقلاب بر همبستگی ملی و احساس مسئولیت جمعی و با توجه به اولویت سنجی سازمان تبلیغات اسلامی نسبت به انتخاب این موضوع برای فضای تبلیغی در ایام محرم و صفر، پیوست حاضر در اختیار مبتغیان محترم قرار می‌گیرد که در آن، ضمن ارائه مجموعه‌ای دسته‌بندی شده از آیات و روایات به عنوان مبانی پشتیبان این مهم، گوشه‌ای از موفق‌ترین نمونه‌های همبستگی در تاریخ دین و ملت نیز جهت استناد در مناظر روشنگرانه عزیزان مورد اشاره قرار گرفته است.

۸	درآمدی بر مفهوم ولایت
۹	معنای ولایت
۹	جلوه‌های ولایت
۱۸	فصل اول: خانواده و ارحام
۱۹	سرخط محتوایی در آیات و روایات
۱۹	تلاش برای ازدواج مجرّدها و فراهم کردن مقدمات آن
۲۲	زن و شوهر دو بال رشد خانواده
۲۳	اهمیت تکریم فامیل
۲۴	صله رحم
۲۷	قطع رحم
۳۱	اجتماع مؤمنین برای احیای امراهل بیت (ع)
۳۳	برخی نمونه‌های موفق از همبستگی خانواده و ارحام
۳۳	واسطه‌گری در ازدواج، سنتی دیرینه و موفق
۳۸	سندوق‌های قرض الحسنه فامیلی، طرحی برای تحکیم همبستگی
۳۹	روضه‌های خانگی را احیا کنیم!

- ۴۶ فصل دوم: دوستان، آشنایان و برادران ایمانی
- ۴۷ سرخط محتوایی در آیات و روایات
- ۴۷ سوره مبارکه ماعون، نهیب الهی
- ۴۹ ویژگی‌های متقین واقعی در بیان قرآن کریم
- ۵۰ اطعام در شرایط سخت اقتصادی
- ۵۰ شیعیان واقعی در روایات چه کسانی هستند؟
- ۵۲ اولویت بندی در انفاق و اطعام
- ۵۳ عدم انفاق، موجب جذب و هضم مؤمنین در جبهه دشمن
- ۵۴ سیر بودن در جوار مؤمنی گرسنه
- ۵۵ بدون مهمان غذای خود!
- ۵۸ برخی نمونه‌های موفق از همبستگی در دایره مؤمنین
- ۵۸ آب میوه‌گیری برای مصدومان شیمیایی
- ۶۰ ایثار انصار مدینه نسبت به مهاجرین مکه
- ۶۲ دمپختکپی در سال‌های قحطی بزرگ ایران
- ۶۵ طرح جمع‌آوری البسه گرم برای رزمندگان
- ۶۷ رختشویخانه شهید علم الهدی در اهواز
- ۷۰ طرح مادرانه، همبستگی مادران یک محله
- ۷۴ دیوار مهربانی، یک ایده اجتماعی همبسته‌ساز
- ۷۷ پایداری مردم روستای کوشک در شیراز
- ۷۹ «طرح سایه»، بکارگیری بستری مجازی برای ایجاد همبستگی
- ۸۱ «کانون ازدواج آسان»، ایده‌ی بازاریان تهران
- ۸۵ فصل سوم: کشور و ملت
- ۸۶ سرخط محتوایی در آیات و روایات
- ۸۶ چشم‌پوشی از انفاق، نابودی و هلاکت

فهرست مطالب

- ۸۸ انفاق و همبستگی ملی، لازمه تحقق آرمان الهی بر زمین
- ۹۰ بی تفاوت نبودن نسبت به منکر و فساد
- ۹۲ دفاع از مستضعفان در سراسر عالم
- ۹۳ حضور «ولی الهی» بدون همبستگی ملت راهگشا نیست!
- ۹۴ هجرت و جهاد، ملاکی برای همبستگی
- ۹۵ جدایی جبهه کفر و ایمان در سایه تولی و تبری
- ۹۶ برخی نمونه‌های موفق از همبستگی در سطح کشوری و ملی
- ۹۷ «شرکت اسلامی» بسیج عمومی در حمایت از تولید ملی
- ۱۰۱ نمایش قدرت مؤمنین در فتوای تحریم تنباکو
- ۱۰۴ زلزله مهیب طبس در آستانه پیروزی انقلاب
- ۱۰۷ نهضت سوادآموزی، نمونه‌های از همبستگی ملی
- ۱۰۹ گروه‌های جهادی، سندی درخشان از همبستگی ملی
- ۱۱۴ حضور داوطلبانه و متعهدانه در مناطق جنگی
- ۱۱۸ حماسه کامیون داران در لیبیک به فرمان امام (ره)
- ۱۲۱ فداکاری اقلیت‌های دینی در دفاع مقدس
- ۱۲۲ تشییع شهدا، تنظیم‌کننده ضربان اجتماعی ملت
- ۱۲۸ پیشرفت علمی، ثمره خودباوری و جهاد نخبگان
- ۱۳۹ فتنه سال ۱۳۸۸ و یوم الله ۹ دی
- ۱۴۳ مراسم اربعین، تجلی همبستگی امت
- اشتغال و رونق اقتصادی، ثمره حضور کارآفرینان
- ۱۴۷ در جبهه جهاد اقتصادی
- ۱۵۰ گزارش‌های مردمی و خنثی شدن کودتای نوژه
- ۱۵۶ جلوه‌هایی از همبستگی مردم ایران در جریان شیوع کرونا
- ۱۵۹ فصل چهارم: شهید قاسم سلیمانی، اسطوره همبستگی
- ۱۶۱ نقش سردار دلها در ایجاد همبستگی در فضای داخلی

- ۱۶۱ دعوت سردار سلیمانی برای کمک به سیل زدگان
- ۱۶۱ استقرار یک ماهه موکب‌های اربعین در استان‌های سیل زده
- ۱۶۲ دیدارهای مردمی حاج قاسم سلیمانی با مردم خوزستان
- ۱۶۳ تأمین وسائل مورد نیاز با همکاری و همدلی عراقی‌ها
- ۱۶۳ ارتباط صمیمی با فرزندان شهدای مدافع حرم
- ۱۶۴ نگاه فرهنگی همدلانه در کشور
- ۱۶۵ نقش سردار دلها در ایجاد همبستگی در فضای برونمرزی
- ۱۶۵ روابط با حزب الله لبنان
- ۱۶۶ ایجاد همبستگی با اقلیم کردستان عراق
تشییع بی نظیر حاج قاسم،
- ۱۶۷ سریال همبستگی به وسعت ایران
- ۱۷۰ فصل پنجم: عوامل تضعیف کننده همبستگی
- ۱۷۱ برخی از عوامل مؤثر برگسستگی اجتماعی
- ۱۷۳ همبستگی جبهه باطل و گسستگی جبهه حق

درآمدی بر مفهوم ولایت

عموم ما هیتی ها با زیارت عاشورا مانوس هستیم و در این زیارت شریف، با برخی فرازا آشنایی و انس بیشتری داریم و بارها آنها را خوانده ایم و البته شاید با بی توجهی از آنها عبور کرده ایم؛ مانند عبارات زیر:

إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ
وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ...^۱

یقیناً من با هرکس که با شما در صلح است، در صلحم؛ و با هرکس که با شما در جنگ است، در جنگم؛ و ولی کسی هستم که با شما دوست است؛ و دشمن کسی هستم که با شما دشمن است...

چنانکه می بینیم در این فقرات - بویژه در دو فراز آخر - صحبت از «ولایت» است؛ یعنی همان مفهومی که در دین و مذهب ما نقش محوری را ایفا می کند و به همه اعمال ما ارزش و معنای بخشد. اگرچه ما غالباً گمان می کنیم که ولایت، رابطه ای است که بین خدای متعال (یا پیامبر اکرم (ص) یا جانشینان ایشان) و مؤمنین

۱ - مصباح المتعهد شیخ طوسی، جلد ۲، صفحه ۷۷۵

تعریف می شود؛ اما در فراز «وَلِيٍّ لِّمَنْ وَالَاكُم» صحبت از ولایتی است که بین مؤمنین وجود دارد و این ممکن است برای بسیاری از ما عجیب باشد. مگر بین خود مؤمنین هم ولایتی هست؟ برای یافتن پاسخ این سؤال، بهتر است مفهوم «ولایت» را در کتاب الله (به عنوان مهم ترین و رسمی ترین مرجع دینمان) پی جویی کنیم تا با بررسی برخی آیات مربوطه، مراد شارع را از این لفظ بهتر بشناسیم

معنای ولایت^۱

«ولایت» در قرآن کریم، در وهله اول، به معنی همبستگی، هم جبهگی و اتصال شدید افرادی است که فکر و هدف و راه واحدی داشته و در این راه، همراه یکدیگر تلاش و استقامت می کنند.^۲ طبیعتاً افراد این جبهه هر چه بیشتر به فرماندهی متصل و به یکدیگر نزدیک باشند، به همان اندازه از قطب ها و سایر جبهه هایی که با اهداف دیگری گرد هم آمده اند، دور و جدا می شوند و این اتصال و پیوستگی درون جبهه ای است که هویت آنها را پاس داشته، مانع از نابودی و هضم آنها در جریان های مغایر می شود.

جلوه های ولایت^۳

یک جلوه از ولایت، عبارت است از انسجام و اتصال و ارتباط

۱- برگرفته از کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»

۲- در لغت عرب، ریشه «ولی» به معنی نزدیکی است. صاحب مقایس اللغة می نویسد: «الواو واللام والياء أصل صحيح يدل على قرب. من ذلك الولي: القرب. يقال: تباعد بعد ولي، أي قرب...» (معجم مقایس اللغة، جلد ۶، صفحه ۱۴۱) در قرآن کریم نیز این معنای پایه، برای اصل «ولی» بکار رفته است: «فَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» با کافرانی که همجوار شما هستید بجنگید

۳- برگرفته از کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»

بسیار شدید درونی میان عناصر مسلمان؛ یعنی یکپارچه بودن و یک جهت بودن جامعه اسلامی. همانطور که در احادیث چنین آمده که:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ^۱

مؤمنین در موَدّت و رحمتی که میان یکدیگر دارند، همچون (اعضای) یک پیکرند.

مسلمان‌ها هم باید بمثابه یک پیکره واحد و همچون اجزای به هم پیوسته یک ساختمان، در هم گره بخورند و «دست واحدی» باشند تا در مقابل دست‌های دیگر و تعارض‌ها و دشمنی‌هایی که پیش خواهد آمد، از خود و آرمان خود صیانت کنند. در سوره مائده چنین آمده است:

أَذَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ^۲

(آنها) در برابر مؤمنان، فروتن و خاکسار و در برابر کافران سرسخت و قدرتمند هستند.

در آیه پایانی سوره فتح نیز، همین مطلب به صورت واضح‌تری بیان شده: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۳ یعنی این پیروان خاتم الانبیاء (ص) وقتی در مقابل جبهه خارجی و دشمن بیرونی قرار می‌گیرند، تواز آنها چیزی استوارتر، تأثرناپذیرتر و نفوذناپذیرتر نخواهی یافت؛ صفوف آنها به تعبیر قرآن «بُنْيَانٌ مَّرْصُوعٌ»^۴ است. اما در داخل جبهه مؤمنین، یعنی میان اعضاء و جوانح این پیکر عظیم اسلامی، هیچ‌گونه نفوذناپذیری و تأثرناپذیری و صلیبیتی نیست؛ بلکه قضیه به عکس است؛ همه روی هم اثر می‌گذارند؛ همه یکدیگر را توصیه به پافشاری هر چه

۱- بحار الأنوار، جلد ۵۸، صفحه ۱۵۰

۲- سوره مبارکه مائده، آیه ۵۴

۳- سوره مبارکه فتح، آیه ۲۹

۴- سوره مبارکه صف، آیه ۴

بیشتر در راه حق و مقاومتِ هر چه بیشتر در مقابل انگیزه‌های شر و فساد و انحطاط می‌کنند؛ همه همدیگر را نگه می‌دارند.

کوهنوردان حرفه‌ای که پشت سر بلده راه در پیچ و خم‌های کوه پیش می‌روند، تصویر خوبی از اینان است. طبیعی است که در آن تنگناهای پرخطر و شیب‌های تیز و لغزنده، اگر سنگی از زیر پای فرد تنها در برود، سقوط او به ته دره حتمی است؛ ولی اگر همگی شان باریسمانی هر چه قوی‌تر به یکدیگر متصل باشند و زنجیره‌ای پیوسته را شکل دهند و هوای یکدیگر را داشته باشند؛ اگر مراقب باشند کسی گرسنه نماند؛ راه را گم نکنند، عقب نمانند؛ اینها تا قله به سلامت خواهند رفت.

در جامعه اسلامی هم مردم باید ببینند آیا بین آنها کسی هست که از لحاظ فکری، از لحاظ مادی، از لحاظ شناخت حق و حقیقت، ضعیف‌تر از دیگران باشد یا نه. اگر هست، همه بکوشند تا او را هدایت کنند، همه سعی کنند تا او را به راه راست بکشانند. در یک کلام، خانواده‌ای با اعضای صد در صد صمیمی. این هم یک جلوه دیگر از جلوه‌های ولایت در جامعه اسلامی است.

جلوه دیگری از ابعاد ولایت این است که جامعه مسلمان، وابستگی و پیوستگی به غیر مُسَلِم نداشته باشد؛ و البته عدم پیوستگی و وابستگی، با قطع ارتباط کامل، متفاوت است. هرگز نمی‌گوییم که جهان اسلام در انزوای سیاسی و اقتصادی به سر برود و با هیچ یک از امت‌ها و کشورها و قدرت‌های غیر مسلمان رابطه‌ای نداشته باشد؛ مسئله، مسئله‌ی وابسته نبودن است، پیوسته و دنباله‌رو نبودن است، در قدرت‌های دیگر هضم و حل نشدن است، مسئله مهم، حفظ استقلال و روی پای خود ایستادن است.

در سوره مانده داریم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ
أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ...

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهودیان و مسیحیان را اولیاء خود
مگیرید (یعنی یهود و نصارا را پیوند خوردگان و پیوستگان با خود
انتخاب نکنید)؛ بعضی از آنها، اولیاء و هم جبهگان و پیوستگان
بعضی دیگرند.

نگاه نکنید که بلوک‌هایشان از همدیگر جداست؛ در معنا، برای
صدیت با اصالت‌های شما، همه یک جبهه‌اند.

...وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ

هر کس با آنان توالی کند - توالی یعنی ولایت را پذیرفتن؛ یعنی
هرکسی از شما که قدم در وادی ولایت آنها بگذارد و خودش را
با آنها پیوند بزند - بی‌گمان او خودش از آنان است (و همین پیوند
باعث هم جبهگی شده و نهایتاً یک‌رنگ و هضم می‌شود) و خدا
مردمان ستمگر را هدایت نخواهد کرد.

جلوه دیگری از ولایت، خود عنصر «ولی» است که نخ تسبیح و
قلب روابط بین مؤمنین است که همچون یک قدرت متمرکز در
جامعه اسلامی عمل می‌کند و حفظ پیوستگی‌های داخلی و نفی
وابستگی‌های خارجی، متوقف بر اوست. او کسی است که باید
همه نیروها از او الهام بگیرد و همه کارها به او برگردد و مدیریت
جامعه اسلامی، از جنبه فکری و عملی با اوست. اوست که باید
همه فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌های جناح‌های مختلف این جامعه را
رهبری و اداره کند.

حال ولی جامعه اسلامی کیست؟ قرآن پاسخش در اینجا یک کلمه

است: «خدا»؛ حاکم در جامعه اسلامی، جز خدای متعال، کس دیگری نیست. این مطلبی است که توحید و نبوت و ولایت، همه همین رابه ما می گوید و تصریح می کند که آن کسی که در جامعه اسلامی، حق امر و نهی کردن و حق اجرای اوامر و حق تعیین خط مشی جامعه و خلاصه، حق تحکّم در همه خصوصیات زندگی انسان ها را دارد، خداست:

وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ^۱

و خداوند سرپرست (مطلق) مؤمنین است.

همچنین خداوند در آیات سوره مائده در بحث ولایت، بعد از بیان چگونگی رابطه با دشمنان خدا و چگونگی پیوندها و همبستگی های مؤمنین، در رابطه با مصداق ولیّ می فرماید:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...»^۲

یعنی ولیّ جامعه اسلامی خداوند است، اما از آنجا که خداوند متعال، مجسم نمی شود و به میان مردم نمی آید تا مستقیماً امر و نهی کند، لذا ولیّ مؤمنین در کره زمین که بین او و خدای متعال، تنازع و رقابتی نیست، همان فرستاده او یعنی پیامبر (ص) است. از طرفی شخصیت حقیقی رسول (ص) هم که همیشه باقی نمی ماند؛ «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ»^۳ پس بعد از رسول چه باید کرد؟ قرآن کریم در ادامه پاسخ می دهد:

«...الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۴

بعد از رسول (ص) هم آن مؤمنانی ولیّ شما هستند که اقامه نماز می کنند و در حال رکوع زکات می دهند؛ یعنی اینجا امیرالمؤمنین

۱--سوره مبارکه آل عمران، آیه ۶۸

۲--سوره مبارکه مائده، آیه ۵۵

۳--سوره مبارکه زمر، آیه ۳۰

۴--سوره مبارکه مائده، ادامه آیه ۵۵

علی بن ابی طالب (ع)، به عنوان مصداق ولی معین می شود و بعد از ایشان نیز سایر ائمه (ع) ولی جامعه اسلامی هستند. با مرور این سه جلوه دانستیم که مفهوم ولایت همان همبستگی مؤمنین حول محور ولی الهی و دوری از جبهه های دیگر و کفر به اولیاء طاغوت است. این تعبیر، صرفاً یک تصور انتزاعی و خیال گونه که پرداخته ذهنیت های هنری و ادبی باشد، نیست؛ بلکه بیان دیگری از همان کلام نورانی خداوند متعال است که در ضمن یکی از برجسته ترین و عمیق ترین تابلوهای قرآنی (آیه الکرسی) اشاره می فرماید:

... لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۵۶) اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵۷)

در دین اکراه (و اجباری) نیست؛ (زیرا) راه درست بخوبی از راه نادرست مشخص شده است. پس هرکس به طاغوتها کافر شود و به خدا ایمان بیاورد، قطعاً به استوارترین دستاویز که گسستی در آن نیست، چنگ زده؛ و خداوند شنونده (گفتار مردم) و آگاه (از کفر و ایمانشان) است. خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند. آنان را از تاریکی ها بیرون می برد و به سوی نور هدایت می کند؛ و کسانی که کفر ورزیده اند، سرپرستانشان طاغوتها هستند که آنان را از نور خارج کرده و به سوی تاریکی ها (یعنی شرک و کفر و عصیان) می کشانند. اینان

همدم آتش اند و در آن جاودانه اند^۱

با این وصف، یکی از مهمترین مؤلفه‌های سبک زندگی مؤمنین، در ضمن همین ولایت الهی مشخص می‌شود؛ چراکه با توضیح فوق، «ولایت» مفهوم واحد و البته پیوسته‌ای است که در مراتب مختلفی بروز می‌کند. بالاترین و اصیل‌ترین و مرتبه مطلق آن، همان ولایة الله است. سپس در مراتب بعدی به صورت ولایت پیامبر (ص) و آنگاه ولایت جانشینان ایشان ظهور و بروز یافته و دست آخر نیز به ولایت بین مؤمنین در قالب حقوق و تکالیف متقابل آنها سرایت می‌کند. از همین وحدت منشأ ولایت می‌فهمیم که راه نیل به ولایت الهی، ولایت داشتن و اطاعت داشتن نسبت به ولی الهی است و راه حاکم کردن ولی الهی در کره زمین، ولایت بین مؤمنین و تقویت روابط فیما بین اعضای جامعه ایمانی است که از آن در زبان و فرهنگ خود به «همبستگی» یاد می‌کنیم.

نقش تقویت این روابط مؤمنانه در اتصال ولایت مؤمنین به ولایت الهی را در کلام امام صادق (ع) می‌بینیم:

... عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ فَقَالَ سَبْعُونَ حَقًّا لَا أُخْبِرُكَ إِلَّا بِسَبْعَةٍ فَإِنِّي عَلَيْكَ مُشْفِقٌ أَخْشَى أَنْ لَا تَحْتَمِلَ قُلْتُ بَلَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَقَالَ لَا تَشْبَعُ وَيَجُوعُ وَلَا تَكْتَسِي وَيَعْرَى وَتَكُونُ دَلِيلَهُ وَقَمِيصَهُ الَّذِي يَلْبَسُهُ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَتَكَلَّمُ بِهِ وَ تُحِبُّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَإِنْ كَانَتْ لَكَ جَارِيَةٌ بَعَثْتَهَا لِتَمَهَّدَ فِرَاشَهُ وَ تَسْعَى فِي حَوَائِجِهِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلْتَ وَ لَأَيْتَكَ

۱- مفرد بودن لفظ «نور» و جمع بودن لفظ «ظلمات» دلالتی ضمنی دارد بر اینکه جبهه حق، جبهه وحدت و یکی شدن و همبسته شدن است؛ حال آنکه جبهه‌های باطل، تاریکی‌های متعدد و متکثر است که هر یک از دیگری دور و بیگانه است.

بَوْلَايَتَنَا وَوَلَايَتَنَا بِوَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ^۱

معلى بن خنيس گوید: از امام صادق (ع) درباره حق مؤمن پرسیدم؛ فرمود: هفتاد حق است که جز هفت حق را به تو نمی‌گویم؛ زیرا به تو مهر بانم و می‌ترسم تحمل نکنی. عرض کردم: چرا ان شاء الله؛ فرمود: اینکه تو سیر نباشی و او گرسنه؛ و پوشیده نباشی و او برهنه؛ و راهنمای او باشی؛ و پیراهنی باشی که می‌پوشد؛ و زبان گویای او باشی؛ و برای او چیزی را بخواهی که برای خود می‌خواهی؛ و اگر خدمتکاری داری، او را بفرستی تا بسترش را مرتب کند و شب و روز در رفع حوائج او کوشا باشد. پس هرگاه چنین کردی، ولایت خود را به ولایت ما رسانده‌ای و ولایت ما را به ولایت خدای عز و جل.

در روایت دیگری از حضرت موسی بن جعفر (ع) رسیده است...

عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ مَنْ أَتَاهُ أُخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ فَإِنَّمَا هِيَ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَأَقَهَا إِلَيْهِ فَإِن قَبِلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَصَلَهُ بِوَلَايَتِنَا وَهُوَ مَوْصُولٌ بِوَلَايَةِ اللَّهِ...^۲

امام کاظم (ع) فرمودند: هر کس برادر مؤمنش برای حاجتی نزد او آید، (این حاجت برادر مؤمن) رحمتی است که خدای تبارک و تعالی بسوی او کشانده است. پس اگر آن را بپذیرد، به ولایت ما متصلش کرده و ولایت ما به ولایت خدا متصل است...

مجموعه حاضر در همین راستا و با هدف تقویت ولایت بین مؤمنین - که منجر به همبستگی اجتماعی و ایجاد حس مسئولیت خواهد شد - گردآوری شده است. علی‌رغم ساختار در هم تنیده

۱- کافی، جلد ۲، صفحه ۱۷۴، حدیث ۱۴

۲- کافی، جلد ۲، صفحه ۱۹۶، حدیث ۱۳

مباحث و همپوشانی های موجود، محتوای مورد نظر در سه حلقه زیر (به ترتیب گستردگی) ارائه شده است:

در حیطه خانواده و ارحام^۱

در دایره دوستان، آشنایان و برادران ایمانی^۲

در سطح کشوری و ملی^۳

مباحث هر حلقه، در دو فاز تنظیم شده است: در فاز اول، سرخط محتوایی بحث همبستگی و مسئولیت پذیری در ضمن آیات و روایات پیگیری می شود که خود در صورت نیاز به شکل موضوعی دسته بندی شده است. این فاز، پیش‌تیبانی نظری و تئوریک مسئله را بر عهده دارد. در فاز دوم که ناظر به صحنه عمل است، مثال‌هایی از تجربیات محقق شده در این حیطه به عنوان نمونه‌های موفق از همبستگی و آثار و نتایج مثبت آن ذکر شده تا مبلغان محترم در منابر و مواعظ و روشنگری‌های خود از این مثال‌ها و آمار و ارقام استفاده کرده و به عنوان الگوهای عملی همبستگی در تاریخ جاری این مرز و بوم مورد اشاره قرار دهند.

الحمد لله رب العالمین

- ۱- خانواده کوچکترین و مهمترین واحد اجتماع مؤمنین است که حقوق و تکالیف متقابل اعضای آن به تفصیل در معارف ما منعکس شده است.
- ۲- مواردی نظیر همسایه، هم مسجدی، هم کلاسی، هم محله، هم روستایی و بلکه هم شهری در این حلقه می‌گنجد.
- ۳- مواردی در حوزه جهان اسلام یا احیاناً کل جهان در ضمن همین حلقه آمده است.

فصل اول
خانواده و ارحام

سرخط محتوایی در آیات و روایات

خانواده کوچکترین واحد جامعه است که اهمیت همبستگی و ولایت در آن مورد تأکید آیات و روایات قرار گرفته است. در این بخش با مروری بر پاره‌ای از آیات و روایات، بر لزوم همبستگی در فضای خانواده و ارحام و خویشان و دستورالعمل‌هایی که در این زمینه از متون شرع به دست ما رسیده است، خواهیم پرداخت.

تلاش برای ازدواج مجرّدها و فراهم کردن مقدمات آن

خداوند متعال در سوره مبارکه نور، یک دستور اجتماعی را خطاب به مؤمنین صادر می‌فرماید که به موجب آن باید زمینه برای ازدواج پسران و دختران توسط مؤمنین فراهم شود:

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ
يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^۱

و بی همسرانتان را (چه مرد باشند، چه زن) و نیز غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست‌اند، خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خداوند (رحمت و فضلش) فراگیر و داناست.

دستور «أَنْكِحُوا» به روشنی به وظیفه اجتماعی مؤمنین اشاره دارد. در کتب روایی ما نیز، بابی تحت عنوان «مَنْ تَزَوَّجَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنِ» وجود دارد که روایات آن پیرامون اجر و ثواب کسی است که برای برادر مؤمنش، شرایط ازدواج را فراهم کند. روایات متعددی در این خصوص آمده که به برخی اشاره می‌کنیم:

... عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا^۱

امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: بهترین شفاعت‌ها این است که برای سرگرفتن ازدواج دو نفر میانجی‌گری شود تا بالاخره خدای متعال آن‌دورا (زیریک سقف) جمع فرماید.

... عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ زَوَّجَ أَعْرَبَ كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲

امام صادق (ع) فرمودند: کسی که شرایط ازدواج انسان مجردی را فراهم کند، از کسانی است که خداوند متعال در روز قیامت به او نظر می‌کند.

در روایت دیگری از امام کاظم (ع) نقل شده که فرمودند: در روز قیامت که هیچ سایه‌ای جز سایه عرش خدا نیست، سه گروه زیر این سایه قرار می‌گیرند. اولین گروه کسانی هستند که

۱- کافی، جلد ۵، صفحه ۳۳۱

۲- بحار الأنوار، جلد ۷، صفحه ۲۹۸

شرایط ازدواج برادر مسلمانان را تأمین کرده‌اند: «رَجُلٌ زَوْجَ أَخَاهُ الْمُسْلِمِ»^۱

در روایت دیگری به نقل از رسول اکرم (ص)، اجر و پاداش فراوانی برای قدم برداشتن در راستای این امر خیر مترتب شده است:

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ شَهِدَ نِكَاحَ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ كَانَ حَاضِرًا فِي رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَلَهُ ثَوَابُ أَلْفِ شَهِيدٍ وَكَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ يَخْطُوهَا ثَوَابُ نَبِيِّ وَكَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ يَتَكَلَّمُهَا عِبَادَةَ سَنَةٍ وَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَغْفُورًا لَهُ وَمَنْ سَعَى فِيمَا بَيْنَهُمَا وَكَانَ دَلِيلًا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَزَوْجَهُ أَلْفَ حَوْرَاءَ وَكَأَنَّمَا اشْتَرَى أَسْرَاءَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ص وَاعْتَقَهُمْ وَإِنْ مَاتَ ذَاهِبًا أَوْ جَائِيًا مَاتَ شَهِيدًا^۲

رسول خدا (ص) فرمود: هر کس در مجلس ازدواج زن مسلمان حاضر شود، غرق در رحمت خدا می‌شود و برایش ثواب هزار شهید است و به هر قدمی که به سوی آن مجلس برمی‌دارد، ثواب عمل يك پیغمبر دارد و خداوند به هر جمله‌ای که سخن در آن مجلس بگوید، عبادت يك سال برایش بنویسد و از آن مجلس برنمی‌گردد، مگر اینکه آمرزیده باشد؛ و کسی که برای ازدواج دو نفر کوشش می‌کند و رهنمای آنان است، خداوند به تعداد هر موئی که در بدنش دارد، يك شهر در بهشت به او عطا کند و هزار حوریه به ازدواج او در آورد و گویا که با این عمل خود، اسیران آل محمد (ع) را خریده و آزاد کرده و اگر در حین رفت و آمد این واسطه‌گری بمیرد، شهید مرده است.

۱- وسائل الشیعه، جلد ۲۰، صفحه ۴۶

۲- ارشاد القلوب دیلمی، جلد ۱، صفحه ۱۷۴

زن و شوهر دو بال رشد خانواده

طبعاً دو رکن اصلی و اولیه در خانواده، زن و شوهر هستند که در قرآن کریم بر نقش هریک در شکوفایی خانواده در بستر محبت و مودت تأکید شده است.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا
وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَفِرُونَ^۱

و از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این (کار شگفت‌انگیز) نشانه‌هایی است برای آنان که می‌اندیشند

خدای متعال در جای دیگر، زن و شوهر را لباس یکدیگر معرفی فرموده تا زینت هم باشند و معایب هم را بپوشانند: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۲

همچنین در سوره نساء، نقش قوام‌بخش شوهر در خانواده تبیین شده و با اشاره به مدیریت اقتصادی او و وظیفه پرداخت نفقه که منجر به تکیه زن بر او می‌شود و نیز تبعیت همدلانه زن و اطاعت او از شوهر در امور مخصوص به شوهر، ساختاری حکیمانه برای توزیع حقوق و تکالیف متقابل در خانواده ارائه نموده که در سایه رعایت تقوا، الفت و همبستگی را در خانواده حاکم می‌کند. طبعاً هر یک از زوجین در این تقسیم مسئولیت مقدس، کوتاهی کنند (مثلاً مرد از انفاق به زن دست بکشد)، نظام این سلول حیاتی اجتماع به خطر افتاده، همدلی‌ها و مودت‌ها به کدورت و اختلاف و نهایتاً جدایی خواهد انجامید.

۱- سوره مبارکه روم، آیه ۲۱

۲- سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۷

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ
بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا
حَفِظَ اللَّهُ...^۱

مردان، قیّم و تدبیرکننده (زندگی) زنانند، به خاطر آنکه
خدا مردان را (از جهت توان جسمی و فکری و مدیریتی)
بر زنان برتری داده، و به خاطر آنکه (مردان) از اموالشان
هزینه زندگی زنان را (به عنوان حقّی واجب) می‌پردازند؛
پس زنان شایسته (با رعایت قوانین حق)، فرمانبردار (و
مطیع شوهر) اند و به پاس آنچه خدا (برای آنان) حفظ
کرده، در غیاب شوهر (حقوق و اسرار و اموال او را) حفظ
می‌کنند...

اهمیت تکریم فامیل

از وظایف مهم در خصوص ارحام و اقوام، انفاق و احسان و
کمک کردن است که قرآن کریم نیز در آیات مختلفی متذکر آن
شده است:

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَ
الْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ
خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ^۲

از تو می‌پرسند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر مال و مایه
سودمندی که انفاق می‌کنید باید برای پدر و مادر و نزدیکان
و یتیمان و نیازمندان و محتاج در راه مانده باشد، و هر کار
نیکی انجام دهید، خدا به آن داناست.

وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا^۳
و حقّ خویشاوندان و حقّ تهیدست و در راه مانده را

۱- سوره مبارکه نساء، آیه ۳۴

۲- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۱۵

۳- سوره مبارکه اسراء، آیه ۲۶

بپرداز، و هیچ گونه اسراف و ولخرجی مکن.

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي
الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ
وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ
لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا

و خدا را بپرستید، و چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و همسایه دور و همنشینان و همراهان و در راه ماندگان و بردگان خود نیکی کنید؛ یقیناً خدا کسی را که متکبر و خودستا است، دوست ندارد.

امیرالمومنین (ع) در نامه به فرزندشان امام مجتبی (ع)، بر اهمیت اکرام عشیره تأکید کرده‌اند. «عشیره» همان فامیل و اقوام امروزی است که اکرام آنان، قالب‌های مختلفی چون اطعام، مهمانی دادن، حل مشکلات آنان و غیره دارد.

أَكْرِمْ عَشِيرَتَكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَأَصْلُكَ الَّذِي
إِلَيْهِ تَصِيرُ وَيَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ^۲

فامیل را اکرام کن؛ چرا که آنها همان بال تو هستند که با آن پرواز می‌کنی و همان ریشه تو هستند که به آن باز می‌گرددی و همان دست تو هستند که با آن مقتدر می‌شوی.

صله رحم

از دیگر عناوین پرتکرار در روایات ما، «صله رحم است. مطابق روایات اهل بیت (ع)، صله رحم باعث ایجاد محبت می‌شود و خاری و ذلت دشمنان را به دنبال دارد. البته باید توجه داشت

۱- سوره مبارکه نساء، آیه ۳۶

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱

که صلّه رحم که مورد سفارش اکید دین ماست، صرفاً با دید و بازدید محقق نمی‌شود؛ بلکه منوط به ارتباط وثیق و همدلی است تا محبت را ایجاد کند و دشمن را ذلیل نماید.

صِلَّةُ الرَّحِمِ تُوجِبُ الْمَحَبَّةَ وَتَكْبِتُ الْعَدَا

صلّه رحم محبت به وجود می‌آورد و دشمن را خوار و سرنگون می‌کند.

باید توجه داشته باشیم همبستگی و همدلی بین خانواده و ارحام، آنچنان مورد اهتمام شارع است که اثرات بسیاری را بر آن مترتب کرده است که از این اثرات می‌توان زیاد شدن عمر، دور شدن اجل، کثرت مال، زیاد شدن روزی و محبوبیت در بین خانواده را نام برد.

إِنَّ صِلَّةَ الرَّحِمِ مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ وَ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ وَ مَنَسَأَةٌ فِي الْأَجَلِ^۲

صلّه رحم موجب افزایش مال، محبت در خانواده و تاخیر در زمان مرگ می‌شود.

مَنْ ضَمِنَ لِي وَاحِدَةً ضَمِنْتُ لَهُ أَرْبَعَةً يَصِلُ رَحْمَهُ فَيُحِبُّهُ أَهْلُهُ وَ يُوسِّعُ عَلَيْهِ رِزْقَهُ [وَيَزِيدُ فِي عُمُرِهِ] وَيُدْخِلُهُ اللَّهُ تَعَالَى [فِي] الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَهُ^۳

هر کس یک چیز را برای من ضمانت کند، من چهار چیز را برای او ضمانت می‌کنم. با رحمتش (فامیلش) ارتباط داشته باشد، (من ضمانت می‌کنم که) خانواده‌اش او را دوست خواهند داشت، رزقش فراوان خواهد گشت، عمرش زیاد خواهد شد و (در نهایت) خدای تعالی او را به بهشتی که وعده‌اش را داده، وارد می‌کند.

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۲۵۰

۲- بحار الانوار، جلد ۷۱، صفحه ۱۰۲

۳- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۲۴۶

مَنْ يَضْمَنْ لِي بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَصَلَهُ الرَّحِمِ أَضْمَنْ لَهُ كَثْرَةَ الْمَالِ
وَزِيَادَةَ الْعُمُرِ وَالْمَحَبَّةَ فِي الْعَشِيرَةِ^۱

هر کس نیکی به والدین و صله رحم را برای من تضمین کند، من نیز فراوانی مال و طول عمر و محبت میان بستگان را برای او تضمین می‌کنم.

صَلَةُ الرَّحِمِ تَعْمُرُ الدِّيَارَ وَ تَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ وَإِنْ كَانَ أَهْلُهَا
غَيْرَ أَخْيَارٍ^۲

صله رحم سرزمین‌ها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند؛ اگرچه که اهالی آنجا، انسان‌های نیکوکاری نباشند.

اگر فردی برای صله رحم و خدمت به فامیل و رفع مشکلات آنها اقدام کند، اجر و پاداشی در نزد خدای متعال دارد که امیرالمؤمنین (ع) پرده از آن بر می‌دارد:

... عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: قَالَ (رَسُولُ اللَّهِ): مَنْ مَشَى إِلَى ذِي
قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ لِيَصِلَ رَحْمَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ مِائَةِ
شَهِيدٍ وَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُمْحَى عَنْهُ أَرْبَعُونَ
أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ وَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهُ
مِائَةَ سَنَةٍ صَابِرًا مُخْتَسِبًا^۳

هر کس خودش و مالش را در راه صله رحم (و تقویت ارتباط فامیلی و حل مشکلات اقوام) بکار گیرد، خداوند عز و جل اجر صد شهید به او عطا می‌کند و به ازای هر قدمی که بر می‌دارد، چهل هزار نیکی برای او ثبت می‌شود و چهل هزار بدی از او محو می‌شود و همچنین چهل هزار درجه بالا می‌رود و انگار که خدای متعال را صد سال صابرا نه و خالصانه عبادت کرده است.

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۱۷۶

۲- امالی شیخ طوسی، صفحه ۴۸۱

۳- امالی صدوق، صفحه ۴۳۱

اگر بخواهیم ثواب خرج کردن سرمایه به چهار طریق مختلف را با هم مقایسه کنیم؛ یعنی «صدقه دادن»، «قرض دادن»، «خرج کردن برای برادران دینی» و «خرج کردن برای ارحام»، باید به روایتی در کتاب کافی مراجعه کنیم. در این روایت بیان شده که خداوند این چهار نوع خرج کردن را چگونه پاسخ خواهد داد:

... عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص
 الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَصِلَةُ الْإِخْوَانِ
 بِعِشْرِينَ وَصِلَةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ^۱

صدقه به ده برابر جزا داده می‌شود، قرض به هجده برابر، ارتباط با برادران دینی به بیست برابر و ارتباط با بستگان به بیست و چهار برابر جزا داده می‌شود.

در خرج کردن و صدقه دادن باید توجه کرد که ارحام در صدقه، اولویت دارند. مطابق روایات، صدقه به فقیر فقط صدقه است؛ اما صدقه به ارحام هم صدقه است و هم صله رحم؛ و طبعاً اثرات هر دو را هم دارد.

صَدَقَتُكَ عَلَى الْفَقِيرِ صَدَقَةٌ وَعَلَى الْأَقْرَبَاءِ صَدَقَتَانِ لِأَنَّهَا
 صَدَقَةٌ وَصِلَةُ الرَّحِمِ^۲

صدقه‌ای که به فقیر می‌دهی، یک صدقه محسوب می‌شود، اما (صدقه) به نزدیکان، دو صدقه محسوب می‌شود؛ زیرا این (دومی) هم صدقه است و هم ارتباط با بستگان.

قطع رحم

همانطور که خداوند تأکید به ارتباط و همبستگی بین اقوام و ارحام دارد، نسبت به قطع رحم نیز در آیات و روایات هشدار

۱- کافی، جلد ۴، صفحه ۱۰

۲- مستدرک الوسائل، جلد ۷، صفحه ۱۹۵

جدی داده است؛ به گونه‌ای که در سوره مبارکه محمد (ص) قطع رحم را موجب لعنت خویش و دوری از رحمتش دانسته است

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ
 (۳) أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ (۳)

پس اگر (از خدا و پیامبر) روی گردان شوید، آیا از شما جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد کنید و (بر سر مال و منال دنیا) قطع رحم نمایید؟ آنها کسانی هستند که خدا آنان را نفرین کرده؛ لذا ناشنوایشان گردانده و چشمانشان را نابینا کرده است.

جالب اینکه قطع رحم را حتی با غیر اهل اسلام هم جایز ندانسته و آن را از حقوق انسانی متقابل شمرده‌اند:

... عَنِ الْجَهْمِ بْنِ حُمَيْدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَيِّ عَبْدِ اللَّهِ ع يَكُونُ لِي
 الْقَرَابَةُ عَلَى غَيْرِ أَمْرِي أَلَهُمْ عَلَيَّ حَقٌّ قَالَ نَعَمْ حَقَّ الرَّحِمِ لَا
 يَقْطَعُهُ شَيْءٌ وَإِذَا كَانُوا عَلَى أَمْرِكَ كَانَتْ لَهُمْ حَقَّانِ حَقَّ الرَّحِمِ
 وَحَقَّ الْإِسْلَامِ

جهم بن حمید می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم که من فامیل‌هایی دارم که دینشان دین من نیست. آیا آنها بر گردن من حقی دارند؟ حضرت فرمود: بله! حق رحم را چیزی نمی‌تواند قطع کند؛ و اگر آنها بر دین تو بودند که دو حق داشتند: حق رحم و حق اسلام.

نکته دیگر اینکه وظایف و تکالیف ما ربطی به قصور دیگران ندارد و اگر افرادی از اقوام و دوستان، تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفته و از جمع کناره می‌گیرند، وظیفه

۱- سوره مبارکه محمد (ص)، آیات ۲۲ و ۲۳

۲- بحارالانوار، جلد ۷۱، صفحه ۱۳۱

از گردن ما ساقط نمی‌شود. اینطور نیست که اگر شخصی مهمانی نمی‌دهد یا در مهمانی‌ها شرکت نمی‌کند، ما نیز مجاز باشیم با او همینطور رفتار کنیم؛ چرا که در این صورت، هر دو مورد بی‌اعتنایی از جانب خداوند واقع می‌شویم؛ ولی اگر ما رابطه خود را حفظ کنیم و کوتاهی نکنیم، حتی اگر طرف مقابل قطع رحم کند، ما در پیشگاه خداوند معذوریم.

...عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ بَلَّغْنِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - إِنْ أَهْلَ بَيْتِي أَبَوًا إِلَّا تَوَثَّبَ عَلَيَّ وَ قَطِيعَةً لِي فَأَرْفُضُهُمْ فَقَالَ إِذَا يَرُفُضُكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا قَالَ فَكَيْفَ أَصْنَعُ قَالَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطِي مَنْ حَرَمَكَ وَ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كَانَ لَكَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ ظَهِيرٌ^۱

اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام صادق (ع) این روایت به من رسید که مردی نزد رسول الله (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا، اهل بیتم با من قطع ارتباط کرده‌اند. آیا من هم آنها را رها کنم؟ حضرت فرمود: در آن صورت خداوند هر دوی شما را رها خواهد کرد. عرض کرد: پس چه کار کنم؟ فرمود: با کسی که با تو قطع ارتباط کرده ارتباط بگیر و به کسی که تو را محروم کرده عطا کن و کسی که به تو ظلم کرده را عفو کن؛ که اگر چنین کنی، از ناحیه خداوند عز و جل علیه آنان پشتیبان خواهی داشت.

...عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ لِي ابْنَ عَمٍّ أَصْلُهُ فَيَقْطَعُنِي حَتَّى لَقَدْ هَمَمْتُ لِقَطِيعَتِهِ إِيَّايَ أَنْ أَقْطَعَهُ

قَالَ إِنَّكَ إِذَا وَصَلْتَهُ وَقَطَعْتَكَ وَصَلَكُمَا اللَّهُ جَمِيعًا وَإِنْ قَطَعْتَهُ وَ
قَطَعْتَكَ قَطَعَكُمَا اللَّهُ جَمِيعًا

عبد الله بن سنان می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: من پسر عمویی دارم که با او ارتباط می گیرم، اما او با من کاری ندارد؛ تا اینکه بالاخره قصد کردم به خاطر قطع ارتباط او، من هم با او قطع ارتباط کنم. حضرت (ع) فرمود: اگر با او ارتباط بگیری و او با تو قطع ارتباط کند، خدا هر دوی شما را وصل می کند. اما اگر هم تو با او قطع ارتباط کنی و او هم همین کار را بکند، خداوند هر دوی شما را قطع و از هم جدا می کند.

باید توجه داشته باشیم که خداوند متعال، قوانینی در عالم قرار داده که در قرآن خود و توسط معصومین علیهم السلام برای ما بیان فرموده است؛ اما ما در بسیاری از موارد بدون توجه به این قوانین الهی عمل می کنیم و متضرر می شویم. یکی از این قوانین که خداوند ما را از آن آگاه کرده، همین همبستگی و همدلی با اولویت مؤمنین و ارحام است که علاوه بر اثرات و برکات تکوینی و اخروی، اثرات مادی و دنیوی نیز دارد. برای مثال در روایت آمده که اگر قطع رحم کنید، اموالتان به دست اشرار می افتد. چگونگی این اتفاق شاید برای ما مشخص نباشد، اما به موجب ایمان به وعده خداوند که بر زبان صدق ولی او جاری می شود، یقین داریم چنین ساز و کاری در عالم با مدیریت و ربوبیت پروردگار وجود دارد. شاید تحقق این مسئله به این نحو باشد که اگر اموال را در مسیر همدلی ارحام و رفع حوائج

آنان استفاده نکنیم و مثلاً به امید کسب سود بیشتر، در امور تجاری سرمایه گذاری کنیم، سرمایه مان از دست برود و به دست اشرار بیفتد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): إِذَا قَطَّعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتْ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ

امیرالمومنین (ع) فرمود: هر گاه قطع رحم کنید، اموال به دست اشرار می افتد.

کسانی که زندگی سامان یافته و روبه راهی دارند، توجه داشته باشند که طبق آموزه های روایی، برای آنها زکات مقرر شده؛ کما اینکه برای هر صاحب نعمتی زکاتی از نعمتش معین شده است:

زَكَاةُ الْيَسَارِ بِرُّ الْجِيرَانِ وَصِلَةُ الْأَرْحَامِ^۲

زکات توانگر، نیکی به همسایه و ارتباط با ارحام است.

اجتماع مؤمنین برای احیای امر اهل بیت (ع)

در روایات متعددی، ترغیب و تشویق به برگزاری اجتماعات مؤمنین شده است؛ یعنی همان مجالسی که به منظور زیارت برادرانه و معرفت افزایی و احیای امر ولایت اهل بیت (ع) و انسجام و همبستگی بیشتر میان نیروهای مؤمن با محوریت اهل بیت (ع) شکل می گیرد. برخی از این روایات به قرار زیر است:

... عَنْ سَعِيدِ الْعَقْرُقُونِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ

۱- کافی، جلد ۲، صفحه ۳۴۸

۲- غررالحکم، صفحه ۳۹۰

مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ تَزَاوَرُوا وَتَلَاقُوا وَتَذَكَّرُوا وَأَمْرَنَا وَأَحْيَاؤُهُ.
 امام صادق عليه السلام به اصحابش می فرمود: از خدا پروا
 کنید و برادرانی خوش رفتار باشید، در راه خدا با هم دوستی
 کنید و پیوستگی داشته باشید و مهرورزید، بدیلر و ملاقات
 یک دیگر روید و امر (ولایت) ما را مذاکره کنید و آن را زنده
 دارید.

... عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَجَلْسُونَ
 وَتَتَحَدَّثُونَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ نَعَمْ قَالَ إِنْ تِلْكَ الْمَجَالِسُ
 أَحْبَبَهَا فَأَحْبَبُوا أَمْرَنَا إِنَّهُ مَنْ ذَكَرَنَا وَذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ
 عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدَّبَابَةِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ
 زَيْدِ الْبَحْرِ^۲

بکر بن محمد ازدی گوید: امام صادق (علیه السلام) از من
 پرسید: آیا گرد هم می نشینید و از ما سخن می گوید؟ عرض
 کردم: فدایت شوم! آری. فرمود: به راستی، من این مجالس را
 دوست دارم. امر ما را زنده کنید. همانا هر که ما را یاد کند یا از ما
 نزد او یاد شود و به اندازه بال مگسی اشک از دیده اش خارج شود
 خداوند گناهان او را ببخشد؛ اگر چه فزون تر از کف دریا باشد.

... عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَزَاوَرُوا فَإِنَّ
 فِي زِيَارَتِكُمْ أَحْيَاءَ لِقُلُوبِكُمْ وَذِكْرًا لِأَحَادِيثِنَا وَأَحَادِيثِنَا تُعْطَفُ
 بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فَإِنْ أَخَذْتُمْ بِهَا رَشِدْتُمْ وَنَجَوْتُمْ وَإِنْ
 تَرَكْتُمُوهَا ضَلَلْتُمْ وَهَلَكْتُمْ فَخُذُوا بِهَا وَأَنَا بِنَجَاتِكُمْ زَعِيمٌ^۳

امام صادق (علیه السلام) فرمود: به زیارت یکدیگر روید؛ زیرا
 زیارت کردن یکدیگر، باعث زنده شدن دل های شما و یاد نمودن

۱- کافی، جلد ۲، صفحه ۱۷۵

۲- ثواب الأعمال شیخ صدوق، صفحه ۱۸۷

۳- کافی، جلد ۲، صفحه ۱۸۶

احادیث ماست، و احادیث ما شما را به هم متوجه می‌سازد، پس اگر به آنها عمل کنید، هدایت و نجات می‌یابید. و اگر آنها را ترک کنید گمراه و هلاک شوید، پس به آنها عمل کنید، و من ضامن نجات شمایم.

... عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: ...
 الْأَوَّانَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَيِّدًا وَسَيِّدُ الْمَجَالِسِ مَجَالِسُ الشَّيْعَةِ...^۱
 ابن ابی مقدم در ضمن حدیث مفصلی از امام صادق (ع) نقل کرده که حضرت فرمودند: آگاه باشید که هر چیزی سرور و آقایی دارد و سرور مجالس، مجالس شیعه است.

برخی نمونه‌های موفق از همبستگی خانواده و ارحام

در این بخش به تعدادی از ایده‌های موفق و نمونه‌های تحقق یافته اشاره می‌شود که در راستای ایجاد همبستگی بیشتر در فضای خانواده و ارحام مورد توجه قرار گرفته یا نیازمند توجه بیشتر است.

واسطه‌گری در ازدواج، سنتی دیرینه و موفق^۲

یکی از مراحل ازدواج، که می‌توان آن را مقدمه‌ای ضروری برای شکل‌گیری این پیوند دانست، بحث معرفی دخترها و پسرهای خانواده‌ها به یکدیگر است که در عرف به این کار «واسطه‌گری در ازدواج» گفته می‌شود. اگر این کار به یک عمل جمعی و عمومی تبدیل شود، برکات بسیاری را به همراه خواهد داشت و باعث همدلی جامعه در بحث

۱- کافی، جلد ۸، صفحه ۲۱۳

۲- برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، مرکز آمار ایران، خبرگزاری ایرنا، پایگاه خبری بافق فردا



ازدواج خواهد شد؛ چرا که به جز خود عمل معرفی و واسطه‌گری که باعث تسهیل ازدواج و آشنایی خانواده‌ها می‌شود، معمولاً این معرفی‌ها توسط بزرگترهایی انجام می‌شود که می‌توانند در مراحل بعدی نیز با وساطت خود، مانع از سختگیری‌های خانواده‌ها شده و در مجموع فرآیند ازدواج جوانان را تسهیل می‌کنند.

رهبری معظم انقلاب نیز بارها بر این موضوع تأکید کرده‌اند: «یکی از مسائل مهم این است که رسم خواستگاری رفتن و وساطت کردن برای ازدواج دخترها، متأسفانه کمرنگ شده؛ این چیز لازمی است. افرادی هستند سابقاً همیشه معمول بود، حالا هم با کثرت نسل جوان در جامعه ما، باید این رواج داشته باشد - پسرهایی را می‌شناسند، به خانواده دختر معرفی می‌کنند؛ دخترهایی را می‌شناسند، به خانواده پسر معرفی می‌کنند؛ تسهیل می‌کنند و آماده‌سازی می‌کنند ازدواج را؛ این کارها را بکنند. هرچه که ما بتوانیم در جامعه مسئله مشکل جنسی جوان‌ها را حل کنیم، این به نفع دنیا

و آخرت جامعه و کشور ما است.^۱
 «در گذشته معمول بود که برای ازدواج، افراد خیر و مؤمنی پیدا می شدند، واسطه گری می کردند، دخترهای مناسب را، پسرهای مناسب را، معرفی می کردند، ازدواج ها را راه می انداختند؛ این کارها باید انجام بگیرد؛ باید واقعاً در جامعه یک حرکتی در این زمینه به وجود بیاید.»^۲

دلایل تأکیدهای حکیمانه رهبری معظم بر احیای سنت واسطه گری در ازدواج، همان نصوص قرآنی و روایی ماست که قدم نهادن در این جهت را مورد سفارش و ترغیب قرار داده و آن را موجب کسب اجر و ثواب بالایی دانسته است.

جالب اینکه در سیره خودنبی اکرم (ص) نیز شاهد چنین دغدغهای هستیم. جوانی به نام «جُوْبَيْر» خدمت رسول خدا (ص) آمد. حضرت نگاه مهربانی به او کردند و پرسیدند: چرا ازدواج نمی کنی؟ او در پاسخ مشکلاتی را مطرح کرد. حضرت همان جا او را راهنمایی کرده و فرمودند:

«انْطَلِقْ يَا جُوْبَيْرُ إِلَى زِيَادِ بْنِ لَبِيدٍ فَإِنَّهُ مِنْ أَشْرَفِ بَنِي بَيَاضَةَ»^۳

«جویر! پیش زیاد بن لبید برو و دختر او را خواستگاری کن.»

در کنار تشویق و تأکید نصوص شرعی (که قبلاً اشاره شد)، واسطه گری ازدواج از یک امر عقلائی هم نشأت می گیرد؛ چرا که طبیعتاً خانواده مؤمنی که در صدد تزویج

۱- بیانات در ۲۰ تیرماه ۱۳۹۴

۲- دیدار با دانشجویان در ۱ مردادماه ۱۳۹۳

۳- کافی، جلد ۵، صفحه ۳۴۱

جوان خویش است، گزینه‌های محدودی را به طور مستقیم می‌شناسند؛ از طرفی عفت و حیاء نیز غالباً مانع از آن است که یک جوان (بویژه دختران مؤمن) شخصاً پیگیر مسئله شوند. اینجا است که پادرمیانی و واسطه‌گری و کمک دیگران راهگشا خواهد بود.

در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی نیز برای استفاده از فضای مجازی جهت واسطه‌گری ازدواج شده که در برخی موارد موفق و در برخی موارد، با معایبی همراه بوده است. «اپلیکیشن آدم و حوا» که توسط «مجموعه تسهیل‌گری و توانمندسازی ازدواج آدم و حوا» در شهر مشهد پشتیبانی می‌شود، نمونه‌ای از این دست فعالیت‌ها است که با تلاش جمعی از اساتید حوزه علمیه و دانشگاه و همکاری طلاب محترم در جهت ترویج امر ازدواج، تلاش برای کاهش طلاق، هدفمندسازی ازدواج، از بین بردن موانع ازدواج و همچنین گسترش ازدواج صحیح اسلامی و شکل‌گیری خانواده بر مبنای تعالیم اسلام و قرآن تشکیل شده است. به موجب فعالیت‌های این مؤسسه نوپا، تا بهمن ماه ۱۳۹۸، بالغ بر ۲۱۹ مورد ازدواج به ثبت رسیده است.

به جز فعالیت‌های تشکیلاتی، برخی بانوان مؤمن نیز به طور خاص، شخصاً به این امر خداپسندانه مبادرت کرده‌اند. یک نمونه از آن، «خانم سکینه زینلی»، ساکن شهرستان بافق از توابع یزد است که تجربه سی ساله خود در واسطه‌گری ازدواج را برای خبرنگار هفته‌نامه افق کویر بازگو کرده است.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه اگر مسئله «تهدید نسل»

و «بحران جمعیت» که در سالیان اخیر شناخته شد، آینده کشور اسلامی ما را تهدید می کند و اگر بنا بر آمار و پیش بینی ها، چند دهه پس از این، ایران اسلامی یکی از پیرترین کشورهای جهان خواهد بود؛ نباید فقط «فرزندآوری» به عنوان آخرین حلقه از زنجیره تولید نسل را تنها چاره برای آن دانست؛ بلکه «مقدمه سازی برای اصل پیوند زناشویی» نیز به عنوان اولین حلقه از این زنجیره، اگر مهم تر نباشد، کم اهمیت تر نیست.

شایان ذکر است که مدیر کل سلامت، جمعیت خانواده و مدارس وزارت بهداشت در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ اعلام کرد: «میزان ازدواج در کشور از سال ۱۳۸۹ تاکنون، ۴۰ درصد کم شده است!» خبر تکان دهنده ای که متأسفانه داده های مرکز ملی آمار ایران نیز آن را تأیید می کند:



صندوق‌های قرض‌الحسنه فامیلی، طرحی برای تحکیم همبستگی

چنانکه گذشت، در دین مبین و جاودانه اسلام، به مسئله صلّه رحم تأکید بسیاری شده است. از طرف دیگر، دادن قرض به یکدیگر نیز مورد تأکید است و حتی از انفاق (کمک بلاعوض) بالاتر شمرده است.

این دو دستور، در جامعه ایرانی و برخی جوامع دیگر، با همدیگر تلفیق شده‌اند و پدیده‌ای به نام «صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی و فامیلی» را ایجاد کرده‌اند.

اگرچه آمار دقیقی از تعداد آن وجود ندارد، ولی این پدیده پربرکت به شدت در کشور ما - خصوصاً در چند سال اخیر - گسترش پیدا کرده و به نوبه خود مانع از آلوده شدن در مفاسد نظام بانکی همچون ربا شده است.

به جز اصل پدیده قرض‌الحسنه و آثار مثبت آن، از دیگر برکات جنبی این طرح اینکه وقتی در یک جمع فامیلی، صندوق خانوادگی تشکیل می‌شود، اعضای فامیل رفت و آمد و تعاملات زیادی باهم دیگر پیدا می‌کنند و شکاف‌های



خانوادگی ناشی از دوری فامیل‌ها تا حد قابل توجهی از بین می‌رود؛ خصوصاً اینکه در ضمن این رفت و آمدها، افراد فامیل از مشکلات یکدیگر بیشتر آگاه می‌شوند و به یاری‌رسانی به همدیگر بیشتر اهتمام می‌ورزند.

یکی از فواید حاصل از این طرح، فراهم شدن بستر مناسب برای رعایت تقواست؛ چرا که این پدیده باعث می‌شود تا مفاسد اجتماعی کاهش یافته و افراد بیشتر به رعایت تقوای اجتماعی تشویق شوند. دلیل آن هم این است که در این صندوق‌ها، اعتماد افراد به یکدیگر بر اساس تقوا و حسن رفتار آنهاست و در روابط فامیلی، تعاملات افراد در منظر و مرآی سایرین است.

بنابراین این پدیده، کمک شایانی به استحکام روابط فامیلی و خانوادگی می‌کند و باعث می‌شود بسیاری از مشکلات اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها در درون خود خانواده‌ها مرتفع شده و به بیرون کشیده نشود. همچنانکه این کار به احیای فرهنگ‌های اصیل اسلامی-ایرانی کمک شایانی می‌کند.

نکته حائز اهمیت، نحوه اداره این صندوق‌ها و قوانین حاکم بر آنها (مثل قرعه‌کشی، جریمه‌های مربوط به تأخیر در پرداخت، حذف کسانی که یکبار اسمشان در قرعه‌کشی درآمده و...) است که می‌بایست مقررات شرعی در آنها لحاظ گردد.

روضه‌های خانگی را احیا کنیم!

ولایت و محبت اهل بیت (ع) و اقامه مجالس ذکر مناقب و

مصائب ایشان، محور همبستگی ما بوده و هست، همچنان که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«بِمُؤَالَاتِكُمْ اتَّالَفَتِ الْفُرْقَةُ»

در برخی روایات دیگر نیز اجتماع شیعیان برای احیاء معارف اهل بیت (ع) مورد سفارش و ستایش قرار گرفته است که در بخش آیات و روایات به آن اشاره شد.

از دیرباز، در بسیاری از خانه های شخصی به صورت هفتگی یا ماهیانه جلسات ذکر مصیبت اهل بیت و بویژه سالار شهیدان (ع) برگزار می گردید و گاهی رونق یک مجلس و استقبال اهل محل از آن، موجب توسعه و تبدیل آن به یک مجلس روضه مشهور می گشت. اگرچه این سنت حسنه در برخی دوران ها با ممانعت و کارشکنی حکومت های طاغوت مواجه شد، اما هیچگاه در میان مؤمنین و دوستان خانندان اهل بیت (ع) به تعطیلی نینجامید.

شاید تصور شود که پس از استقرار نظام اسلامی در این کشور و برپایی مجالس روضه وسیع با حضور جماعات



بزرگ و وعظ خطبای برجسته و مادحین مشهور، دیگر ضرورتی برای برگزاری این چنین مجالس کوچک و خانوادگی نباشد؛ اما این چنین اجتماعات مذهبی خانگی فی نفسه برکات فراوانی دارد که یکی از آنها روضه خوانی و ذکر مصائب اهل بیت (ع) و آثار مثبت مترتب بر آن است. آموزش قرآن و احکام، دید و بازدید خانوادگی، با خبر بودن از شرایط و مشکلات و نیازهای یکدیگر و حل آنها، تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه در حاشیه جلسه، سرگرمی کودکان و حضور غیررسمی آنها در مجلس، تأمین هزینه‌های جهیزیه و عروسی و ازدواج اهل فامیل و... از متداول‌ترین برکات این جلسات است که اگر به شکل ساده و بدون ریخت و پاش و چشم و هم‌چشمی (که آفت بزرگ این مجالس است) برگزار شود، می‌تواند تا سال‌ها تداوم یابد و کانون گرمی برای اعضای یک خاندان باشد. گردشگری بودن این مجالس و تشکیل نوبتی آن در خانه هر یک از اقوام نیز خود عاملی برای همبستگی بیشتر خواهد بود.

در دوران کرونا و محدودیت‌های وضع شده برای برپایی اجتماعات بزرگ، نیاز به برگزاری اینگونه مجالس خانگی، بیش از پیش حس شده و مورد تأکید فعالان فرهنگی و حتی عرصه سلامت نیز قرار گرفته است.

ماجرای یک روضه خانگی از زبان حجه الاسلام پناهیان من رفتم یک شهری آنجا به من گفتند بیا برویم خانه یک کسی ایام محرم و صفر روضه دارد؛ آدم خوبی است؛ اتفاق ویژه‌ای هم برایش افتاده - امام جمعه محترم شهر، آقای

دکتر الف، دکتر ب اینها همه شاهد هایش هستند - اتفاقی افتاده خودش برایت بگوید. رفتیم دیدیم یک محوطه خیلی بزرگی است و یک منبری گذاشتند و آن دهگی هایش که روضه می گرفته تمام شده بوده. آن شب دیگر روضه نداشت؛ ولی خب هنوز سیاهی ها برقرار بود. سلام و علیک و نشستیم و پسر هایش هم ماشاء الله بزرگ کنارش نشسته بودند و به آن آقا گفتند که آقا قصه ات را بگو. آن هم حالا می خواست اول تعارف کند گفت حالا شما بگویید دیگر. گفتند نه خودت بگو، می خواهیم خودت بگویی.

آقای ماشاء الله نجار گفتش که بله من مریض شده بودم جوان بودم بچه هایمان کوچولو بودند. اینها کوچولو بودند، اینجا این اتاق، دم یک اتاقی ما را نشانندند. این اتاق اتاقمان بود حیاطمان هم همین قدر بود. کارگر بودم نجاری می کردم، کلیه هایم از کار افتاد، مسیر مداوایش را همه را گفت، گفت دیگر من را گذاشتند زیر راه پله بیمارستان از بس بدنم تعفن کرده بود و فرستادند خانه که دیگر از دنیا برود. می گفتند چون بنیه بدنی اش قوی است مانده. برش دارید این را ببرید.

می گفت من را آوردند خانه دیگر حرف هم نمی توانستم بزنم. دیگر کسی کمتر می آمد در اتاق، من گاهی به هوش می آمدم گاهی از هوش می رفتم. محرم بود مادرم از مجلس عزای اباعبدالله الحسین آمد شروع کرد گریه کردن یک دستمالی را آورد گفت من می خواهم این دستمال را به بدن تو بکشم دستمالی است که در آن اشک روضه اباعبدالله الحسین است، حسین باید تو را شفا بدهد. من می خواستم

اشاره کنم مادر! آخر من دیگر از این حرف‌هایم گذشته. این بدن درب داغون می‌گفت کرم زده بود بدنم. این راچی کی می‌خواهد درست کند؟ شروع کرد گریه کردن دستمال را می‌کشید رو بدن من می‌گفت که یا ابا عبدالله بچه‌ام را از تو می‌خواهم. من هم گفتم، دلش شکست با ناله‌های مادرم. گفتم آقا اگر من را شفا بدهی من برایت روزه می‌گیرم. شام می‌دهم در کوچه‌ها شام می‌دهم. می‌گفت این تو کوچه‌ها شام می‌دهمش همین جوری می‌تکرار می‌شد برایم. هیچی دیگر، می‌گفت یکی دو روز بعد به جای اینکه من دیگر لحظه‌های آخر یعنی تمام شدنم باشد، دیدم یک آقای رو این صندلی، صندلی را هم برای خودش نگه داشته بود و کنار من نشسته. اینقدر زیبا بود این آقا من بیماری ناتوانی یادم رفت بلند شدم نشستم. نمی‌دانم خواب بود یا بیداری. گفتم به به اینکه می‌گویند نظر به صورت عالم عبادت است شما را می‌گویند. فرمود خب ماشاءالله نجار. آن وقت این آقا من نمی‌دانم خیلی از صدای آن آقا تعریف می‌کرد. می‌گفت صدایش عجیب بود. فرمود چی می‌خواهی؟

گفتم من باربایم حسین کار دارم می‌خواهم من را شفا بدهد. فرمود خب من حسینم، ببین تو شفا پیدا کردی. می‌گوید من دیدیم نشسته‌ام. گفتم بیا یک مقدار آب بخور ببین حالت خوب شده. از تخت آمدم پایین در حیاط این وسط یک شیر آب بود آب خوردم. فرمود ولی روزه گفتمی می‌گیرم بگیری‌ها! چند روز می‌خواهی روزه بگیری؟ من که در ذهنم نبود چند روز. فقط هسی در ذهنم بود در کوچه‌ها می‌خواهم برایت غذا بدهم. گفتم که نمی‌دانم ده روز. آقا

فرمود چرا ده روز؟ هجده روز بگیر به یاد مادرم که هجده ساله بود. من اصلاً خیلی اباهم دارم از نقل اینجور حرف‌ها از بس برای من آنجا سند و مدرک آوردند، همه مردم شهرشان هم می‌دانند این اصلاً رفته بود و برگشته. می‌گوید آمدم و خانواده را بیدار کردم آنها من را دیدند با این قیافه جدید و شیون زدند. همسایه‌ها ریختند. فکر کردند من تمام کردم، دیدند نه، متوجه شدند. می‌گفت خدا شاهد است من در صف نماز می‌رفتم می‌گفتند این چقدر شبیه ماشاءالله مرحوم است. چی شد راستی؟ می‌گفت بابا من خودم هستم.

سال بعد همان زمان آه در بساط نداریم؛ صدقه خور شده بودیم. گفتم یا ابا عبدالله من گفتم می‌خواهم برایت روضه بگیرم، پول ندارم. مادرم می‌گفت یک چایی بخر بده سر کوچه، حالا تا پولدار بشوی. تو که نداری. می‌گفت خدا شاهد است همانقدر که می‌سوختم برای مریضی ام، بیشتر می‌سوختم برای اینکه حسین گفتم من باید برایت روضه بگیرم شام بدهم ندارم.

می‌گوید خدا شاهد است در حیاط نشسته بودم ضجّه می‌زدم دوباره آقا می‌را دیدم، در چه وضعی نمی‌دانم، فرمود ماشاءالله نجّار چیه دوباره زانوی غم بغل گرفتی؟ گفتم آقا می‌خواهم روضه بگیرم ندارم. فرمود تو بلند شو، تو روضه‌ات را بگیر بقیه‌اش با ما. فرمود ماشاءالله نجّار همین تو حیاط روضه بگیر. برو یک جارو بیاور خودم می‌خواهم جارو کنم زیر پای عزادارها را.

بقیه ماجرایش را من نگویم. می‌گوید بلند شدم با گریه اینجا را مرتب کردم و نماز را خواندم، دیگر داشتم پتو

پهن می کردم یکی دیدم در زد. آمدم دم در دیدم یکی از بازاری‌های شهرمان همین جوری دارد با وانت ااثات آورده، برنج آورده، سماور آورده، دیگ آورده، دارد خالی می‌کند گریه می‌کند. گفتم اینها چیه؟ گفت حرف نزن هر چی تو دیشب دیدی من هم دیدم.

گفت حیاط خانه ما خیلی کوچولو بود، هی رفقا آمدند حیاط‌های خانه بغل را گرفتند اضافه کردند. گفت مثلاً اینجا یک خانه بوده اضافه کردند حالا ما سقف می‌زنیم محرم‌ها عزا می‌گیریم. بعد بنا شد برویم از این طرف حیاط آن طرف حیاط پای منبر داشتیم می‌رفتیم، زیبایی این را شهود می‌کنی عزیزم؟ دست‌هایش را باز می‌کرد گفت می‌بینی همه هستی من مال حسین است. همه هستی من مال حسین است. می‌گفت خانه من مال حسین است، حیاط من مال حسین است، همه‌اش مال حسین است. چه لذتی می‌برد این! چقدر شیرین است آن زندگی! همه هستی من مال حسین است!

فصل دوم
دوستان، آشنایان و
برادران ایمانی

سرخط محتوایی در آیات و روایات

یکی از خصلت‌های مهمی که پیشوایان معصوم (ع) برای شیعیان خود بر شمرده‌اند، همبستگی و همدلی بین برادران ایمانی و رواج روحیه دستگیری و مواسات بوده است که به اشکال مختلف در قرآن و روایات مورد اشاره قرار گرفته است.

سوره مبارکه ماعون، نهیب الهی

این سوره مبارکه به روشنی و بازبانی عتاب گونه به موضوع مورد بحث پرداخته است و از اشخاصی که با جامعه همدلی نمی‌کنند و داشته‌های خود را از ایتم و نیازمندان جامعه دریغ می‌کنند، به عنوان تکذیب‌کننده دین نام برده است. این سوره به ما می‌آموزد که گمان نکنید تکذیب‌کننده دین، انسان عجیب و غریبی با ظاهر شیطانی است؛ بلکه گروهی از تکذیب‌کنندگان دین اهل نماز و عبادات هم هستند و به

تعبیر دیگر، ظواهر مربوط به دین داری را رعایت می کنند؛ اما این از حد ظاهر تجاوز نمی کند و تعبد و تدین آنها جنبه ریاکارانه دارد. لذا در سخن گفتن از بایدها و نبایدها، پر رغبت و پر حرارت هستند، اما در عمل اعتقادی ندارند. فریب ظاهر اینان را نباید خورد که اینها در نماز هم غافل هستند و ریا می کنند؛ حال معیار تشخیص این اشخاص چیست؟ در رابطه با خدای خود ریاکار و در رابطه با بندگان خدا خسیس و خشک هستند. در فضای همدلی و همبستگی حضوری ندارند و ضروریات زندگی نیازمندان را تأمین نمی کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ (۱) فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲) وَ لَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳) فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ (۶) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

آیا کسی که همواره روز جزا را انکار می کند، دیدی؟ (۱) همان که یتیم را به خشونت و جفا از خود می راند، (۲) و (کسی را) به طعام دادن به مستمند تشویق نمی کند. (۳) پس وای بر نمازگزاران! (۴) که از نمازشان غافل و نسبت به آن سهل انگارند؛ (۵) همان کسانی که همواره ریا می کنند (۶) و از (دادن) وسایل و ابزار ضروری زندگی (به نیازمندان) دریغ می ورزند. (۷)

در روایت نبوی آمده که خداوند متعال به عزت و جلالش سوگند یاد کرده که اگر امت اسلامی نسبت به فقرای خود بی اعتناء باشند و فخر خروشی کنند، بدون شک آنها را به

دست یکدیگر عذاب کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا تَصَامَمْتَ أُمَّتِي عَنْ سَائِلِيهَا وَمَشَتْ بِتَبَخُّرٍ
حَلَفَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ بِعِزَّتِهِ فَقَالَ بِعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَعْدِيْنَّ بَعْضَهُمْ
بِبَعْضٍ^۱

رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه امت من تصمیم به
بی‌اعتنایی به نیازمندانشان بگیرند و با غرور راه بروند،
پروردگارم به عزتش سوگند یاد کرده و فرموده: «به
عزت و جلالم قسم آنها را به دست یکدیگر عذاب
خواهم کرد!»

ویژگی‌های متقین واقعی در بیان قرآن کریم

خداوند متعال در سوره مبارکه آل عمران ویژگی‌های متقین را
بیان می‌فرماید که مجموعه این ویژگی‌ها فضای حاکم بین
برادران ایمانی را مشخص می‌کند که بارعایت آنها همدلی
و همبستگی در جامعه ایمانی شکل خواهد گرفت.

وَ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ
الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (۱۳) الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ
وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ
(۱۳۴)^۲

و به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که
پهنایش (به وسعت) آسمان‌ها و زمین است بشتابید؛
بهشتی که برای پرهیزکاران آماده شده است؛ (۱۳۳)
آنان که در حال گشایش و حال تنگ‌دستی انفاق
می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از (خطاهای)

۱- وسائل الشیعه، جلد ۹، صفحه ۴۲۱

۲- سوره مبارکه آل عمران، آیات ۱۳۳ و ۱۳۴

مردم در می گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد.
(۱۳۴)

اطعام در شرایط سخت اقتصادی

در سوره مبارکه بلد از گردنه‌های سختی در مسیر حرکت انسان سخن به میان آمده است که آدمی برای رسیدن به قله نهایی باید از آنها عبور کند. بله! از نگاه قرآن کریم، با آزاد کردن برده یا اطعام یتیمان فامیل و فقرای خاک‌نشین در روزهای قحطی و گرسنگی، می‌توان از این گردنه‌ها عبور کرد. عبور سلامت جامعه از گردنه‌های سخت، منوط به دستگیری از ضعیفان و همبستگی جمعی است؛ چرا که در راه فتح قله، بدون همبستگی، احتمال سقوط بسیار بالا است.

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲) فَكُلْ رَغَبَةً (۱۳) أَوْ
إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (۱۴) يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵) أَوْ مِسْكِينًا ذَا
مَتْرَبَةٍ (۱۶)

پس شتابان و با شدت به آن گردنه سخت وارد نشد؛
(۱۱) و تو چه می‌دانی آن گردنه سخت چیست؟ (۱۲)
آزاد کردن برده، (۱۳) یا طعام دادن در روز گرسنگی و
قحطی، (۱۴) به یتیمی خویشاوند، (۱۵) یا مستمندی
خاک‌نشین (۱۶)

شیعیان واقعی در روایات چه کسانی هستند؟

شخصی نزد امام صادق (ع) آمد و سلام و احوال‌پرسی کرد. امام
(ع) از وی درباره خصوصیات برادران ایمانی‌اش پرسیدند.
آن شخص در جواب امام (ع) از برادرانش تعریف زیادی

کرد و خصال پسندیده بسیاری برای آنها ذکر نمود. سپس امام صادق (ع) از وی سؤالاتی درباره برخی ویژگی‌های دوستان او پرسیدند و پس از گفتگو، دست آخر معلوم شد، کسانی که آن شخص بزرگشان کرده بود و به آنها می‌بالید، صفات کلیدی که مد نظر امام صادق (ع) بود را نداشتند. روایت از قرار زیر است.

... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجَلَانَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَدَخَلَ رَجُلٌ فَسَلَّمَ فَسَأَلَهُ كَيْفَ مَنْ خَلَفْتَ مِنْ إِخْوَانِكَ قَالَ فَأَحْسَنَ الشَّنَاءِ وَزَكَى وَأَطْرَى فَقَالَ لَهُ كَيْفَ عِيَادَةُ أُغْنِيَاءِهِمْ عَلَى فَقْرَائِهِمْ فَقَالَ قَلِيلَةٌ قَالَ فَكَيْفَ مُشَاهَدَةُ أُغْنِيَاءِهِمْ لِفَقْرَائِهِمْ قَالَ قَلِيلَةٌ قَالَ فَكَيْفَ صِلَةُ أُغْنِيَاءِهِمْ لِفَقْرَائِهِمْ فِي ذَاتِ أَيَدِيهِمْ قَالَ إِنَّكَ لَتَذْكُرُ أَخْلَاقًا مَا هِيَ فِيْمَنْ عِنْدَنَا قَالَ فَقَالَ فَكَيْفَ تَزْعُمُ هَؤُلَاءِ إِنَّهُمْ شِيعَةٌ!

محمد بن عجلان می‌گوید: در نزد امام صادق (ع) بودم که مردی آمد و سلام کرد. سپس امام (ع) از او پرسید: حال و روز آن برادرانی که داری چگونه است؟ آن مرد آنان را ستود و بسیار ستایش کرد. امام (ع) فرمود: خیرخواهی ثروتمندانشان نسبت به فقیران چگونه است؟ او گفت: اندک است! امام (ع) فرمود: ثروتمندان چقدر به دیدار فقیران می‌روند؟ گفت: اندک! امام (ع) فرمود: کمک‌های مالی ثروتمندان به نیازمندان از چه قرار است؟ آن مرد گفت: شما از اخلاق و آدابی می‌پرسید که در نزد ماها کمتر یافت می‌شود. امام (ع) فرمود: پس این برادران تو روی چه حسابی گمان می‌کنند که شیعه هستند؟!

در حدیث دیگری در بیان شرط شیعه بودن آمده است:
 ... عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ
 الشَّيْعَةَ عِنْدَنَا كَثِيرٌ فَقَالَ فَهَلْ يَعْطِفُ الْغَنِيُّ عَلَى الْفَقِيرِ وَهَلْ
 يَتَجَاوَزُ الْمُحْسِنُ عَنِ الْمُسِيءِ وَيَتَوَاسَوْنَ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ لَيْسَ
 هُوَ لِأَشْيَعَةٍ - الشَّيْعَةَ مَنْ يَفْعَلُ هَذَا.^۱

راوی حدیث می گوید: به امام باقر (ع) گفتم: فدایت شوم! شیعیان در نزد ما فراوانند. فرمود: آیا ثروتمندان توجهی به فقیران دارند؟ آیا نیکان خطاکاران را عفو می کنند؟ و آیا یکدیگر را در دارایی خود شریک می سازند؟ گفتم: نه! فرمود: آنان شیعه نیستند. شیعه کسی است که اینگونه رفتار کند.

اولویت بندی در انفاق و اطعام

در همین فضای همدلی و همبستگی بین مؤمنین، گاهی اولویت هایی هم در خرج کردن و کمک و انفاق وجود دارد. روایات زیر موضوع را به خوبی روشن می سازد.

... عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ: لِأَكْلَةٍ أُطْعِمَهَا أَخَا لِي فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُشْبِعَ مَسْكِينًا وَلَا أَنْ أُشْبِعَ أَخًا فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُشْبِعَ عَشْرَةَ مَسَاكِينٍ وَلَا أَنْ أُعْطِيَهُ عَشْرَةَ دَرَاهِمَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْطِيَ مِائَةَ دِرْهَمٍ فِي الْمَسَاكِينِ.^۲

امام باقر (ع) فرمود: اگر یک لقمه به برادر ایمانی خودم بدهم، نزد من محبوب تر است از اینکه بی نوایی را سیر کنم؛ و اگر برادر ایمانی خود را سیر کنم، برایم محبوب تر است از اینکه ده بی نواری را سیر کنم؛ و اگر ده

۱- کافی، جلد ۲، صفحه ۱۷۳

۲- محاسن برقی، جلد ۲، صفحه ۳۹۲

درهم به برادر دینی ام عطا کنم، بهتر است از اینکه صد
درهم به بی نوایان عطا کنم.

مَنْ أَطْعَمَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ كَانَ (كَمَنْ أَطْعَمَ) فِيمَا مِّنَ النَّاسِ قُلْتُ
وَمَا الْفَيْئَامُ قَالَ مِائَةَ أَلْفٍ مِّنَ النَّاسِ^۱.

امام صادق (ع) فرمود: هر کس برادر دینی اش را اطعام
کند، مانند کسی است که فئامی از مردم را اطعام کرده
باشد. عرض کردم: فئام چیست؟ فرمود: صد هزار نفر
از مردم!^۲

لَأَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَشْبَعَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَطْعَمَ أَفْقًا مِّنَ
النَّاسِ فَقُلْتُ وَمَا الْأَفْقُ قَالَ مِائَةَ أَلْفٍ^۳.

امام باقر (ع) اگر مؤمنی را اطعام کنم تا سیر شود،
این محبوب تر است نزد من از اینکه «افقی» از مردم
را اطعام کنم. عرض کردم: افق چیست؟ فرمود: صد
هزار نفر!

عدم انفاق، موجب جذب و هضم مؤمنین در جبهه دشمن

در باب اهمیت تأثیر اطعام در ایجاد همبستگی جبهه
مؤمنین، حدیثی از امام صادق (ع) وارد شده که علت را
نیز توضیح می دهند و می فرمایند که اطعام نکردن فقیران
مؤمنین موجب می شود یا آنها از گرسنگی بمیرند یا
برای زنده ماندن، خود را نزد دشمنان ما ذلیل کنند و
به آنها پناه برند که این برایشان از مردن بدتر است.^۴

۱- کافی، جلد ۲، صفحه ۲۰۲

۲- تقریباً معادل یک استادیوم آزادی پراز فقیر!

۳- محاسن برقی، جلد ۲، صفحه ۳۹۱

۴- متأسفانه این مسئله در کشور ما در حال روی دادن است. محرومیت و وضعیت نامساعد
معیشتی مؤمنین در برخی استان های کشور (همچون خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان)،
باعث شده جریان های وهابی تحت حمایت عربستان و آمریکا در این مناطق سرمایه گذاری کرده و

... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لِإِطْعَامِ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ عِتْقِ عَشْرِ رِقَابٍ وَعَشْرٍ حَجَّجْتُ قُلْتُ عَشْرَ رِقَابٍ وَعَشْرٍ حَجَّجْتُ قَالَ يَا نَصْرُ إِنْ لَمْ تُطْعِمُوهُ مَاتَ أَوْ تَذَلُّونَهُ فَيَجِيءُ إِلَى نَاصِبٍ فَيَسْأَلُهُ وَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ مَسْأَلَةِ نَاصِبٍ يَا نَصْرُ مَنْ أَحْيَا مُؤْمِنًا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا فَإِنْ لَمْ تُطْعِمُوهُ فَقَدْ أَمْتُمُوهُ وَإِنْ أَطْعَمْتُمُوهُ فَقَدْ أَحْيَيْتُمُوهُ.^۱

امام صادق (ع): غذا دادن به یک مؤمن در نزد من دوست داشتنی تر است از آزاد کردن ده برده و ده بار به زیارت خانه خدا رفتن. (نصر بن قابوس راوی حدیث می گوید) گفتیم: ده برده و ده حج؟! فرمود: ای نصر! اگر به او غذا ندهید می میرد، یا اینکه ذلیلش می کنید؛ چرا که اجباراً نزد یک ناصبی (دشمن خاندان علی ع) می رود و از او چیزی طلب می کند؛ در حالی که مرگ برای او بهتر است از رو انداختن به ناصبی. ای نصر! هر کس مؤمنی را احیا کند، چنان است که گویی همه مردم را احیا کرده است. اگر به او (مؤمن گرسنه) طعام ندهید، او را میرانده اید و اگر طعامش دهید زنده اش کرده اید.

سیر بودن در جوار مؤمنی گرسنه

عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع: مَنْ بَاتَ شَبَعَانًا [شَبَعَانًا] وَبَحْضَرَتِهِ مُؤْمِنٌ جَائِعٌ طَاوَقَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَلَائِكَتِي أَشْهَدُكُمْ عَلَى هَذَا الْعَبْدِ أَنِّي قَدْ أَمَرْتُهُ فَعَصَانِي وَأَطَاعَ غَيْرِي وَوَكَّلْتُهُ إِلَى عَمَلِهِ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا غَفَرْتُ لَهُ أَبَدًا.^۲

با صرف هزینه‌ها و رسیدگی‌های مادی و نیز رواج پندارها و شبهات تفرقه افکن و معاندانه، دوستان اهل بیت (ع) را اجباراً به سمت خود متمایل کنند.

۱- کافی، جلد ۲، صفحه ۲۰۴

۲- وسائل الشیعه، جلد ۲۴، صفحه ۳۲۶

امام سجّاد (ع) فرمود: هرکس سیر بخوابد و در دسترس او مؤمنی گرسنه باشد، خدای بزرگ می‌فرماید: «ای فرشتگانم! شما را بر این بنده گواه می‌گیرم، من به او فرمان دادم (که گرسنه را سیر کند)، مرا نافرمانی کرد و به فرمانبرداری از دیگری (نفس، شیطان...) پرداخت و من او را به عملش واگذار کردم و به عزّت و جلالم سوگند که هرگز او را نخواهم بخشید.

بدون مهمان غذای خورد!

در روایت است که حضرت ابراهیم (ع) بدون مهمان غذا نمی‌خورد و هرگاه سفره طعام را پهن می‌کرد، گرسنه‌ای را نیز بر سر سفره خود دعوت می‌نمود.

... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ ع كَانَ أَبَا أَضْيَافٍ فَكَانَ إِذَا لَمْ يَكُونُوا عِنْدَهُ خَرَجَ يَطْلُبُهُمْ...

امام صادق (ع) فرمودند: ابراهیم پدر میهمان‌نوازی بود و اینگونه بود که هرگاه در نزدش (هنگام غذا) مهمانی نبود، از خانه خارج می‌شد و دنبال میهمان می‌گشت.

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِإِطْعَامِهِ الطَّعَامَ وَالصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ.^۲

پیامبر (ص) فرمودند: خداوند ابراهیم را دوست خود نگرفت، مگر به خاطر (دو چیز)؛ اینکه غذا اطعام می‌کرد و نیز اینکه در حالیکه مردم خواب بودند، به نماز شب می‌ایستاد.

کاش گوشه‌ای از این عادات و روحیات در ما بود که مثلاً بدون هم‌سفره غذا نخوریم؛ تا به تدریج این فضای

۱- کافی، جلد ۴، صفحه ۴۰

۲- وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۱۸۶

همد لانه شکل بگیرد. در روایت است که حضرت یعقوب (ع) وقتی سفره می انداخت، کسی را می فرستاد تا فقرا و گرسنگان را جمع کند بیاورد:

... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ يَعْقُوبَ ع كَانَ لَهُ مُنَادٍ يُنَادِي كُلَّ غَدَاةٍ مِنْ مَنْزِلِهِ عَلَى فَرْسَخٍ أَلَا مَنْ أَرَادَ الْغَدَاةَ فَلْيَأْتِ إِلَى مَنْزِلِ يَعْقُوبَ وَإِذَا أَمْسَى يُنَادِي أَلَا مَنْ أَرَادَ الْعِشَاءَ فَلْيَأْتِ إِلَى مَنْزِلِ يَعْقُوبَ!

امام صادق (ع) فرمودند: یعقوب (ع) یک جارچی داشت، هر روز هنگام ظهر از خانه او تا یک فرسخ (حدود ۶ کیلومتر) جار می زد و می گفت: هرکس ناهار می خواهد، برود خانه یعقوب! و هر شب نیز هنگام شام می رفت جار می زد: هرکس شام می خواهد، برود خانه یعقوب!

فاضل خوش ذوقی می گفت:

از این مجموعه روایات می فهمیم که خدای متعال می خواهد همه مؤمنین همدیگر را اطعام کنند و سفره داری به صورت یک رسم همگانی درآید. ثروتمند وقتی گرسنه شد، غذایش را نزد دیگری بخورد و روز بعد هم آن دیگری، ثروتمند را به سفره اش دعوت کند. اسلام می گوید سفره ای نباشد که فقیر از آن رانده شود و فقط اغنیاء دعوت شوند؛ چنانکه امیرالمؤمنین (ع) کار گزار خویش را بر این امر عتاب فرمود: «طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوعٌ وَ غَنِيَّتُهُمْ مَدْعُوعٌ»^۲. ثروتمند و فقیر کنار هم بر سر سفره بنشینند. در این صورت جامعه به هم گره می خورد؛ مردم به هم نزدیک می شوند؛ فقرا نیز در این میان غذایشان را محترمانه و

۱- کافی، جلد ۶، صفحه ۲۸۷

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵

بی منت می خورند؛ بدون آنکه دیگران (یا حتی خودشان)، متوجه شوند که آنچنان فقیرند که پول غذا هم ندارند. در این فضا، هیچ آبرویی گرو گذاشته نخواهد شد و شخص در اوج فقر هم باشد، دیگر مشکل طعام نخواهد داشت. در چنین جامعه‌ای، یاد می‌گیریم به جای آنکه از دهان یکدیگر لقمه بیرون بکشیم و بر سر هم کلاه بگذاریم تا یک لقمه نان بیشتر گیرمان بیاید، همگی به همدیگر نان بدهیم. شگفتا که در هر دو حالت، یک اندازه طعام به هر فرد می‌رسد و هیچکس بیشتر و یا کمتر از روزی مقرر شده‌اش نصیبی ندارد. با این وجود، طرح‌های زیبای اطعام همگانی که یکی از تجلیات آن در دهه محرم و مجالس سوگواری امام حسین (ع) است را برخی از افراد نادان یا مغرض مورد هجوم قرار می‌دهند و قصد تعطیل کردن آن را دارند.

باید توجه داشت که حل مشکلات برادران ایمانی طبق روایات، برکات زیادی هم در دنیا و هم در آخرت در پی خواهد داشت و فواید آن به خودمان خواهد رسید. دلخوشی و تبعیت از مدل‌های لیبرالیستی و فردگرایانه تمدن غرب، نباید ما را از توجه به برنامه و قوانین خداوند و همبستگی و همدلی بین مومنین باز بدارد و قهراً خودمان را از این خیرات و برکات محروم کنیم.

به عنوان مثال یکی از این برکات در روایت زیر آمده است:

مَنْ أَعَاثَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ اللَّهْفَانَ اللَّهْفَانَ عِنْدَ جَهْدِهِ فَفَنَسَّ كُرْبَتَهُ وَأَعَانَهُ عَلَى نَجَاحِ حَاجَتِهِ أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ يُعَجِّلُ لَهُ مِنْهَا وَاحِدَةً يُصْلِحُ بِهَا

أَمْرٌ مَعِيشَتِهِ وَيَدَّخِرُ لَهُ إِحْدَى وَسَبْعِينَ رَحْمَةً لِأَفْزَاعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَهْوَالِهِ^۱

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: کسی که برادر درمانده و تهدست خود را نسبت به غم و اندوهش کمک نماید و سعی و تلاش خود را در بر آورده ساختن حاجت او کند، هفتاد و دو (نوع) رحمت برایش از طرف خداوند عزّ و جلّ خواهد بود، که یکی برای اصلاح امور معیشت دنیایش؛ و هفتاد و یک رحمت دیگر برای سختی‌های (پس از مرگ و قبر و) جهان آخرت او در نظر گرفته شده است.

برخی نمونه‌های موفق از همبستگی در دایره مؤمنین
در این بخش به تعدادی از مصادیق موفق در تاریخ اسلام و تاریخ کشورمان اشاره می‌شود که در راستای ایجاد همبستگی بیشتر در فضای مؤمنین و همسایگان و افراد یک محله یا شهر مورد توجه قرار گرفته است.

آب میوه‌گیری برای مصدومان شیمیایی^۲

در دوران جنگ تحمیلی، پس از حملات شیمیایی عراق به شهرها و مناطق مسکونی، «ورزشگاه آزادی تهران» به نقاهتگاهی بزرگ برای بستری و مداوای مجروحان شیمیایی تبدیل شد. در همان روزها، کادر پزشکی اعلام کرد که «آب میوه» برای بهبود مجروحان شیمیایی مؤثر است.

وقتی این خبر به گوش مردم رسید، گروه‌های خودجوش به سرعت در مساجد جمع شده و مردم حاضر در صحنه، میوه‌های خود را به آنها رساندند. سپس برای

۱- کافی، جلد ۲، صفحه ۱۹۹

۲- برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، مرکز آمار ایران، خبرگزاری ایرنا، پایگاه خبری بافق فردا



اینکه آب میوه‌ها تازه به مصرف برسد، میوه‌ها را به محل ورزشگاه آزادی منتقل کرده و در همان جا محلی را برای آب میوه گیری اختصاص دادند. داوطلبان این امر خیر، در محل مربوطه آب میوه‌ها را می گرفتند و همانجا به مصرف مجروحین بستری شده می رسانند.

همان احساس مسئولیت برخاسته از ایمان، در ایام شیوع کرونا نیز متبلور شد و شبیه همین طرح در برخی بیمارستان‌های کشور نیز انجام شد و عکس‌های آن در کنار عکس‌های دوران دفاع مقدس قرار گرفت.



ایثار انصار مدینه نسبت به مهاجرین مکه^۱

پس از اینکه به خاطر قتل و شکنجه و تشدید فشارها از سوی کفار مکه، اوضاع این شهر برای ادامه زندگی تازه مسلمانان در صدر اسلام ناممکن گردید، مسئله هجرت به شهر یثرب واقع در شمال مکه (که بعدها مدینه النبی شهرت یافت) جدی تر شد. سران دو قبیله اصلی یثرب (یعنی اوس و خزرج) پیش از این در ضمن دو پیمان عقبه اول و عقبه دوم، به اسلام گرویده و با زمینه سازی و تمهیدات رسول الله (ص)، منتظر سفر ایشان و سایر مؤمنین به شهر و دیارشان بودند.

نهایتاً مسلمانان با ترک اثاث و کاشانه خود در شهر مکه، با دست خالی به سمت مدینه هجرت کردند و پیامبر (ص) نیز ۱۲ روز پس از «ليلة المبيت» و فداکاری امیر المؤمنین (ع)، به آنها ملحق شدند. در این میان، آنچه موجب کاهش مشکلات اقتصادی و سکونتی مسلمانان مهاجر شد، روحیه ایثار و میزبانی انصار از برادران دینی خود بود.

این ماجرا در سوره مبارکه حشر، در ضمن ستایش روحیه ایثارگری انصار مدینه، اشاره شده است؛ آنجا که خداوند

۱- برگرفته از: تفسیر مجمع البیان مرحوم طبرسی، دانشنامه حوزوی ویکی فقه، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، کتاب قصه های وحی (تألیف محمد غفاری)

محل مصرف غنائم حاصل از غلبه بر یهودیان بنی نضیر را بیان می‌فرماید:

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالُهُمْ يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ
الصَّادِقُونَ (۸) وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الذَّرْوَةَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَنْ
هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ
عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يوقَ شُحَّ نَفْسِهِ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹)

(از این اموال بازگردانده شده به پیامبر (ص)، سهمی) برای مهاجران تهیدستی است که از خانه‌ها و اموالشان بیرونشان انداختند، در حالیکه در طلب رزق خدا و خشنودی اویند، و (در عین سختی و تنگدستی،) خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند؛ اینان (در ادعای ایمان) راستگویند. (۸) و (نیز) کسانی (از انصار) که پیش از آنان (مهاجرین)، خانه (های خود) و (لوازم و مقدمات) ایمان را مهیا کرده بودند (یعنی در مدینه ساکن بوده و فضای ایمانی را برای پذیرش مهاجرین آماده کرده بودند)؛ (این انصار) هرکس به سوی آنان هجرت کرده را دوست می‌دارند و در سینه‌هایشان نسبت به آنچه به آن (مهاجران) داده شده (یعنی سهم غنائم)، نیازی حس نمی‌کنند و (مهاجران) را بر خودشان ترجیح می‌دهند، اگرچه آنان نیازمند باشند؛ و هرکس از حرص و جودش حفظ شود، پس آنان همان رستگارانند. (۹)

مفسران در شأن نزول این آیه، داستان‌های متعددی نقل کرده‌اند که برخی از آنها ناظر به فضیلت اهل بیت پیامبر (ع) و شدت مواسات آنان است. مطابق یکی دیگر از شؤن نزول آیه، وقتی یهودیان بنی نضیر به مسلمانان خیانت

کردند و مجبور شدند از اموال خود چشم بپوشند و محل سکونت خود در نزدیکی مدینه را ترک کنند و بروند، همه دارایی و زمین‌ها و نخلستان‌های آنان مطابق صریح آیات، در اختیار پیامبر (ص) قرار گرفت.

از قول ابن عباس نقل شده که هنگام تقسیم غنایم، رسول خدا (ص) به انصار اهل مدینه فرمود:

اگر مایل باشید، شما را در تقسیم غنایم با مهاجران شریک گردانم؛ به شرط این که مهاجران در ضیاع (زمین‌های زراعتی) و مال شما نیز شریک باشند. اگر هم بخواهید تمام این غنایم را به مهاجران بدهم تا در اموال و ضیاع شما شریک نباشند. از این دو پیشنهاد، یکی را برگزینید. انصار مدینه نیز راه جوانمردانه را پیش گرفته و گفتند: «ما در غنایم با آنها شریک نمی‌شویم. در عین حال حاضریم مهاجران در اموال و زمین‌های خود شریک کنیم.» خداوند متعال نیز، برای تشویق و تحسین آنها این آیه شریفه را نازل فرمود.^۱

دمپختک‌پزی در سال‌های قحطی بزرگ ایران^۲

قحطی سال‌های ۹۶-۱۲۹۵ شمسی در ایران که مقارن با اوج‌گیری جنگ جهانی اول بود، قریب به یک سوم از جمعیت کشور را به کام مرگ برد (حدود ۸ میلیون نفر). تأسف‌بار اینکه هیچ‌یک از طرفین درگیر در جنگ جهانی،

۱- تفسیر مجمع‌البیان، ج ۹، ص ۳۹۰ (روشن است که صفاتی که در این آیات در ستایش مهاجران و انصار شمرده شده، مربوط به یاران راستین و استوار پیامبر (ص) است؛ اما کسانی که راه نفاق را در

پیش گرفتند، از مصادیق این آیات به‌شمار نمی‌آیند.)

۲- برگرفته از: خاطرات زنده یاد سید محمد تقی یکرنگیان (مدیر انتشارات خجسته)، خاطرات میرزا خلیل خان تقفی (پزشک دربار قاجار)، خبرگزاری ایرنا، مشرق نیوز، آرشیو روزنامه ایران



متحمل چنین تلفات بالایی نشدند. موقعیت راهبردی ایران (علیرغم دوری از کانون درگیری‌ها) انگیزه‌ای کافی بود تا روسیه و انگلیس، اعلام بی‌طرفی دولت ایران را آشکارا نقض کرده و سربازان خود را از شمال و جنوب به خاک کشورمان سرازیر کنند و لقمه‌های سفره مؤمنین را از دهان زنان و کودکان بیرون کشیده و به مصرف چکمه‌پوشان متجاوز خود برسانند.

وضع بحرانی کشور در این سال‌ها و فقدان مواد غذایی و دارو، موجب تدریجی مردم بخاطر گرسنگی و شیوع وحشتناک بیماری‌های واگیرداری چون وبا و آنفلوآنزا شد. نانوایی‌ها که هر روز از سحر، شاهد صفوف بسیار طویل مردم گرسنه بودند، نان نیم‌پز مخلوط با خاک آزه و شن و ماسه و فضولات حیوانات را با قیمتی ده‌ها برابر همیشه می‌فروختند و هنوز روز به نیمه نرسیده، پارو صاف می‌کردند. آنها که کالایی قیمتی یا ظروف مسی در خانه داشتند، با خود آورده و روی ترازو می‌گذاشتند تا عوضش نان بگیرند. چهره گودافتاده‌آنهایی هم که با خوردن ریشه

درختان و علوفه و سگ و گربه و موش و الاغ هنوز زنده مانده بودند، دیگر به انسان شباهت نداشت.

احتکار غلات نیز به گسترش فاجعه دامن می‌زد. در این میان احمدشاه قاجار (جوانک بی‌کفایتی که در ۱۸ سالگی تاج حکمرانی این مملکت را بر سر گذاشت و در طول ۱۲ سال سلطنتش، به سیر آفاق و انفس در اروپا مشغول بود)، خود یکی از محترکان عمده غلات بود که تن به پیشنهاد خرید منصفانه رئیس‌الوزرای خود نیز نمی‌داد. وی که مقادیر زیادی گندم و جو در انبارهایش ذخیره کرده بود، به طمع جمع ثروت بیشتر، در برابر پیشنهادهای خرید صدراعظم خود می‌گفت: «جز به قیمت روز حاضر به فروش نیستم».

اما همین دوران بود که بعدها در بین مردم به «سال‌های دمپختکی» مشهور شد. بله! در این قحطی بزرگ و جانکاه تاریخ کشورمان، برخی از معممین و خیرین که مایه‌ای در چنته داشتند، آستین بالا زده، به صحنه آمدند و با اجرای طرح «دمپختک‌پزی» در معابر عمومی، کروری از رعیت گرسنه را از کام مرگ بیرون کشیدند و مجاهدانه به آیه «أَوْ اطعَامٌ فِی یَوْمِ ذِی مَسْغَبَةٍ» عمل کردند. موفقیت این طرح، بعدها دولت را نیز تا حدودی به صحنه آورد و چند مرکز دمپختک‌پزی درست شد که دمپختک و شیربرنج درست می‌کرد و چارکی دو عباسی به مردم می‌فروخت. این روال تقریباً سه چهار ماه ادامه یافت.

گوشه‌ای از داستان این قحطی بزرگ، در یک فیلم سینمایی به نام «یتیم‌خانه ایران» به تصویر کشیده شده است. دکتر

محمد قلی مجد نیز کتاب «قحطی بزرگ» را به منظور تشریح همین برهه از تاریخ ایران تألیف کرده است. عجیب اینکه همه این مصائب و فجایع مربوط به همین صد سال گذشته کشورمان است و چه بسا شاهدان عینی آن در میان کهنسالان ملت ما هنوز حضور داشته باشند. اما ماهیت استعمار پیر چنان است که جنایات خود را پنهان نگه داشته و در عین حال خود را نماد انسانیت و حقوق بشر بداند. تاریخ را مرور کنیم و قدر آنچه را که خدا امروز به ما ارزانی داشته بدانیم و نعمت او را کفر نکنیم.

طرح جمع‌آوری البسه گرم برای رزمندگان^۱

ماجرای پیرزنی که چند تخم مرغ را در کیسه‌ای پارچه‌ای گذاشته و عصازنان به مسجد محله می‌رود تا تمام موجودی خود را برای جبهه و رزمندگان اسلام بفرستد، مشهور است.

زمانی که حتی کشورهای مسلمان همسایه بجای گونی‌های خریداری شده، گاه به ما می‌دادند؛ ایثار و فداکاری در میان برادران و خواهران ایمانی موج می‌زد و اگر نبود غیرت همین دلاورمردان و شیرزنان مسلمان، بی‌شک دشمن می‌توانست مقاومت ما را شکسته و طعم شیرین پیروزی را از ملت ما دریغ کند.

در سال‌های جنگ تحمیلی، رسم شده بود که کمک‌های مردمی توسط مساجد تهیه و جمع‌آوری و نهایتاً از آنجا

۱ - برگرفته از: خبرگزاری ایمننا، خبرگزاری بسیج، خبرگزاری شبستان، سایت راسخون (به نقل از روزنامه جوان)



راهی جبهه‌ها شود؛ رسمی که در سال‌های پس از دفاع مقدس در هنگام بروز حوادث مختلف ادامه پیدا کرد و در سالیان اخیر نیز در جریان دفاع از حریم اهل بیت (ع) در سوریه بار دیگر احیاء شد.

طرح تهیه و جمع‌آوری البسه گرم برای رزمندگان مدافعین حرم، توسط جشنواره مردمی عمار آغاز شد و به پویشی در سایر نقاط کشور تبدیل شد. این طرح یادآور کمک‌های مردمی و فعالیت ستادهای پشتیبانی جبهه و جنگ در دوران دفاع مقدس است که در زمان حاضر نیز منجر به شکل‌گیری این حرکت مردمی در سراسر کشور شد. ماجرا مربوط به تقدیر این جشنواره از پیرزنی ۷۵ ساله به نام «فاطمه صغری فلکیان» معروف به «ننه عصمت» بود که چون پسری نداشت تا به جبهه بفرستد، بوسیله بافتن دستکش، از رزمندگان جبهه‌های دفاع مقدس در مقابل سرمای هوا حمایت می‌کرد.

وی که تبخّر خاصی در بافتن دستکش دارد و با پنج

میل می‌بافد- در جریان جنگ با تروریست‌های داعش نیز دستکش‌های خود را روانه مرزها می‌کرد. زحمات این پیرزن باصفای یزدی دستمایه ساخت فیلمی به نام «دستکش‌های ننه عصمت» قرار گرفت که به موضوع جمع‌آوری لباس برای رزمندگان اسلام پرداخته است. در برخی شهرها، پویش جمع‌آوری بافت و لباس گرم برای هدیه به رزمندگان جبهه مقاومت اسلامی با ارسال دل‌نوشته‌هایی توسط کودکان و نونهالان برای دلگرمی رزمندگان نیز همراه شد؛ یا آن معلمی که موضوع زنگ نقاشی خود را به مدافعان حرم اختصاص داد یا ...

رختشوی خانه شهید علم‌الهدی در اهواز^۱

شهید سید محمدحسین علم‌الهدی از دانشجویان پیشگام و پیرو خط امام بود که همان اوایل جنگ (۱۶ دی ۱۳۵۹) در شهر هویزه، در حلقه محاصره تانک‌های ارتش متجاوز صدام، همزمان هدف گلوله سه تانک بعثی قرار گرفت و قرآن به دست، در سن ۲۲ سالگی به شهادت رسید. پس از شهادت او، مادر بزرگوارش (خانم جزایری) مستقیماً وارد صحنه پشتیبانی از جبهه‌ها شد؛ شیرزنی که مقاومت او، نه فقط در خطه خوزستان که در تمامی ایران، حماسه آفرید و برای حرکت زینب‌گونه زنان مؤمن این مرز و بوم که هریک الگویی از جنبش و حرکت برای تمامی عصرها و نسل‌ها هستند، اسوه شد.

مادر شهید علم‌الهدی، در محل یک چایخانه سنتی در

۱- برگرفته از: فارس نیوز، خبرگزاری ایسنا، خبرگزاری ایکن



اهواز، ستادی را به نام فرزند شهیدش به راه انداخت (انبار شهید علم الهدی). وی خانم‌ها را جمع کرده و در این محل، به بازسازی و تعمیر برانکارد، چادر، کیسه خواب، چراغ‌های گرم‌کننده، تجهیزات انفرادی و این اواخر حتی سلاح‌های سبک و سنگین می‌پرداختند تا مجدداً به جبهه ارسال شود.

در این میان، یکی از مهمترین بخش‌های این ستاد، «رختشویی‌خانه» آن بود که در آن آقایان و بیشتر بانوان با حضورشان که گاهی چند روز یا چند ماه طول می‌کشید به ترمیم و شستشوی پتو و پوتین و البسه و ملحفه‌های رزمندگان می‌پرداختند.

رختشویی‌خانه، سالن بسیار بزرگی بود که دور تا دور آن را تشت رختشویی گذاشته بودند. حوضچه‌هایی هم برای آبکشی در گوشه و کنار سالن بود. خواهران را به گروه‌های مختلف تقسیم کرده بودند: «گروه زمین»، «گروه دریا»، «گروه هوا» و... خواهران گروه زمین باید بر سر تشت‌ها

می نشستند و لباس‌ها را داخل تشت مشت و مال می دادند. سپس گروه دریایی لباس‌ها را داخل حوضچه‌ها یا زیر شیر، آب‌کشی می کردند تا گروه هوایی آن‌ها را داخل حیاط یا روی پشت بام پهن کنند. لباس‌ها که خشک می شد، توسط «گروه عطاران» به عطر و گلاب معطر و بسته‌بندی می گردید و نهایتاً هم توسط «گروه نقل و نبات» به خط مقدم فرستاده می شد.

خانم موحدی مسئول انبار ستاد شهید علم الهدی اهواز تعریف می کند:

«شب‌های عید، تلفن از شهرستان‌ها یک لحظه قطع نمی شد. بالاخره مجبور می شدیم از هر شهر ۱۰ نفر را بپذیریم. گاهی در زمان حمله، تعداد خواهران به دو هزار نفر هم می رسید! عده‌ای از این خواهران خط‌شکن بودند؛ یعنی تا لباس خونی می آمد، اول آن‌ها می رفتند لباس‌ها را می شستند. اغلبشان همسران، مادران و خواهران شهدا بودند. خون‌های لباس‌ها را که می شستند ذکر می گفتند و گریه می کردند.»

خانم مجذوبی مسئول خواهران ستاد می گوید:

«در ستاد تقسیم کار شده بود و هر قسمت مسئول خاصی داشت. در سالن‌های بزرگ خیاطی، لباس‌های ترکش خورده و پاره را مرمت می کردیم. در حیاط لباس‌ها را می شستیم. استخری هم بود که از آن برای شستن پتوها استفاده می شد. ۱۵۰ نیروی ثابت داشتیم که وقتی عملیات می شد بیشتر هم می شدند. بعضی خواهرها سه یا چهار سال آنجا خدمت می کردند و بعضی تمام طول جنگ آنجا

بودند.»

بله! ایده اصلی همه این فعالیت‌ها را یک مادر فداکار داده بود؛ مادری که پیش از امام (ره) به رحمت خدا رفت و آیت‌الله خامنه‌ای در ۲۵ آبان ۱۳۶۷ به مناسبت وفات او پیام تسلیت دادند.

سید حمید علم‌الهدی (برادر شهید علم‌الهدی) در کتابی به نام «مادر فداکار» گوشه‌ای از حماسه‌های رقم خورده در این ستاد و رختشویخانه را بازگو کرده است. همچنین رشادت‌های این مادر فداکار نیز در قالب مستندی در دست تدوین است که به دلیل حجم بالای خاطرات و مصاحبه‌ها، ممکن است به صورت سریال یا فیلم تولید شود. پیش از این، زندگی شهید علم‌الهدی در یک مستند ۳۰ دقیقه‌ای به نام «فرزند خاک» و ماجرای عملیات نصر هویزه در یک فیلم سینمایی به نام «زیباتر از زندگی» ارائه شده است.

طرح مادرانه، همبستگی مادران

حضور ولی امرمان امام خامنه‌ای

سلام علیکم؛

ما جمعی از دانشجویان فعال در تشکل‌های دانشجویی بودیم که پس از مادری، احساس کردیم با وجود نقش جدیدمان باید برای ادامه حرکت در مسیر اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی نقشه راه دیگری را طراحی



کنیم. از سویی اهمیت نقش مادری و از سوی دیگر اهمیت مسئولیت اجتماعی زن - که ساختارهای موجود در جامعه پذیرای جمع این دو نبودند و یا باید تربیت فرزند را به نهادهای خارج از خانواده همچون مهدکودک‌ها می‌سپردیم و یا عرصه فعالیت اجتماعی رسمی را ترک می‌کردیم - ما را بر آن داشت تا به دنبال الگوی دیگری در راستای بسترسازی برای تسهیل حضور اجتماعی مادران در میان بیانات حضرت امام خمینی (ره) و حضرت‌تعالی به عنوان ولی امرمان بگردیم و تعریفی که از الگوی سوم زن و زنِ تراز انقلاب اسلامی در این اندیشه‌ها یافتیم، راهگشای مسیرمان شد.

حاصل این تحقیق و بررسی با فراز و نشیب‌هایی فراوان همچون احوالات یک مادر، ایجاد تشکلی کاملاً مردمی با بدنه‌ای از مادران مذهبی و انقلابی با نام «مادرانه» بود که به دنبال ایجاد شرایطی برای رشد همه جانبه مادران در سه ساحت تکامل و رشد شخصی و فردی، خانوادگی و فعالیت اجتماعی است؛ به طوری که در کنار ایجاد فضای

رشد برای مادران، فضای رشد کودک در کنار مادر نیز بدون هیچ دغدغهای فراهم گردد.

هسته اولیه «مادرانه» در سال ۱۳۹۱ با ۷ نفر تشکیل شد. به مرور با رشد فعالیت‌های تشکیلاتی، «مادرانه» توانست بیش از ۱۰۰۰ مادر را در گروهی مجازی گرد هم آورد. از این گروه مجازی، ۳۵ حلقه ۱۵ نفره با عنوان «مادرانه محله» در مناطق مختلف تهران و برخی شهرستان‌ها -از جمله مشهد، کرمان، قم، اصفهان، رفسنجان، سبزوار و...- شکل گرفت که برگزاری جلسات منظم هفتگی از برنامه‌های اصلی آنهاست.

بخشی از فعالیت‌های اجتماعی «مادرانه»:

- ۱- سلسله نشست‌های مادر انقلابی به منظور ترویج الگوی زن تراز انقلاب (الگوی سوم)
- ۲- برگزاری همایش‌های مادر و کودک در زمینه‌های استکبارستیزی و جهان اسلام، نظیر همایش‌های حمایت از مقاومت مردم سوریه، یمن و...
- ۳- برگزاری پویش‌های اجتماعی برای حمایت از مستضعفین و هموعان و... نظیر پویش کلاه مرواریدی برای زلزله کرمانشاه، پویش دوخت لباس برای سیل خوزستان
- ۴- فعالیت‌های ترویجی در فضای مجازی با موضوع سبک زندگی و مادری نظیر کانال دانه دانه دردانه، سایت مادرانه و...
- ۵- برگزاری مراسمات معنوی خانواده محور نظیر اعتکاف خانوادگی و...
- ۶- مستند مادرانه به منظور ارائه الگوی هم‌افزایی مادران در زندگی فردی و اجتماعی (که به پیوست تقدیم می‌گردد)

و در آخر از حضرت تعالی تقاضا داریم تا در صورت امکان، شرایطی فراهم شود تا اعضای فعال تشکل مادرانه باشما دیدار خصوصی ای داشته باشند، تا در فرصتی مناسب چالش هایی که در این مدت با آن روبرو بوده ایم را مطرح کرده و از رهنمودهای ولی امرمان بهره ببریم.

و همچنین نه به عنوان صرف یک درخواست، بلکه به عنوان ایجاد یک نقطه عطف مهم در بازتعریف زن مسلمان انقلابی، در صورت امکان یک دیدار سالیانه با مادران در نظر بگیرید که این دیدار با محوریت زنان فعالی است که محوریت مهم هویت خود را، هویت مادری شان می دانند و در این عرصه فعال اند؛ نه با زنان دانشگاهی و شاغل و کار آفرین بنا به آنچه مرسوم بوده تا به حال؛ تا ان شاء الله بتوانیم در آینده شاهد پررنگ شدن نقش مادری در ساختارهای اجتماعی و جامعه باشیم.

با آرزوی سلامتی و صحت و طول عمرتان
جمعی از فرزندان شما

چنانکه در نامه اعضای این گروه به رهبری معظم اشاره شد، «گروه مادرانه» عده ای از مادران هستند که به صورت خودجوش، مردمی و مستقل شروع به فعالیت گروهی کردند و در مدت کوتاهی توانستند جمع خود را در سراسر کشور گسترش دهند و محیط مناسبی برای رشد و تعالی فردی و اجتماعی کودکان و مادران ایجاد کنند. روش کار گروه، جمع شدن منظم مادران هر محله در منزل یکدیگر همراه با برنامه های جانبی برای مادران و فرزندان است که خود سرآغازی برای برخی فعالیت های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی مادرانه محسوب شده است.

همچنین در این زمینه، مستند کاملی به نام «مادرانه» تدوین شده که در فضای مجازی قابل دانلود است؛ مستندی جنجالی که صدای فمنیست‌ها را درآورد!

دیوار مهربانی، یک ایده اجتماعی همبسته‌ساز

«نیاز داری بردار نیاز نداری بذار»

همین عبارت ۶ کلمه‌ای، قند را در دل مردم آب می‌کرد. دیوارهای دوست‌داشتنی با این نوشته‌رنگ و بوی دیگری گرفته بودند و دیگر به شکل خود جوش اگر دیواری بیکار احساس می‌شد، به آن رنگ و لعابی می‌زدند و چند میخ بر آن می‌زدند تا هر کس می‌خواهد، لباس‌هایی که مورد نیازش نیست را در آنجا بگذارد و کسانی که نیاز دارند از آنها استفاده کنند.

ایده آنقدر جالب بود که خیلی سریع به شهرهای دیگر هم راه پیدا کرد و حتی کشورهایی مثل افغانستان و پاکستان این ایده را در کشور خودشان پیاده کردند. رسانه‌های بین‌المللی بسیار تحت تأثیر این اتفاق قرار گرفتند. «دویچه‌وله فارسی» به آن پرداخت و بعد از آن «بی‌بی‌سی انگلیسی» و هفته‌نامه آلمانی «اشپیگل» گزارش‌هایی از دیوار مهربانی با آب و تاب منتشر کردند. روزنامه انگلیسی «دیلی تلگراف» هم نوشت: «ایرانی‌ها دیوارهای مهربانی برپا کرده‌اند. مردم (با این ابتکار) به راحتی می‌توانند کت و لباس‌های گرم خود را به افراد بی‌خانمان و بی‌بضاعت - در حالی که ایران دارای زمستان‌های بسیار سردی است - اهدا کنند. مفهوم بسیار ساده است، چند آویز و چوب لباسی روی یک دیوار رنگ شده که روی آن نوشته شده است «اگر نیاز نداری بگذار و



اگر نیاز داری آن را بردار.»

همچنین تارنمای روزنامه ایتالیایی «لارپوبلیکا» هم در یک گزارش تصویری از این دیوارها نوشت: «بخش‌هایی از دیوارهای شهرهای گوناگون ایران به نیازمندان اختصاص یافت.»

دیوار مهربانی ایده‌ای بود که به صورت خودجوش و مردمی آغاز شد و به همین صورت هم گسترش یافت و در تمام کشور، جریان‌ساز اتفاقی بزرگ شد؛ بلکه در خارج از کشور هم بازتاب داشته و حتی الهام‌بخش شد؛ ایده‌ای که بدون کمک‌های حکومتی و تنها به دست مردم از صفر تا صد انجام شد و پیش رفت و نشان داد که اگر مردم بخواهند، می‌توانند همان‌طور که برای مساله پوشاک راه حل پیدا کردند، برای دیگر مسائل هم با هم‌بستگی راه حل مناسب پیدا کنند و بسیاری از معضلات را حل کنند. همچنین نشان داد که اگر از ویژگی‌های فطری انسان‌ها به نحو صحیح بهره‌برداری شود و عده ولو محدودی، کار نیکویی را شروع کنند و مثلاً به یک دیوار، رنگ مهربانی بزنند، اغلب مردم آمادگی تکمیل

و ادامه دادن راهشان را دارند.

امام راحل (ره) درباره این دست همدلی‌ها فرمایش قابل تأملی دارند که در ادامه آمده است:

«می‌دانید که تا اینجا که نهضت آمده است، در اثر وحدت کلمه همه اقشار، و مهمتر، توجه به اسلام است. یعنی یک تحول روحی در جامعه پیدا شد، که من غیر از اینکه بگویم یک معجزه بود و یک اراده الهی، نمی‌توانم اسمی رویش بگذارم... یک تحول دیگری هم که پیدا شد، این انسانیت [بود] که پیدا شد در بین جوامع؛ که بیشترش شکوفایی... در حال انقلاب بود حس معاونت در مردم پیدا شد؛ که در این تظاهرات که واقع می‌شد- که شماها خودتان بهتر می‌دانید- از هر جا که عبور می‌کردند، مردم با اینها کمک می‌کردند. آب می‌دادند، ساندویچ می‌دادند، چه می‌کردند. یکی از دوستان من گفت، که من در تهران دیدم در این تظاهرات، یک پیرزنی یک کاسه‌ای دستش گرفته و توی آن پول است. به ذهنم آمد که این مثلاً فقیری است که پول می‌خواهد؛ وقتی تحقیق کردم، با او صحبت کردم، گفت که امروز روزی است که تعطیل است و نمی‌شود مردمی که از اینجا عبور می‌کنند ممکن است که بخواهند تلفن کنند، پول خرد نداشته باشند؛ من این را نگه داشته‌ام اینجا که کسانی که می‌خواهند تلفن کنند- تلفن هم همان جا بود- از این پول بردارند تلفن کنند. این البته یک چیز کوچکی است؛ اما مطلب خیلی بزرگ است. یک همچو تحول روحی در بین مردم پیدا شد.»^۱

پایداری مردم روستای کوشک در شیراز^۱

کمی دورتر از شلوغی و هیاهوی مرکز شهر، در جنوب شرقی شیراز مردمانی زندگی می‌کنند که غالباً مهاجر هستند، خانواده‌هایی که سال‌های گذشته از روستاهای استان فارس به دلیل خشک‌سالی و رکود کشاورزی به شیراز سفر کرده‌اند اما به دلیل گرانی زمین و مسکن در حاشیه شهر ساکن شدند.

منطقه کوشک مشکل تامین آب داشت و به حدی سخت بود که شب تا صبح یک دیگ آب جمع می‌کردند که فردایش بتوانند استفاده کنند. در بدو امر، مردم این منطقه هم مثل دیگران جمع نمی‌شدند که به مشکلاتشان رسیدگی کنند و همراه هم مشکلاتشان را حل کنند، ولی وقتی مردم، پیگیری بعضی از هم‌محله‌ای‌هایشان را دیدند همراه شدند و با ۲ تا مینی‌بوس به اداره آب مراجعه کردند و تحصن کردند که با وعده مسئولین برای درست شدن وضعیت در یک هفته رو به رو شدند و مردم در جواب این وعده به مسئول مربوطه گفتند: اگر تا یک هفته دیگر مشکل آب حل نشود، برمی‌گردیم و لباسهایمان را همینجا می‌شوئیم و خشک می‌کنیم؛ یک هفته گذشت و خبری از تحقق وعده مسئولین نشد ولی مردم به وعده‌شان عمل کردند و در اداره آب لباسهایشان را شستند و خشک کردند و این بار مسئولی را که خلف وعده کرده بود، تهدید کردند و این بار مسئول مربوطه وقتی همبستگی مردم را دید،

۱- حاصل مصاحبه با یکی از اهالی فعال این روستا

مجبور شد تا مشکل مردم را بدون فوت وقت رفع کند و به این شکل، مشکل آب منطقه رفع شد.

مردم که لذت رفع مشکل آب را چشیده بودند این بار برای رفع مشکل بعدی که راه و آسفالت بود، خیز برداشتند؛ به خاطر جنس نفوذناپذیر خاک منطقه، در هنگام بارندگی، مردم تازانو در آب و گل فرو می رفتند. ۲ تا مینی بوس جمع شدند رفتند شهرداری که جواب سر بالا شنیدند ولی ناامید نشدند و دفعه‌ی بعد ۳ تا مینی بوس جمع شدند و این بار جلوی درب ورودی شهرداری نشستند که ورود و خروج به شهرداری مختل شد و به همین علت به جمع حدود ۷۰ نفره ایشان، کسانی که قصد ورود و یا خروج به شهرداری داشتند نیز اضافه شد و جمعیت چندین برابر شد؛ که از شهرداری با یگان ضد شورش تماس گرفته می شود و مسئول یگان ضد شورش میاید به جمعیت می گوید: چرا شهرداری را بسته اید؟ که مردم در جواب می گویند: ۸ سال شهرداری برای بقیه مناطق بوده است، ۵ روز هم برای ما باشد، بارندگی شده و راه ما بسته است، ما نه چیزی شکستیم و نه کاری کردیم، نشسته ایم و مطالبه داریم؛ که سه روز بهمین منوال می گذرد، که شهردار می گوید ما می خواهیم ولی بودجه نداریم. ۲ روز هم به همین شکل در شورای شهر تحصن انجام میدهند تا بودجه هم تأمین می شود و آسفالت انجام می شود.

مرحله بعدی پیگیری برای پایگاهی بود که در آن مردم جمع شوند و این همبستگی و همدلی قوت بگیرد برای ادامه راه و رفع مشکلات دیگر که این پیگیری ها به نتیجه

نمی‌رسید تا اینکه یک خانم و آقای که زمینی را برای مسجد وقف کرده بودند و پیگیر مجوز ساخت مسجد بوده‌اند از گرفتن مجوز از شهرداری ناامید می‌شوند و به جمع مردم رجوع می‌کنند و مجوزی را که از آن ناامید شده بودند، با قدرت همبستگی مردم ۲۴ ساعته صادر شد و این همبستگی ادامه پیدا کرد و با انفاق اهالی که خودشان نیز نیازمند بودند و فضای جمع‌آوری کمک‌های مردمی بدون یک ریال کمک از اداره اوقاف، ساخت مسجد در مدت یکسال انجام شد و حالا پایگاه این همبستگی هم ایجاد شد و همدلی و قدرت مردم روز به روز بیشتر می‌شد و مشکلات روز به روز کمتر؛ تا جایی که برای رفع مشکلات امنیتی منطقه در مسجد حدود ۶۰۰ نفر نیرو از مردم داوطلب شدند و با مکاتبه با پلیس پیشگیری و گرفتن مجوزهای مربوطه در سه ماه امنیت را نیز برقرار کردند. و عزیزان این منطقه با همبستگی و همدلی هم خیلی از مشکلاتشان را مرتفع کرده‌اند و این راه ادامه دارد...

«طرح سایه»، بکارگیری بستری مجازی برای ایجاد همبستگی!

امروزه سبک زندگی غیراسلامی ما باعث شده تا از یکدیگر دور شویم و از مشکلات همدیگر بی‌خبر باشیم. همین که از مشکلات همدیگر خبر نداریم، فکر می‌کنیم که فقط ما مشکل داریم و بقیه مشکلی ندارند و برای حل مشکل همدیگر به تکاپو نمی‌افتیم و ایثار از بین ما رخت

می‌بندد. این ایثار، ریسمان همبستگی ماست که در حال از بین رفتن است!

در احادیث معصومین (علیهم السلام) توصیه‌های فراوانی به ملاقات یکدیگر شده است. این ملاقات‌ها می‌تواند زمینه‌ساز آگاهی از مشکلات دیگر مؤمنین شود و این بستری برای رفع حوائج مؤمنین و ایجاد همبستگی با آنان است. امروزه، فضای مجازی با همه تهدیدهایش، می‌تواند این بستر را برای انسان‌هایی که از همدیگر دور هستند، فراهم کند.

طرح «سایه» به خوبی از این فرصت استفاده کرده و این بستر را در اختیار مردم قرار داده است. این طرح افرادی که توانایی یا امکانات خاصی دارند را به افرادی که نیازمند آن هستند، متصل می‌کند. ممکن است که این فرد در نزدیکی ما باشد؛ ولی ما از مشکلات و نیازمندی‌های او بی‌اطلاع هستیم. به وسیله این طرح، اطلاع پیدا می‌کنیم و روابط اجتماعی خود را استحکام می‌بخشیم.

این طرح به همت برخی نخبگان دغدغه‌مند کشور خودمان و به صورت مستقل ایجاد شد و تا به امروز، مشکل بسیاری از نیازمندان را حل کرده و روح همبستگی را در کشور ما به نوبه خود زنده کرده است. جالب است بدانید که مؤسسه‌هایی مانند بهزیستی و بسیاری از خیریه‌های سطح کشور، از این بستر بهره می‌برند و مشکل مردم را حل می‌کنند. پویایی این طرح نشان می‌دهد که با اندک ابتکار و همت، می‌توان در راستای همبستگی مردم خودمان قدم مؤثری برداشت.

«کانون ازدواج آسان»، ایده‌ی بازاریان تهران^۱

بزرگترها خیلی خوب به یاد دارند که همین چند دهه قبل، مراسم‌های عروسی هنوز به شکل فعلی تجملی نشده بود؛ هزینه انواع تشریفات، خانواده‌ها را ماتم زده نکرده بود و برای سر گرفتن همه مراحل پیوند دو جوان، همه اقوام کمک می‌کردند؛ آن رفیق، ماشینش را گل می‌زد و برای عروس و داماد می‌آورد؛ این همسایه خانه‌اش را برای مجلس مردانه مهیا می‌کرد و آن همسایه دیگر، حیاط خود را برای پخت غذا در اختیار قرار می‌داد. خلاصه عروسی بهانه‌ای بود تا همه اقوام حتی همسایگان کمک و همدلی می‌کردند تا این زوج که می‌خواهند زندگی مشترکشان را شروع کنند، سختی کمتری بکشند و خوشحال‌تر باشند. طبعاً این شادمانی در کلیه اعضای خانواده و فامیل و محله منتشر می‌شد و همه خودشان را شریک می‌دیدند و لذت دو چندان می‌بردند. این فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی ما که متأسفانه با تهاجم فرهنگی غرب و تغییر سبک زندگی، در برخی از موارد به دست فراموشی سپرده شده است. با این وجود و در همین دنیای مدرن و جدید و پرخرج، هنوز کسانی هستند که پرچم همبستگی و نوع دوستی را یک‌تنه بلند کرده و جامعه خویش را در بحران‌ها تنها نمی‌گذارند.

سال ۱۳۸۳ بود که ۵ نفر از کسبه بازار تهران که دستی در کار خیر داشتند، تصمیم به تأسیس موسسه‌ای خیریه به

۱- برگرفته از: سایت تابناک، آرشیو روزنامه جام‌جم، سایت تشریف‌نو، پایگاه خبری تحلیلی فردا

منظور تشویق جوانان به ازدواج کم خرج و رفع موانع پیش روی جوانان در امر ازدواج گرفتند. اقدامات این مؤسسه در راستای تأمین جهیزیه برای نوعروسان و برگزاری مراسم عروسی و نامزدی انجام می شد. مراجعه کنندگان با پرداخت ۳۰۰ هزار تومان می توانستند تالار، مراسم عقد، آرایشگاه، فیلمبردار و عکاس، کارت دعوت و پذیرایی از ۱۰۰ نفر با میوه و شیرینی در تالار را صرفاً در استان های تهران و البرز برگزار کنند. همچنین در مورد سفر ماه عسل نیز، هزینه سفر به سوریه و کربلا برای متقاضیان به صورت اقساطی پرداخت می شد. برای یک سفر ماه عسل رایگان، مؤسسات دیگری نیز همچون «مؤسسه پیوند سبز جوانان» امکان اسکان رایگان در مشهد مقدس را برای زوج های جوان فراهم می کردند.

این طرح، با استقبال زیادی مواجه شد و این مؤسسه، با عقد قرارداد با مراکز خدمات دهی به عروس و دامادها، امکاناتی در حد معمول و معقول، برای داشتن یک مراسم عقد و عروسی آبرومندانه را فراهم کرد. مراکز طرف قرارداد متعهد بودند، امکانات خود را با هزینه بسیار کم، در اختیار جوانان قرار دهند.

با هماهنگی های صورت گرفته بین مسئولین اجرای این طرح و مراکز خدماتی، مراسم عقد، با کم ترین هزینه انجام می شد و در بیشتر مواقع، در صورتی که مهریه عروس، کم تر از ۱۴ سکه بهار آزادی بود، این هزینه به صفر می رسید. در واقع عقد رسمی، با کم ترین هزینه انجام می شد و هیچ مبلغی بابت سفره عقد پرداخت نمی شد. عقد رایگان، هدیه

این طرح به عروس خانم‌هایی بود که تا ۱۴ سکه مهریه انتخاب می‌کردند.

در خصوص لباس عروس، مراکز طرف قرارداد با طرح ازدواج آسان، لباس‌ها را در تیراژ بالای تولیدی دریافت می‌کردند، تا هزینه کم‌تری بابت آن پرداخت کنند. به همین دلیل، لباس عروس را با معرفی از طریق کانون‌های ازدواج آسان، با قیمت بسیار مناسبی در اختیار متقاضیان قرار می‌دادند. همچنین خیرینی که مایل بودند، ماشین‌های مدل بالای خودشان را از طریق این مؤسسه چند شب در ماه به استفاده عروس و دامادها اختصاص می‌دادند.

با توسعه این طرح و پیوستن صاحبان خدمات و مشاغل به آن، در سال ۱۳۹۱ به منظور ترویج ازدواج آسان در بین جوانان، نخستین تالارهای عروسی با هزینه‌های مناسب، توسط شهرداری تهران تحت عنوان «طرح ازدواج آسان» احداث شد. این تالارها کلیه خدمات لازم برای برگزاری یک جشن ازدواج را با حداقل قیمت در اختیار متقاضیان قرار می‌دادند بسیاری از عروس‌ها و دامادها نیز جشن ازدواجشان را در این تالارها گرفتند و به دور از هرافراطی به خانه بخت رفتند.

مسئولین این طرح به گفته خودشان، «ازدواج آسان» را با رویکرد مهرورزی و عدالت محوری و کمک به تحقق اصل دهم قانون اساسی که ازدواج آسان برای جوانان است، راه‌اندازی کردند که تاکنون (یعنی سال ۱۳۸۹) بیش از ۳۵۰ هزار عروسی در تهران، کرج و شهرری در ذیل این طرح برگزار شده است.



طرح ازدواج آسان اگر چه طرح جامع و کاملی در خصوص ازدواج جوانان نبود و پس از انحلال «سازمان ملی جوانان» که از طرح پشتیبانی می کرد، نقش حمایت های دولتی در آن کمرنگ شد؛ اما این ایده خدایسندانه تا حدود زیادی توانست جای خالی نهادهای دولتی را در این میان پر کند.

فصل سوم
کشور و ملت

سرخط محتوایی در آیات و روایات

مهمترین عرصه همبستگی که آثار و برکات آن از سایر عرصه‌ها فرآگیرتر و پایدارتر و عمیق‌تر است، همبستگی در سطح کشوری و بین همه ملت است. اینچنین همبستگی اگر حاصل شود، موانع بزرگی را از مقابل پیشرفت و استقلال کشور برمی‌دارد؛ آنچنان که در تحقق انقلاب اسلامی شاهد آن بودیم؛ همان رخدادی که هیچ‌کس حتی تصور آن را هم نمی‌کرد.

چشم‌پوشی از انفاق، نابودی و هلاکت

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ^۱

و در راه خدا انفاق کنید و (با ترك این کار پسندیده، یا هزینه کردن مال در راه نامشروع) خود را به هلاکت نیندازید، و نیکی کنید که

۱ - سوره مبارکه بقره، آیه ۱۹۵

یقیناً خدا نیکوکاران را دوست دارد.

آیه بالا در سیاق آیات قتال و جهاد آمده است و از دو جمله «وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»، فهم می شود که، کم بودن انفاق در راه خدا و جهاد، خود را به هلاکت افکندن است و در فضای حکومت اسلامی همبستگی جامعه را از بین می برد و قدرت مومنین را کم می کند و در نهایت باعث غلبه دشمن خواهد شد. حتی اگر بخوایم دنیایی صرف هم به این آیه نگاه کنیم، یک حقیقت اجتماعی نمایان می شود که انفاق و همبستگی باعث نجات جامعه ها از مفسد کشنده است زیرا هنگامی که مساله انفاق و همدلی به فراموشی سپرده شود، ثروت ها در دست گروهی محدود جمع می گردد و در مقابل اکثریتی محروم و بینوا وجود خواهد داشت، در این شرایط دیری نخواهد گذشت که انفجار عظیمی در جامعه به وجود می آید، که نفوس و اموال ثروتمندان هم در آتش آن خواهد سوخت؛ بنابراین همدلی و انفاق، قبل از آنکه به حال محرومان مفید باشد به نفع ثروتمندان است، و تعدیل ثروتی که حافظ ثروتشان است اتفاق می افتد. امیر مؤمنان علی (ع) در یکی از کلمات قصارشان به این حقیقت اشاره فرمودند که: «حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ» یعنی: اموال خویش را با دادن زکات حفظ کنید. پس هر طور که نگاه کنیم، خودداری از همدلی و انفاق فی سبیل الله در جامعه اسلامی که بر این همدلی بنا شده، سبب عجز و ناتوانی و در نهایت مرگ جامعه خواهد شد. (این مدل در مقابل مدل سرمایه داری غربی است)

انفاق و همبستگی ملی، لازمه تحقق آرمان الهی بر زمین

با توجه و تدبر در آیات سوره مبارکه حدید و به طور خاص توجه به آیات بالا در میابیم که بر یاری ولی خدا برای تحقق آرمان نهایی خداوند که اقامه قسط و عدل در زمین است، تأکید شده است؛ و این محقق نمی شود جز به وسیله مردمی که ایمان و همبستگی دارند و در راه خداوند این همبستگی و ایمان را با انفاق مال و جان خود ثابت می کنند و راهی را که امت های گذشته طی نکرده یا ناقص گذاشتند، به پایان خواهند برد و با امید تشکیل حکومت عدل الهی، بخل و دعوت به بخل را از جامعه زدوده و با همدلی و انفاق، همبستگی ایجاد می کنند و با همبستگیشان کار ناقص مردمان در طول تاریخ را به سرانجام خواهند رساند.

أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ
 آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (٧) وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ
 بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ
 كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (٨) ... وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ
 مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ
 الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا
 وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (١٠) مَنْ ذَا الَّذِي
 يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (١١) ... وَ
 اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (١٣) الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ
 النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (٢٤) لَقَدْ

أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ
النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ
وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ^(٣٥)
به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و از اموالی که خدا شما را در آن
جانشین خود قرار داده انفاق کنید؛ پس برای کسانی از شما که
ایمان آورده و انفاق کرده‌اند، پاداش بزرگی خواهد بود. (٧) و
شما را چه شده که به خدا ایمان نمی‌آورید؟ در حالی که پیامبر
شما را دعوت می‌کند تا به پروردگارتان ایمان آورید، و بی‌تردید
خدا [از طریق عقل و فطرت بر ایمان آوردنتان] پیمان گرفته
است، اگر باور دارید. (٨) ... و شما را چه شده که در راه خدا
انفاق نمی‌کنید؟ در حالی که میراث آسمان‌ها و زمین مخصوص
خداست [و کسی مالک حقیقی چیزی نیست]. کسانی از شما
که پیش از فتح [مکه] انفاق کردند و جهاد نمودند [با دیگران]
یکسان نیستند، آنان از جهت درجه از کسانی که پس از فتح
[مکه] انفاق کردند و جهاد نمودند بلندپایه‌ترند. و خدا به هر یک
وعده نیکو داده است و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.
(١٠) کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا آن را برای او دو
چندان کند و او را پاداشی نیکو و باارزش باشد؟ (١١) ... و خدا
هیچ گردنکش خودستا را [که به نعمت‌ها مغرور شده است]
دوست ندارد. (٢٣) همانان که همواره بخل می‌ورزند و مردم
را به بخل وامی‌دارند، و هر که [از انفاق] روی بگرداند [زیانی به
خدا نمی‌رساند]؛ زیرا خدا بی‌نیاز و ستوده است. (٢٤) همانا
ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و
[ترازی] تشخیص حق از باطل، نازل کردیم تا مردم به عدالت
بر خیزند، و آهن را که در آن برای مردم قوت و نیرویی سخت و
سودهایی است فرود آوردیم و تا خدا مشخص بدارد چه کسانی

او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری می‌دهند؛ یقیناً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است. (۲۵)

بی تفاوت نبودن نسبت به منکر و فساد

مقوله «نهی از منکر» شاید مهمترین مؤلفه برای حفظ سلامت و بقاء یک جامعه بوده و سایر امور از یک نظر زیر سایه آن قرار می‌گیرد. همچنین بوسیله مبارزه با زشتی‌ها و زدودن فسادها است که وحدت و همبستگی در فضای ایمانی بین مؤمنین به ارمغان آورده می‌شود. سخن در باب این فریضه الهی بسیار است که تنها به چند نمونه از نصوص قرآنی و روایی مربوطه اشاره می‌شود:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^۱

مردان و زنان با ایمان دوست و یار (و نزدیک به) یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند، و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌نمایند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ زیرا خداوند، توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ^۲

همانان که اگر آنان (مؤمنین) را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و مردم را به کارهای

۱- سوره مبارکه توبه، آیه ۷۱

۲- سوره مبارکه حج، آیه ۴۱

پسندیده و می‌دارند و از کارهای زشت باز می‌دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.

همچنین در روایات اهل بیت (ع) نیز در موارد متعددی به این امر واجب سفارش جدی شده است که نمونه آن، فرمایش امام رضا (ع) است که از قول اجداد مطهرشان نیز نقل شده است:

... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَرْفَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ
لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ
شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ^۱

پیامبر (ص) فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ و گر نه خدا بدان شما را بر نیکانتان چیره می‌کند، و چون چنین شود، هر چه نیکان دعا کنند خدا مستجاب نخواهد کرد.

در روایات دیگری به اهمیت بی تفاوت بودن نسبت به وقوع منکرها پرداخته شده و کسی که توان دفع منکری را دارد ولی اقدامی نمی‌کند، به شدت مورد هشدار قرار گرفته است. یک نمونه از این روایات ذیلاً آورده شده است:

... عَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَّاضٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ مِنَ الْوَرَعِ
مِنَ النَّاسِ فَقَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَيَجْتَنِبُ هَوْلَاءِ وَإِذَا
لَمْ يَتَّقِ الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ وَهُوَ لَا يَعْرِفُهُ وَإِذَا رَأَى الْمُنْكَرَ
فَلَمْ يُنْكِرْهُ وَهُوَ يَقْوَى عَلَيْهِ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصَى اللَّهُ وَمَنْ أَحَبَّ
أَنْ يُعْصَى اللَّهُ فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ بِالْعُدْوَةِ وَمَنْ أَحَبَّ بَقَاءَ الظَّالِمِينَ
فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصَى اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَمِدَ نَفْسَهُ عَلَى
إِهْلَاكِ الظُّلْمَةِ فَقَالَ - فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

رَبِّ الْعَالَمِينَ^۱

فضیل بن عیاض گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: انسان باورع کیست؟ فرمود: آن کس که از محرّمات الهی دوری گزیند و از شبهات و آمیزش با مخالفان ما اجتناب ورزد. و هر گاه کسی از امور مشتبه پرهیز نکند، نادانسته و ناخودآگاه گرفتار حرام گردد، و چون کار زشتی را ببیند در حالی که توانایی جلوگیری از آن را داشته باشد و اقدام نکند، به این معنی است که مایل است تا خداوند معصیت شود و کسی که دوست دارد خدا معصیت شود، آشکارا به دشمنی خدا برخاسته، و شخصی که پایدار ماندن ستمکاران را دوست داشته باشد، قطعاً می خواهد معصیت خدا رایج باشد، و خداوند تبارک و تعالی برهلاک نمودن ستمپیشگان، خود را ستوده و فرموده: **فَقَطَعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۲**

نهایتاً یکی از مشهورترین روایات منسوب به پیغمبر (ص) در این خصوص، همان سخن مشهور «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۳ است که در قالب یک تشبیه زیبا، مسئولیت پذیری و دغدغه مندی در قبال افراد جامعه و بروز انحراف در زوایای مختلف حیات اجتماعی را از فرد فرد امت اسلام طلب می کند.

دفاع از مستضعفان در سراسر عالم

حال با توجه آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء و فهمی که از آرمان الهی از آیات سوره مبارکه حدید حاصل شد می توان گفت برای تحقق حکومت عدل الهی، با هر مستضعفی که دچار

۱- معانی الأخبار، صفحه ۲۵۲

۲- سوره مبارکه انعام، آیه ۴۵

۳- ارشاد القلوب دیلمی، جلد ۱، صفحه ۱۸۴

ظلم شده همبستگی ایجاد می شود و دیگر حد و مرزی نخواهیم داشت.

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ
الظَّالِمِ أَهْلِهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
نَصِيرًا

شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان
مستضعف [ی که ستمکاران هرگونه راه چاره را بر آنان بسته اند]
نمی جنگید؟ مستضعفانی که دائم می گویند: پروردگارا! ما را
از این شهری که اهلش ستمکارند، بیرون ببر و از سوی خود،
سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یآوری قرار ده.
در انتهای آیه ۷۵ سوره نساء، اشاره به مسئله ای شده که
برای تحقق آرمان مطرح شده در آن آیه (نجات مظلومان و
مستضعفان عالم) ضروری است و آن اینکه این همبستگی
باید ذیل فرماندهی یک «ولی الهی» شکل بگیرد؛ اما آیا این
به تنهایی کافی است؟

حضور «ولی الهی» بدون همبستگی ملت راهگشا نیست!
قرآن کریم در سوره مبارکه مائده، ضمن بیان ماجرای
بنی اسرائیل و حضرت موسی (ع) در فتح سرزمین مقدس،
هشدار جدی می دهد که عدم ایجاد همبستگی ذیل فرمان
ولی الهی، موجب حیرانی و گرفتاری در «تیه» سرگشتگی
می شود.

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا
تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (٢١) ... قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا

لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (۲۴) قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۲۵) قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۲۶)

ای قوم من! به سرزمین مقدسی که خدا برایتان مقرر فرموده در آید و [به گناه، عصیان، سرپیچی از فرمان‌ها و احکام حق] بازنگرید که زیانکار می‌شوید. (۲۱) ... گفتند: ای موسی! تا آنان در آنجا نخواستیم شد، پس تو و پروردگارت بروید [با آنان] بجنگید که ما [تا پایان کار] در همین جا نشستیم. (۲۴) [موسی] گفت: پروردگارا! من جز بر خود و برادرم تسلطی ندارم، پس میان ما و این گروه نافرمان و بدکار جدایی انداز. (۲۵) [خدا] فرمود: این سرزمین مقدس [به کیفر نافرمانی از خواسته‌های حق] تا چهل سال بر آنان حرام شد، همواره در طول این مدت در زمین [سینا] سرگردان خواهند بود، پس بر این گروه نافرمان و بدکار غمگین مباش. (۲۶)

هجرت و جهاد، ملاکی برای همبستگی

اگر در فضای بعد از تشکیل حکومت اسلامی بخواهیم بررسی کنیم، انسجام و همبستگی مؤمنین تا آنجا مهم می‌شود که خداوند در آیه ۷۲ سوره انفال تصریح می‌کند به ایجاد همبستگی با مؤمنینی که در راه خدا به سوی جامعه مومنان هجرت می‌کنند و با مال و جان جهاد انجام می‌دهند و در طرف مقابل کسانی که ایمان دارند ولی هجرت نمی‌کنند را از دایره همبستگی خارج می‌کند تا اهمیت هجرت و حکومت اسلامی را نشان دهد. البته

مؤمنین همین افراد را هم تا جایی که مسئله یاری دین خدا در میان باشد، یاری خواهند کرد.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۱

مسلماناً کسانی که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد نمودند، و کسانی که مهاجران را پناه و جادادند و یاری کردند، اینان اند که یار و دوست یکدیگرند. و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند شما را از دوستی آنان هیچ سودی نیست تا زمانی که هجرت کنند؛ و اگر در امور دین از شما یاری طلبند، بر شماست که آنان را یاری دهید مگر آنکه یاری دادن شما به زیان گروهی باشد که میان شما و آنان پیمان [ترك جنگ] برقرار است؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

جدایی جبهه کفر و ایمان در سایه تولی و تبری

طبیعتاً وقتی کسانی که هجرت نکرده‌اند، با مؤمنین همبستگی ندارند، کافران و دشمنان نیز به طریق اولی با مؤمنین همبستگی نخواهند داشت. آیات زیر صریحاً این عدم همبستگی را بیان کرده است:

إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ^۲

۱- سوره مبارکه انفال، آیه ۷۲

۲- سوره مبارکه ممتحنه، آیه ۹



خدا فقط شما را از دوستی با کسانی نهی می‌کند که در کار دین با شما جنگیدند، و از دیارتان بیرون راندند، و در بیرون راندنتان به یکدیگر کمک کردند. و کسانی که با آنان دوستی کنند، پس دوستی کنندگان همان ستمکارانند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ
ای اهل ایمان! اگر پدرانتان و برادرتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنان را دوستان و سرپرستان خود مگیرید؛ و کسانی از شما که آنان را دوست و سرپرست خود گیرند، هم اینانند که ستمکارند.

برخی نمونه‌های موفق از همبستگی در سطح کشوری وملی

در این بخش به تعدادی از مصادیق موفق در تاریخ کشورمان اشاره می‌شود که در راستای ایجاد همبستگی ملی و حتی فراتر از سطح ملی مورد توجه بوده و تجربه شرینی از همدلی و وحدت یک امت را به یادگار گذاشته است.

«شرکت اسلامیة» بسیج عمومی در حمایت از تولید

ملی

مسئله حمایت از تولیدات ملی که در سالیان اخیر مورد تأکید و مطالبه رهبری معظم از جمیع دست‌اندرکاران این عرصه قرار گرفته، جز اینکه بسترسازی و پشتیبانی جدی مسئولان دولتی را می‌طلبد (همچون اصلاح تعرفه‌ها، جلوگیری از واردات بی‌رویه، تسهیل صادرات و بازاریابی، حمایت از کسب و کارهای خرد و...)؛ مسئولیت را متوجه نخبگان و عامه مردم نیز می‌گرداند؛ و این چیزی است که جز از طریق به صحنه آمدن علماء و اثرگذاران اجتماعی و نیز شکل‌گیری یک عزم ملی و بسیج عمومی در مردم محقق نخواهد شد.

در برهه‌هایی از تاریخ کشورمان، شاهد نقش مؤثر این راهکار جمعی در تحقق استقلال و رهایی از وابستگی به دولت‌های استعمارگر هستیم که یک نمونه بسیار موفق آن، تأسیس «شرکت اسلامیة اصفهان» در سال ۱۳۱۶ قمری بود که توسط دو مجتهد بزرگ شهر اصفهان، یعنی مرحوم آیت‌الله آفانجفی اصفهانی و برادر شهیدشان حاج آقانورالله اصفهانی راه‌اندازی شد و در حوزه «نساجی» و تولید البسه شروع به فعالیت کرد.

در اساس‌نامه این شرکت اهداف مقدسی چون: خروج از ذلت احتیاج به امتعه خارجی، تثبیت و تقویت هرچه بیشتر تجارت داخله در برابر تجارت خارجه، جلوگیری از خروج ثروت داخلی به خارج از کشور، تسهیل در امر معیشت مردم به علت ارزان‌تر بودن منسوجات و ماکولات

داخلی نسبت نوع خارجی آنها، ارائه الگویی تجاری برای آینده ملت و دولت، جلوگیری از رواج معاملات ربوی بیگانگان و جلوگیری از مهاجرت نسل های آینده به خارج از کشور برای مزدوری و کارگری نزد بیگانگان به چشم می خورد.

در راستای حمایت از این حرکت مبارک، علمای بزرگی چون آیات عظام آخوند خراسانی (صاحب کفایه)، سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروه)، ملا محمدحسن مامقانی، میرزا فتح الله شیرازی اصفهانی (معروف به شریعتمدار)، میرزا محمد حسین نوری (صاحب مستدرک) و... به انحاء گوناگون مثل فتوا، اعلامیه، سخنرانی، نگارش کتاب و... به صحنه آمدند. نمونه آن، تألیف کتاب «لباس تقوی» توسط آقا سید جمال واعظ اصفهانی در حمایت از شرکت اسلامیه و نامه نگاری آیت الله آخوند خراسانی به مظفرالدین شاه بود که از وی خواست تا ضمن پشتیبانی این شرکت، لباس ذلت (تولید خارجی) را خلع کرده، لباس عزت (تولید داخلی) را لبس نماید و از البسه مصنوعه اسلامیه استفاده کرده، به ترویج ملت بیضاء و تقویت دولت عظمی و اسباب آسایش عموم عباد و ترقیات عامه و قاطبین بلاد محروسه ایران پردازد.

سیزده تن از علماء و مجتهدین اصفهان نیز ضمن امضای یک عهدنامه، شرعاً متعهد شدند تا قبالات و احکام شرعیه را روی کاغذ ایرانی بدون آهار بنویسند و اگر بر کاغذهای دیگر نوشته شد، مهر ننموده و اعتراف ننویسند. همچنین خود را ملزم کردند تا کفن اموات اگر غیر از

کرباس و پارچه اردستانی یا دیگر پارچه‌های غیر ایرانی باشد، آنها بر آن میت نماز نخوانند.

طبق آنچه روزنامه حبل‌المتین^۱ به نقل از خبرنگار خود نوشته، استقبال از محصولات شرکت اسلامی، روز به روز افزایش یافت. از این رو، مقرر شد تا برای لباس‌های رسمی نیروهای نظامی، مدارس علمیه و مدارس جدید از منسوجات این شرکت استفاده شود.

با اقدامات انجام شده و استقبال فراوان از محصولات شرکت اسلامی، این شرکت به سرعت توسعه یافت و توانست قلمرو فعالیت خود را از شهر اصفهان فراتر برده و در بیشتر شهرهای ایران شعبه دایر کند. گسترش توفیق این شرکت تا حدی بود که فعالیت آن حتی فراتر از مرزهای ایران هم رفت و شعبه‌هایی از این شرکت در شهرهای پاریس، لندن، مسکو، اسلامبول^۲، بمبئی، کلکته^۳، بغداد، بادکوبه^۴، قاهره و... نیز ایجاد شد.

این خود از نشانه‌های تأثیرگذاری این عزم عمومی برای تحقق استقلال کشور اسلامی بود که پس از چندی، دولت انگلیس را در معرض موضع‌گیری و چاره‌اندیشی قرار داد؛ تا آنجا که سفارت فخمیه این کشور دوست و برادر(!) در یادداشتی به وزارت امور خارجه ایران نوشت:

۱- «حبل‌المتین» یکی از پرتیراثرترین و تأثیرگذارترین روزنامه‌های معاصر دوره مشروطه بود که ابتدا در کلکته هند به همت سید جلال‌الدین حسینی ملقب به مؤید الاسلام (از مریدان سید جمال‌الدین اسدآبادی) به طور هفتگی منتشر و در کشورهای متعددی از جمله ایران توزیع می‌گردید و پس از مدتی مستقیماً در ایران به صورت روزانه نشر و توزیع شد. این روزنامه از زمان ناصرالدین شاه تا اوایل دوره پهلوی برقرار بود و بارها به پیگیری ذی‌نفوذان دربار توقف گردید.

۲- نام قدیم شهر استامبول ترکیه

۳- یکی از شهرهای قدیمی هندوستان

۴- نام دیگر شهر باکو (پایتخت فعلی کشور آذربایجان)



«از قرار اطلاعاتی که از اصفهان می‌رسد، علمای آنجا بیشتر بر ضد تجارت خارجه می‌باشند... علناً می‌گویند که مردم نباید امتعه خارجه را بخرند... [اینطوری] مشتریان داخله ورشکست خواهند شد و تجار خارجه خانه‌های خود را از اصفهان بر خواهند داشت و در شهرهای دیگر ایران هم همین‌طور خواهد شد. این فقره اسباب خرابی مملکت است!»

براستی که آب را همان‌جایی باید ریخت که می‌سوزد! نتیجه مهم اینکه برخلاف عموم روشنفکران غرب‌گرای ایرانی، که جاده‌صاف‌کن حضور استعمار در ایران و اعطای منابع ملی کشور به آنها بوده‌اند، عالمان شیعه عموماً در جهت منع حضور و استیلای استعمارگران و حفظ منابع و سرمایه‌های ملی کشور نقش ایفای کرده‌اند؛ تلاشی که هر بار مورد اقبال جامعه ایمانی قرار گرفته، زمستان وابستگی و ذلت را به بهار استقلال و عزت مبدل ساخته است.^۱

۱- برگرفته از مقاله پژوهشی «نقش علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی» اثر مهدی ابوطالبی (استادیار مؤسسه امام خمینی ره). همچنین مقاله «نگاهی به سبک زندگی مبتنی بر

نمایش قدرت مؤمنین در فتوای تحریم تنباکو^۱

نخسین نشانه‌های رهایی ایرانیان از سستی را بلاشک باید در جنبش بزرگ تنباکو جستجو کرد. مطابق تاریخ، ناصرالدین‌شاه قاجار، امتیاز انحصاری فروش توتون و تنباکوی ایران و نظارت بر تولید آن را تا ۵۰ سال به ماژور جرال د تالبوت انگلیسی، صاحب کمپانی رژی، واگذار کرد. براساس این امتیازنامه، فروشندگان توتون و تنباکو باید از تالبوت مجوز می‌گرفتند و حق صدور یا فروش محصولاتشان را نداشتند. این امتیاز از دیگر امتیازهای واگذار شده عصر ناصری بسی زیان‌بارتر بود؛ زیرا با زندگی روزمره بسیاری از مردم مرتبط می‌شد و سرنوشت ده‌ها هزار کشاورز، هزاران خرده‌فروش و صدها بازرگان را به مقدرات یک کمپانی خارجی پیوند می‌داد.

با شروع به کار مأموران کمپانی، ایرانیان به واکنش پرداختند. سیل اعتراضات روانه بارگاه شاهنشاه به اصطلاح عالم‌پناه شد. شایان ذکر است که این اعتراضات زمانی به یک جنبش سراسری تبدیل شد که مذهب و متولیان آن توانمندان به یاری مردم آمده و پدیدار شدن همبستگی ملی را سبب شدند.

در این میان، کسی که پیش از همه به معایب امتیاز تنباکو پی‌برد و برای الغای آن شروع به تبلیغ نمود، سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. او با پشتکاری ستودنی بر

رویکرد اقتصاد مقاومتی در تاریخ معاصر ایران» نوشته محمد فاتحی (پژوهشگر خانه مشروطیت اصفهان) نیز مسئله را خوبی تبیین کرده است.

۱- برگرفته از: ویکی شیعه

ضد این امتیاز فعالیت کرد و در این راستا نامه‌ای به میرزای شیرازی، مرجع تقلید بزرگ شیعیان نیز نگاشت. روحانیون دیگری نیز از جمله میرزا محمدحسن آشتیانی در تهران، سیدعلی اکبر فال‌اسیری، مجتهد برجسته شیراز، میرزا آقاچواد روحانی متنفذ تبریز، محمدتقی آقاجنقی مجتهد در اصفهان، حاج شیخ محمدتقی بروجردی و حاج حبیب مجتهد شهیدی در مشهد و... جریان مخالفت با انحصار تنباکورا رهبری می‌کردند.

همه این اعتراض‌ها و مخالفت‌ها تنها هنگامی رسمیت همگانی یافت و یک همبستگی ملی چشم‌نواز را در سراسر ایران زمین پدید آورد که مرجع بزرگ تقلید و زعیم حوزه علمیه سامرا، آیت‌الله میرزا حسن شیرازی، رسماً پا به عرصه مبارزه نهاد و ابتدا با تلگرافی اولیه به شاه ایران نوشت: «اجازه مداخله اتباع خارجه... از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی رعیت است.» اما وقتی این هشدار اولیه کارگر نیفتاد، اندکی بعد، فتوایی قاطع میرزای شیرازی در تهران و دیگر شهرها منتشر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

«الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان (عج) است.» حرره الاحقر محمدحسن الحسینی

با انتشار حکم میرزای شیرازی، تمامی تدابیر شاه و درباریانش بی‌ثمر ماند. شورش و مقاومت در قبال دولت که در برخی ولایات بویژه شهرهای کوچک چندان

محسوس نبود، با حکم تحریم در سراسر کشور احساس شد و به تعبیر آن لمبتن (ANN LAMBTON)، نویسنده بریتانیایی کتاب «ایران عصر قاجار»، به شدت رنگ ملی و مذهبی به خود گرفت. مردم قلیان‌ها را در میدان‌ها گرد آورده آتش زدند، دکان‌های تنباکوفروشی را بستند و لب از دخانیات شستند. حتی آنگونه که دکتر محسن سلیم، مولف کتاب ارزشمند «تاریخ قاجار» نیز اذعان داشته، کار به آنجا رسید که زنان دربار و حرم ناصری نیز قلیان‌ها را پیاده نموده و کنار گذاشتند.^۱

امام خمینی (ره) درباره این حماسه بزرگ می‌فرماید: «آن مرحوم (میرزای بزرگ رحمه الله علیه) که در سامره، تنباکو را تحریم کرد، برای اینکه ایران را تقریباً در اسارت گرفته بودند، به واسطه قرارداد تنباکو، و ایشان یک سطر نوشتند که تنباکو حرام است، و حتی بستگان خود آن جائر (ناصرالدین شاه) هم و حرمسرای آن جائر ترتیب اثر دادند به آن فتوا، و قلیان‌ها را شکستند و در بعضی جاها تنباکوهایی که قیمت آن هم زیاد بود، در میدان آوردند و آتش زدند و شکست دادند آن قرارداد را، و لغو شد قرارداد، و یک چنین چیزی و آنها دیدند که یک روحانی پیرمرد، در کنج دهی از دهات عراق، یک کلمه می‌نویسد و یک ملت قیام می‌کند، و قراردادی که مابین شاه جائر و انگلیسی‌ها بوده است، به هم می‌زند و یک قدرت این طوری دارد او.»^۲

۱- برگرفته از: مقاله «جنبش تنباکو، توانمندی مذهب در همبستگی ملی» نوشته دکتر امیرنعمتی لیمپی

۲- بیانات امام راحل (ره) در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۵۹

جنبش تنباکو، نمونه بسیار موفق از تأثیر همبستگی جامعه اسلامی و نمایش تمام عیار قدرت روحانیت در بسیج عمومی امت است؛ حقیقتی که اشک میرزای شیرازی را پس از صدور این فتوا درآورد؛ زیرا غصه خورد که اکنون پس از این لیبک عمیق و جانانه مردم به مرجعیت و تأثیر شگرف آن، جبهه استکبار و استعمار، نقطه قوت اصلی (یعنی روحانیت) را شناخت و از این به بعد به جان آن خواهد افتاد.^۱



زلزله مهیب طبس در آستانه پیروزی انقلاب^۲

در عصر روز ۲۵ شهریورماه ۱۳۵۷ (دوران حکومت پهلوی)، زلزله‌ای به بزرگی $7/4$ ریشتر مناطق جنوبی خراسان را به شدت لرزاند که موجب تخریب کامل شهرستان طبس و روستاهای اطراف آن شد. قربانیان این حادثه - که بزرگترین زلزله قرن اخیر ایران بود - را تا ۲۵

۱- مصاحبه مشرق نیوز با نوه میرزای شیرازی بزرگ (آیت‌الله سید رضی شیرازی) و تبیین ایشان از عظمت حماسه تنباکو

۲- برگرفته از: خیرگزاری تسنیم، خیرگزاری مشرق، خیرگزاری طبس، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

هزار نفر نیز گزارش کرده‌اند (کل جمعیت شهر طبس در آن روز ۳۵ هزار نفر بود).

با بروز این حادثه که تنها چند روز پس از کشتار مردم در میدان ژاله تهران توسط گارد شاهنشاهی روی داده بود، بهترین فرصت برای رژیم طاغوت پیش آمد تا با حرکات نمایشی، اذهان مذهبی‌ها را از جنایت ۱۷م شهریور منحرف سازد. اما مردم معترض و داغدار از جمعه سیاه، در لیبک به فرمان امام خمینی (ره) از نجف، به صورت جهادی و خودجوش از نقاط مختلف کشور عازم طبس گردیده و مشغول کمک به بازماندگان، اسکان افرادی خانمان و بیرون آوردن اجساد از زیر آوارها می‌شوند. شهید صدوقی، شهید علم الهدی، شهید باقری، آقای خامنه‌ای، آقای هاشمی، آقای فیروزآبادی و ده‌ها تن از فعالان انقلاب از چهره‌های حاضر در منطقه حاضر شدند؛ درست مثل بقالی که از تهران آمده بود و قصابی که خودش را از یزد رسانده بود. فرازی از پیام امام خمینی (ره) در این حادثه به قرار زیر است:

«... اکنون که برادران ما در کشتار سراسر ایران و مناطق زلزله‌زده بی‌خانمان و بی‌سرپرست شده‌اند، اکنون که شهر از گل ساخته شده طبس بر سر برادران ما خراب شده است، اکنون که مجروحین تظاهرات سراسری ایران از بی‌دارویی و بی‌غذائی در رنجند، بر برادران ایمانی لازم است هر چه بیشتر به سرپرستی بازماندگان و تهیه وسایل آسایش برای آنان بشتابند و به جار و جنجال دولت اکتفا نکنند و به صندوق اعانه آنان کمک نکنند که جز

زراندوزی برای مجریان امور هیچ حاصلی نمی تواند داشته باشد و پیام تأثیر بار اینجانب را در تسلیت مصیبت بزرگ، به بازماندگان آنان برسانند...»^۱

حضور پرشور روحانیون و مردم جهادگر برای امداد زلزله زدگان، در اسناد رسمی رژیم طاغوت در آن روزها منعکس است. در گزارش ضد اطلاعات ارتش شاهنشاهی در تاریخ ۴ مهرماه ۱۳۵۷ درباره کمک های روحانیون نهضت امام خمینی به زلزله زدگان طبس چنین آمده است: «در هفته گذشته که منبع، جهت پیدا نمودن بستگان خود که در زلزله طبس جان خود را از دست داده بودند مسافرت می نماید، در شهر مزبور با معرفی خود به کلیه مراجع نظامی مراجعه، تقاضای چند سرباز برای کمک می نماید؛ حتی به تیمسار سپهبد صانعی هم مراجعه (می کند) که کمکی به وی داده نمی شود. ناچاراً به یکی از اکیپ های معممین مراجعه و تقاضای استمداد می نماید که بلافاصله ۱۰ نفر معمم با بیل و کلنگ و وسایل لازم در اختیار وی گذاشته می شود که پس از کاوش بسیار، موفق به پیدا نمودن اجساد می گردد. ضمن آنکه به علت همین همکاری، معممین منطقه بصورت یک کانون تبلیغ جهت آقای خمینی درآمده است و همه متأسفانه دعاگوی شخص وی می باشند؛ نه دولت.»

در گزارش شهربانی رژیم درباره زلزله طبس که در ۳۰ شهریورماه همان سال تهیه شده نیز آمده است: «...ضمناً افکار مردم نسبت به روحانیون بهتر از دستگاه های دولتی

بوده و است؛ جهت اطلاع عرض شد.»
 شایان ذکر است که ماه‌ها طول کشید تا شهرستان طبس و حومه آن برای سکونت بازماندگان محیا شود. فرآیند کمک‌رسانی مردم انقلابی به این منطقه پس از پیروزی انقلاب (در ۲۲ بهمن همان سال) نیز ادامه یافت و همین غیرت برخاسته از ایمان و احساس مسئولیت جمعی برای ساختن دوباره طبس، حلقه اولیه حرکت عظیم و مبارکی را رقم زد که چندی بعد (در سال ۱۳۵۸) به فرمان خمینی کبیر، «جهاد سازندگی» نام گرفت.

شقاوت خاندان پهلوی در ماجرای زلزله طبس

«آلبرتو بلیجی»، روزنامه‌نگار و مؤلف کتاب «زندگی و عیاشی‌های اشرف پهلوی» در اسفند ۵۷، در صفحه ۱۲۰ از کتاب خود، مکالمه «اشرف» و «محمدرضا» پس از دریافت خبر زلزله طبس را بازگو می‌کند. وی مدعی است از طریق دوستان خود در ساواک به نوار این مکالمه دست یافته است؛ مکالمه‌ای که در آن «اشرف» در کمال بی‌رحمی، زلزله طبس را به برادرش تبریک می‌گوید:
 اشرف: داداش من برای شما یک خبر خوب دارم، یک مژده...

شاه: چیه این خبر؟ چی شده؟!

اشرف (با هیجان): زلزله اومده، طبس با خاک یکسان شده...

شاه (با تعجب): این که مژده نداره!

اشرف: چرا مژده نداره داداش؟! کشتار آنقدر زیاده که هم

مذهبی ها و هم کمونیست ها چه بخواهند چه نخواهند باید
به آنها برسند...

شاه (کمی خوشحال): مگر چقدر کشته شدند؟

اشرف: خیلی، خیلی زیاد (با هیجان) داداش تو خوشحال
نیستی؟

شاه (مایوس): نه گمان نمی کنم با خبر این زلزله شورش
متوقف بشه... ولی تو راست میگی، زلزله همه رو مشغول
می کنه، ما می تونیم فوری دست به کار بشیم.

اشرف (با خوشحالی): دیدی گفتم داداش...

شاه: خبر کی به تو رسید؟

اشرف (با هیجان): همین الان، مژده هم دادم، شما هم باید
به من مژدگانی بدهید.

محمدرضا پس از باخبر شدن از این حادثه، عازم طبرس
گردید تا از این واقعه، فرصتی برای منحرف کردن افکار
عمومی و تجدید قوا و آرایش سیاسی به دست آورد که
البته به دلیل تظاهرات و اعتراضات مردم در فرودگاه،
مجبور به ترک منطقه شد. نقل شده که پیرمردی از میان
جمعیت فریاد زد: «آقای شاهنشاه! مردم را چرا می کشی؟
مردم را نکشید...» شاه که رنگش پریده بود، با همان لباس
نظامی اش گفت: «ما مردم را نکشتیم. زلزله کشت!» پیرمرد
دوباره فریاد زد: «تهران را می گویم؛ میدان ژاله را می گویم؛
چرا مردم را کشتی؟!» که اینجا شاه جواب مرتبطی نداد و
مأموران پیرمرد را کنار کشیدند.

فوکویاما که آن روزها در ایران به سر می برد، پیش بینی
می کند که مردگان طبرس در صف قربانیان میدان ژاله قرار

خواهند گرفت و خونخواه آنها خواهند شد. از دیگر افتخارات پهلوی اینکه به گزارش روزنامه «خورشید» در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۸ میلادی (۲۹ شهریور ۵۷)، اعضای خانواده سلطنتی از جمله شخص محمدرضا، فرح دیبا (همسرش)، اشرف (خواهر محمدرضا) و تعدادی دیگر از دوستان و بستگان، تنها ۴ روز بعد از وقوع فاجعه طبس، در جزیره کیش به استقبال خواننده استرالیایی به نام «تونی مونویلی» - که در انتخاب دوشیزه زیبایی انگلیس هم فعال بود - می‌روند. طبق گزارش همین روزنامه، به مونویلی گفته شده بود برای هر شب اجرای برنامه در جزیره کیش، معادل ۳۰۰ هزار پوند انگلیس هزینه می‌شود که در آن ایام، معادل چهار میلیون و دویست هزار تومان بوده است.



نهضت سوادآموزی، نمونه‌ای از همبستگی ملی^۱

یکی از مشکلاتی که در قرن اخیر کشور ایران را تحت تأثیر قرار داد، آمار بالای بی‌سوادان بوده است. شاید علت اصلی آن، سیاست استعمار در بی‌سوادنگه داشتن ملت‌های

۱ - برگرفته از: سایت جامع امام خمینی (ره)، خبرگزاری ایرنا، پرتال بیتوته

مستعمره و بی کفایتی حاکمیت‌ها بوده باشد.

با اینکه سازمان‌های مختلفی در ایران همچون سازمان تعلیمات اکابر (۱۳۲۰-۱۳۱۵)، سازمان آموزش سالمندان (۱۳۳۵-۱۳۳۲) و غیره برای کاهش بی‌سوادی ایجاد شده بود، اما در سال ۱۳۳۵ شمسی که جمعیت ایران ۱۹ میلیون بود، کمتر از ۲ میلیون نفر باسواد در ایران وجود داشته است (این یعنی چیزی نزدیک به فقط ۱۱٪ از مردم!).

با این وجود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فرمان حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل نهضت سوادآموزی، این حرکت جهادگونه توانست نرخ باسوادی را در کشور به طور چشمگیری افزایش دهد؛ به نحوی که در سال ۱۳۸۰، این رقم به ۸۵٪ رسید.

رئیس سازمان نهضت سوادآموزی در نشست خبری در دی‌ماه سال ۱۳۹۸، اعلام کرد که درصد باسوادی کشور مربوط به جمعیت سنی ۱۰ تا ۴۹ سال، در سال ۱۳۹۸، به بیش از ۹۶٪ رسیده است؛ حال آنکه این رقم در سال ۱۳۵۵، کمتر از ۴۹٪ بود.

این شگفتی، محصول همبستگی اعضای نهضت و مردم فعال و انقلابی حول محور ولی امرشان است؛ چرا که امام راحل (ره) در پیام خود برای بسیج عمومی فرموده بود:

«...ملت شریف ایران می‌داند که در رژیم گذشته آنچه بر ملت مبارز ایران سایه افکنده بود، علاوه بر دیکتاتوری و ظلم، تبلیغات بی‌محتوا و هیچ‌را همه چیز جلوه دادن بود. ملتی که در همه ابعاد از همه حوائج محروم بود، وانمود می‌شد که در اوج ترقی است... از جمله حوائج اولیه برای

هر ملت در ردیف بهداشت و مسکن و بلکه مهم‌تر از آن، آموزش برای همگان است... مایه بسی خجالت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می‌کند، از خواندن و نوشتن محروم باشد... ما باید در دراز مدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم و اکنون بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته کننده، برای مبارزه بایی سوادى بطور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنیم تا ان شاء الله در آینده نزدیک هرکس نوشتن و خواندن ابتدایی را آموخته باشد. برای این امر، لازم است تمام بی سوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن بپاخیزند، و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات بپاخیزد و از قرطاس بازی و تشریفات اداری بپرهیزد. برادران و خواهران ایمانی، برای رفع این نقیصه در داور بسیج شوید و ریشه این نقص را از بُن بر کنید...^۱

همین پیام کافی بود تا مردم و مسئولین ذیل ولی خود همبسته شوند و با تمام وجود این بیماری را از بین ببرند و باسوادى را گسترش بدهند.

گروه‌های جهادی، سندی درخشان از همبستگی ملی^۲

یکی از نمونه‌های موفق و شاهکارهای همبستگی مردم ایران، حضور داوطلبانه در فعالیتهای جهادی است. روحیه ایثار و کمک و همدلی در مردم ایران، که قرن‌ها

۱- پیام امام خمینی (ره) در ۷ دی ماه ۱۳۵۸ مبنی بر بسیج عمومی برای مبارزه بایی سوادى
 ۲- برگرفته از: خبرگزاری ایرنا، خبرگزاری مهر (گفتگو با سردار غلامرضا سلیمانی)، خبرگزاری تسنیم (گفتگو با محمدعلی شم‌آبادی از فعالان جهاد خراسان)، سایت جهادگران - کیهان

مانند آتشی در زیر خاکستر بود، پس از انقلاب و با فرمان امام (ره) مبنی بر تأسیس جهاد سازندگی (۲۷ خرداد ۵۸) در قالب کمک به محرومین بروز کرد.

مردم ایران که روحیه همدلی و ایثار را در مراسمات مذهبی و عزاداری اهل بیت (ع) تمرین کرده بودند، با شکل‌گیری این بستر، فرصت را غنیمت شمرده و آن را به گامی دیگر در تحقق همبستگی تبدیل کردند. پس از صدور این فرمان مردم به صورت داوطلبانه در میدان جهاد حاضر شدند و به آبادانی روستاها و مناطق محروم پرداختند.

در دوران دفاع مقدس، ۸۰ تا ۹۰ درصد مهندسی نظامی به عهده جهاد بود که در قالب ۴۲ گردان و ۵ قرارگاه، صحنه مهندسی رزمی جنگ را مدیریت می‌کرد. شایان ذکر است که اولین موشک دوربرد در ایران، توسط نیروهای جهاد ساخته شد.

با تشکیل نهضت سوادآموزی به فرمان امام (ره) در ۵ دی‌ماه ۱۳۵۸، آمار باسوادان کشور تا سال ۱۳۸۰، قریب به ۸۰ درصد رشد کرد که این حاصل حضور مجاهدانه محصلین در این میدان علمی بود.

پس از افزوده شدن شاخه بسیج سازندگی به بسیج‌های مردمی، گروه‌های مختلف جهادگر در سراسر کشور در مساجد و پایگاه‌های بسیج، با عضویت داوطلبانه مردم شکل گرفت که انواع خدمات این گروه‌ها در مناطق محروم از همان سال‌های تأسیس تا همین امروز، همه‌ساله برگ زرین جدیدی به تاریخ افتخارات این مرز و بوم افزوده است؛ به نحوی که هم‌اکنون حدود ۱۲ هزار گروه

جهادی در سراسر کشور فعالیت می کنند.

هرچند نام این حرکت ارزشمند با مسئله سازندگی بیش از دیگر حیطه‌ها گره خورده است، اما فعالیت گروه‌های جهادی تنها منحصر به امور عمرانی نیست؛ بلکه این گروه‌ها در سرتاسر کشور، با حضور خود مردم به فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی-درمانی و... می پردازند.

در دهه اخیر پس از آنکه رهبری معظم انقلاب، مردم را به مسائل اقتصادی توجه دادند و اهمیت اشتغال‌زایی، حمایت از تولید ملی و قوی شدن در حوزه اقتصاد را گوشزد کردند، گروه‌های جهادی، به جز آبادانی فیزیکی روستاها، برای ایجاد اشتغال و رونق و جهش تولید و بهبود فضای کسب و کار نیز مبادرت کردند.

در سال ۱۳۹۸، قریب به ۱۴ هزار صندوق قرض الحسنه توسط خود مردم با هدف اشتغال‌زایی شکل گرفت. راه‌اندازی ۳۸ هزار کارگاه و ۷۵ هزار شغل نیز از دیگر برکات حضور گروه‌های جهادی در این عرصه بود.

یکی از نقاط درخشان در کارنامه گروه‌های جهادی، حادثه سیل ۹۸-۱۳۹۷ بود که ۱۴ استان کشور را درگیر کرد. گروه‌های جهادی از همان ابتدای حادثه، به کمک مردم شتافتند و موج عظیمی از روحیه ایثار و همدلی را در کشور به راه انداختند.

شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی، بخشی از این حضور زیبا را در پیام خود توصیف نموده است:

«بی تردید اتفاق کلمه و روحیه بسیج‌شوندگی ملی، در لحظه حساس کنونی با حضور مردم همیشه در صحنه با

مشارکت در ساخت خاکریزها و دیوارهای خاکی، دژها، حفر کانال، پرکردن کیسه‌های مخصوص شن، پذیرایی، اسکان و حمل و نقل رایگان مردم، بکارگیری قایق‌ها و ماشین‌آلات شخصی، کمک‌های نقدی و رساندن مشتاقانه اقلام اولیه مثل آب و غذا، پوشاک، لوازم گرمایشی و... بار دیگر در فضای عمومی کشور بروز یافته است.»

حاصل سخن آنکه در حوادث مختلف تاریخ انقلاب، این گروه‌های جهادی بودند که با حضور خود در صحنه عمل، در مسیر حل مشکلات مردم و کاهش آسیب‌ها و مدیریت عملی بحران‌های مختلفی از جمله وقوع سیل، وقوع زلزله، شیوع بیماری‌ها و... پیشتازی کردند.



حضور داوطلبانه و متعهدانه در مناطق جنگی^۱

رژیم بعث عراق که از بهار ۱۳۵۹ به ناامن‌سازی گسترده مرزهای ایران دامن زده بود. صدام در فروردین ۱۳۵۹،

۱- برگرفته از: کتاب «روایتی از تاریخ پزشکی دفاع مقدس» تألیف دکتر سید عباس فروتن؛ وبگاه شهدای شاخص استان خوزستان، خبرگزاری تسنیم، مشرق نیوز، پرتال امام خمینی (ره)، صحیفه نور

حدود ۵۰ هزار عراقی ایرانی الأصل را در دردناک‌ترین شکل ممکن اخراج کرد و در همین ایام با به شهادت رساندن آیت‌الله سید محمدباقر صدر و خواهرشان، چهره خشن خود را به انقلاب مردم ایران نشان داد.

پس از کودتای نوژه و مجازات عده زیادی از افسران و خلبانان رژیم سابق در تیرماه ۱۳۵۹، ارتش بیشتر تضعیف شد. همچنین ترورهای منافقین و گروهک‌ها در شهرها و بحران جدایی طلبان در کردستان که به طول انجامیده بود، نیروهای سپاه نوپای پاسداران را درگیر کرده بود. در این شرایط عراق به پشتیبانی آمریکا و دیگر حامیان غربی خود، شرایط متزلزل داخل کشور را بهترین فرصت برای انجام یک هجوم ناگهانی به خاک ایران و برنامه‌ریزی برای تصرف چند روزه پایتخت قلمداد کرد؛ طرحی که با هدف بیرون کشیدن کشور از چنگ انقلابیون، سهم بردن صدام و تجزیه طلبان از خوزستان و کردستان و نهایتاً تسلط دوباره غرب بر منافعش در ایران انجام شد.

سرانجام در حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، غرش غیرعادی چند هواپیمای عراقی که برای بمباران فرودگاه مهرآباد از روی تهران عبور کردند، مردم پایتخت را بهت زده کرد. چند شهر دیگر نیز هدف حمله قریب به ۲۰۰ فروند جنگنده قرار گرفت و هم‌زمان، نیروهای زرهی ارتش بعث به سرعت مناطق وسیعی از پنج استان ایران را اشغال کردند. این نخستین علامت تجاوز رسمی رژیم بعث به خاک ایران بود.

امام (ره) در همان روز تجاوز، پیامی قاطعانه در رادیو و

تلویزیون صادر کردند که در بخشی از آن می خوانیم:
 «...گمان نکند ملت ما که دولت ایران و ارتش ایران عاجز
 از این است که جواب به اینها بدهد. هر وقتی که مقتضی
 بشود من پیامی به ملت خواهم داد و به صدام حسین
 و امثال او خواهم ثابت کرد که اینها، این اذتاب آمریکا
 قابل ذکر نیستند... این صدام حسین، من از اول وقتی که
 روی کار آمد تنبّه دادم که این دیوانه است، این عقلش
 درست کار نمی کند، و لهذا، با دیوانگی دارد عمل می کند
 و خودش را به هلاکت می رساند... یک دزدی آمده است
 یک سنگی انداخته و فرار کرده، رفته است سر جایش... من
 هر روزی که محتاج به این بشود که بسیجی بکنم، خواهم
 کرد و ان شاء الله، نیاید آن روز که یک همچو امری واقع
 بشود...»^۱

پیش از نمایش قدرت بلا معارض بسیج عمومی که امام
 (ره) از آن سخن می گفت، جان بر کفانی از سر احساس
 مسئولیت، خود را به صحنه رسانده بودند؛ چرا که تعرض
 آشکار رژیم صدام در ۳۱ شهریورماه، مسبوق بر تحرکات
 و ناامنی ها و درگیری هایی بود که در مرزهای غربی کشور
 توسط بعثیان و ضد انقلاب از ماه ها قبل از آغاز رسمی
 جنگ، شروع شده بود و تعداد زیادی از مرزنشینان در
 بمب گذاری ها و گلوله باران ها کشته می شدند. بحران های
 مختلف داخلی و بی کفایتی بنی صدر^۲ مانع از آن بود که

۱- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۲۱ تا ۲۲۶

۲- ابوالحسن بنی صدر در نخستین انتخابات ریاست جمهوری کشور در بهمن ۱۳۵۸ رسماً به
 ریاست دولت رسید و تا خرداد ۱۳۶۰ بر سر کار بود که نهایتاً با برکناری وی از فرماندهی کل قوا
 توسط رهبر انقلاب و رأی مجلس بر عدم کفایت سیاسی وی، با فرمان نهایی امام (ره) از ریاست
 جمهوری عزل شد.

در این مدت، واکنش‌های دفاعی رسمی متقابل از سوی ایران انجام گیرد و تنها افراد خودجوش و مخلص (و البته کم تعداد) بودند که به موازات مشارکت غالب مردم در سازندگی و فقرزدایی از مناطق محروم کل کشور، متعدانه در مناطق ناامن غرب همچون اسلام‌آباد، سرپل ذهاب، قصر شیرین، مهران، دهلران، خرمشهر، شلمچه و... حاضر شده، اولین صفوف دفاعی مردمی را تشکیل داده بودند و در شمار نخستین مجاهدین پیشاجنگ شهید می‌شدند. یک نمونه آن، شهید «ایرج دستیاری» بود؛ جوانی که با استفاده از هوش بالا و تخصصی که در صنعت برق داشت و با کمک شهید جهان‌آرا و سایر یاران جهادگر خود، توانسته بود خطی از مواد انفجاری را به طول چهار کیلومتر در نوار مرزی شلمچه برای جلوگیری از نفوذ ضد انقلاب کارگزاری کند. او در ۲۰ شهریور ۱۳۵۹ (۱۱ روز قبل از آغاز رسمی جنگ) در هنگام تثبیت تله‌های انفجاری، با انفجار غیرمنتظره یکی از تله‌ها به شهادت رسید.

نمونه دیگر، پیشتازی شهید «یونس عطاری» و چند تن از هم‌کلاسی‌های دانشگاهی او بود که با آگاهی از ناامنی مناطق غرب کشور،^۱ از تهران به قصر شیرین و سرپل ذهاب رفته و پیش از تشکیل خطوط دفاعی در مقابل عراق و در زمانی که هنوز کسی نمی‌دانست چه کار کند، داوطلبانه و با مقاومت ساده مردمی، مانع از دستیابی لشکر زرهی عراق به ارتفاعات سرپل و ورود آنها به «پادگان استراتژیک

۱- در خاطرات او و هم‌کلاسی‌هایش آمده که: وقتی برای اعزام سوارانویوس شدیم، هنگام گروه‌بندی از ما پرسیدند: «مناطق امن می‌خواهید یا ناامن؟» و ما در پاسخ گفتیم: «ما را به مناطق ناامن بفرستید!»

اباذر» و ژاندارمری - که به خاطر ترس سربازان تخلیه شده بود - شدند.

«نصرالله کلانتری» (هم کلاسی یونس عطاری) می گوید در جریان همین مقاومت اولیه، روز چهارم مهرماه ۱۳۵۹ بود که با یونس در ارتفاعات سرپل ذهاب مستقر بودیم و علیرغم اندک بودن مهمات، با تیراندازی های گاه به گاه، تانک های و سربازان متعدد عراقی را که در نزدیکی ما بودند، در ابهامی نسبت به کمیت نیرو و مهمات خود ننگه داشته بودیم. اگرچه یونس در جریان همین تیراندازی ها از ناحیه سر هدف گلوگه قرار گرفت و شهید شد؛ اما همین مقاومت چند نفره، وقتی به منفجر کردن یکی از تانک های عراقی نیز انجامید، دشمن را ترساند و از پیشروی بیشتر منصرف کرد. سرگرم کردن دشمن باعث شد تا فردای آن روز، شهید بروجردی به محل پادگان ابوذر برسد و قرارگاه تشکیل یابد و امر دفاع سامان بگیرد. سپس با شکار تانک های عراقی توسط خلبانان شهید شیروودی و کشوری، لشکر بعثی عقب نشینی کرد و اینگونه اولین خط دفاعی در منطقه غرب شکل گرفت.

حماسه کامیون داران در لیبیک به فرمان امام (ره)^۱

با شروع جنگ تحمیلی و حمله عراق به ایران علاوه بر مشکلات و محدودیت های مختلف، به دلیل ناامنی دسترسی جغرافیایی به جاده ها و گلوگاه های اصلی کشور با مشکل مواجه شد. از آنجا که بیشترین مقدار کالا از راه

۱ - برگرفته از: خبرگزاری دفاع مقدس



آبی و دریا‌های آزاد به کشور وارد می‌شد، برای مقابله با این معضل، برخی از دستگاه‌های اجرایی با در اختیار قرار دادن خدمات مورد نیاز کامیون‌داران، سعی کردند تا به سرعت پس از تخلیه بار کشتی‌ها، کالاهای مورد نیاز کشور به شهرها و جبهه‌ها منتقل شود. اما حجم کالاهای وارد شده به کشور و صف بارگیری مشکلاتی را به وجود آورد.

از این رو طرحی از سوی دولت وقت به حضرت امام (ره) ارائه شد و ایشان در اثناء سخنرانی خود در ۲۶ آذرماه سال ۱۳۶۲، ضمن اطمینان دادن به مردم در زمینه وجود مایحتاج عمومی به مقدار مورد نیاز در بنادر، پیشنهاد کردند که کامیون‌داران شهرهای مختلف کشور در تخلیه و بارگیری از بنادر مشارکت کنند. بخش مربوطه از سخنرانی آن روز امام (ره) در جمع اعضای کمیسیون بازرگانی مطابق زیر است:

«...من هم می‌دانم شکایت زیاد هست. مگر کجا شکایت نیست؟ در آمریکا شما خیال می‌کنید شکایت نیست؟ در آمریکا بیشتر از اینجا هست! در هر چند دقیقه‌ای یکی

کشته می شود، در هر چند دقیقه فحشا واقع می شود، در هر چند ثانیه حتی چه می شود. شما می خواهید بعد از انقلاب، بعد از دشمنی همه کشورهای عالم همین طور به طور رفاه بنشینید کار بکنید و به طور رفاه زندگی بکنید؟ نمی شود. بازار می بیند که دولت نمی رسد، خوب خودش همراهی بکند. الآن دولت در اطراف، در جاهایی که باید باشد برنج دارد، گندم دارد، همه چیز دارد، کامیون نیست. خوب همه علمای بلاد بنشینند با هم فکر بکنند کامیون درست کنند. اگر در هر شهری چهار تا کامیون برود به اینجاها، تمام حل می شود مسئله. اگر همه بلاد دست به هم بدهند. بدانند که می خواهند ریشه این اسلام را بکنند! همه مردم این توجه را داشته باشند، علمای بلاد این توجه را داشته باشند...»^۱

در نتیجه همین چند کلمه، کامیون داران، رانندگان و مؤسسات و انجمن های صنفی آمادگی خود را برای مشارکت اعلام کردند. بسیج عمومی کامیون داران شکل گرفت و با ایثار و تلاش شبانه روزی کامیون داران، این مشکل برطرف شد. سال ها پس از صدور فرمان امام راحل، روز ۲۶ آذر ماه از سوی شورای فرهنگ عمومی کشور به عنوان «روز حمل و نقل» تعیین گردید.

در همین زمینه مستند ۳۰ دقیقه ای «دموراژ» تولید شده است که با توجه به اینکه از شاهدان عینی مصاحبه شده است برای اطلاع بیشتر می توان به آن مراجعه کرد.



فداکاری اقلیت‌های دینی در دفاع مقدس^۱

اقلیت‌های دینی در طول هشت سال دفاع مقدس با جمع‌آوری و ارسال کمک‌های نقدی و غیرنقدی، اعزام گروه‌های مهندسی، پزشکی و... از جبهه‌های جنگ پشتیبانی کردند که این خود گویای همبستگی ملت در مواجهه با مشکلات جمعی است.

از شهدای مسیحی ارمنی برجسته می‌توان به «زوریک مرادیان» - اولین شهید مسیحی در ۱۹ مهر ۵۹ در پیرانشهر - و «ویگن کاراپتیان» اشاره کرد که رهبری معظم هر سال در شب میلاد حضرت مسیح (ع) از خانواده ایشان دیدن می‌کنند. از بین ۶ شهید آشوری، «روبرت لازار» معروف‌ترین شهید آشوری است که در سال آخر جنگ در میمک به شهادت رسید.

حضور رزمندگانی از میان جوانان اقلیت‌های دینی از ابتدا تا پایان جنگ استمرار داشت. آمار فداکاری این عزیزان در

۱- برگرفته از: گفتگو با آقای مجید اوحدیان (مسئول موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس)؛ به نقل از پایگاه روزنامه آلیک (روزنامه ارمنی زبانان چاپ تهران)

طول جنگ در جدول زیر آمده است:

آزاده	جانباز	شهید (و مفقود)	اقلیت دینی
۱۰	۳۴۶	۹۴	مسیحی
۲	۴۰۷	۱۱	کلیمی
۱	۲۴۴	۴۲	زرتشتی
۱۰۵	۳۵	۷۴	ارمنی

مردم فهیم و با بصیرت ایران اسلامی از ابتدای انقلاب اسلامی بارها و بارها با برگزاری مراسم‌های باشکوه و حماسی تشییع شهدا، نشان دادند که همچنان یک دل و یک رنگ همراه آرمان‌های شهدا هستند. مراسم‌های تشییع میلیونی «سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی» در چندین شهر ایران، مراسم‌های تشییع چند صد هزار نفری پیکر «شهید محسن حُجّجی» در چند شهر و مراسم تشییع باشکوه «شهدای غواص»، سه نمونه برجسته و متأخر قدرشناسی مردم ایران اسلامی نسبت به شهدای این سرزمین است.

تشییع باشکوه شهدای غواص

۲۸ اردیبهشت ماه سال ۹۴ در مراسم ورود پیکر شهدای تازه تفحص شده به کشور بود که یک خبر از شهدا، بمب خبری بزرگ و تحول‌آفرینی عظیم عمومی ایجاد کرد. خبر این بود: «کشف پیکر مطهر ۱۷۵ شهید غواص دفاع مقدس با دستان بسته». این شهدای مظلوم و والامقام جمعی از غواصان و خط‌شکنان دریادلی بودند که در دی



ماه سال ۶۵ در جریان عملیات کربلای ۴ که طرح آن توسط آواکس‌های آمریکایی لورفت، خط عملیاتی اروند را شکسته و حتی از جزیره ام‌الرصاص هم عبور کردند. طبق شواهد موجود، این رزمندگان در حالی که بیشترشان مجروح بودند، جلوتر از خط مقدم به اسارت دشمن درآمدند و پیکرشان با دست‌ها و برخی با پای‌ها بسته شده بصورت دسته‌جمعی به خاک سپرده شده بود. پیکر مطهر این شهدای گرانقدر حدود سی سال بعد توسط تیم تفحص پیکر مطهر شهدا در ابوفلوس در منطقه ابوالخصیب عراق با دستان بسته و برخی دست و پا بسته کشف شد.

خبر ورود این پیکرهای مطهر به کشور یک موج گسترده مردمی سرشار از عواطف و احساسات پاک نسبت به شهدای هشت سال دفاع مقدس پدید آورد. روز بعد تیر غواصان شهید برجسته‌تر از سایر تیرها در سایت‌ها و گروه‌های خبری درخشید. کشف پیکر شهدا با دست و پای‌ها بسته و بصورت دسته‌جمعی باعث قلیان احساسات پاک مردم و به جوش آمدن خون‌های آزادی خواهانه

آنان شد. این موضوع بار دیگر مظلومیت شهدای هشت سال دفاع مقدس را یادآوری کرد، آن هم در شرایطی که برخی ها سالها بود در خلال میان روزمرگی هایشان واقعیت‌های جنگ را به فراموشی سپرده بودند.

پس از انتشار خبر کشف پیکرهای مطهر شهدای غواص و بعد از پخش تصاویر پیکرهای برخی از این شهدا که دست بسته بودند، شاهد جوش و خروش و خیزشی عظیم همراه با شور و شعور حیرت‌انگیز عمومی و همگانی بودیم و هر کس به گونه‌ای به این شهدا ابراز احترام و ارادت می‌نمود، شدت احساسات به حدی بود که مردم سر از پا نشناخته و مُصرانه خواستار تشییع هر چه سریع‌تر در یادلان صف‌شکن و قهرمانان ملی و انقلابی و اسلامی شان شدند. میدان بهارستان تهران در ۲۶ خرداد ۱۳۹۴ از پیکر مطهر ۲۷۰ شهید گمنام که ۱۷۵ نفرشان شهدای غواص بودند، میزبانی کرد. سیل خروشان جمعیت در تشییع این شهدای والامقام موج می‌زد. حضور پرشور و گسترده مردم به حدی بود که ماشین حامل شهدا امکان ورود به میدان بهارستان را نداشت و مراسم با تأخیری بیش از یک ساعت آغاز شد. مردم مؤمن و انقلابی، یکدل و یکصدا سرود «کجاییدای شهیدان خدایی» را زمزمه کرده، مداحان اهل بیت (ع) مدیحه‌سرایی نموده و گروه‌های خودجوش جهادی هم پوسترها و تصاویر شهدا را توزیع می‌کردند.

این مراسم به‌طور زنده از شبکه‌های تلویزیونی پخش شد و خبرنگاران داخلی و خارجی آن را پوشش دادند. پس از حدود پنج ساعت تشییع با شکوه، به دلیل سیل عظیم

جمعیت و شدت احساسات ملت خداجو و شیفته مکتب شهادت، خاکسپاری شهدا امکان پذیر نشد و شهدا مجدداً در معراج شهدا آرام گرفتند تا در روزهای آینده تشییع پیکرهای پاک آنها انجام شود.

وداع بی نظیر ملت خداجو و شهیدپرور ایران اسلامی، تحسین ایرانیان و جهانیان را برانگیخت. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در ساعت پایانی مراسم پیامی پرشور صادر کردند. در این پیام آمده است:

«صلوات و سلام خدا بر شهیدان عزیز که مشعل توحید را با ایثار خود بر فراز میهن اسلامی برافروختند و صلوات و تحیات خدا بر شهیدان مظلوم غواص که با ظهور و حضور خود، این فروغ خاموش نشدنی را مدد رساندند و پرچم یادهای عزیز و گرانبها و ذخیره‌های معنوی ملت را با شکوهی هر چه تمامتر در کشور برافراشتند. سلام بر دست‌های بسته و پیکرهای ستم‌دیده شما و سلام بر ارواح طیبه و به رضوان الهی، بالگشوده شما...

سلام بر شما ملت بزرگ، وفادار، آگاه، مسئولیت‌پذیر که خطاب لطیف الهی را به درستی میشناسید و می‌نوشید و پاسخ می‌گویید. حضور پرمضمون امروز شما در تشییع این دُرَدانه‌های به میهن بازگشته، یکی از به یادماندنیترین حوادث انقلاب است؛ رحمت خدا بر شما، و سپاس بیحد از خدای مالک دلها، و سلام بیپایان بر حضرت بقیة الله (روحی فداه) که صاحب این ثروت عظیم است.»^۱

پیام خون شهدای غواص

این مراسم پرشکوه در بحبوحه مذاکرات هسته‌ای و آشکار شدن عزم برخی مسئولان برای عقب‌نشینی از دستاوردهای هسته‌ای برگزار گردید. در مراسم تشییع پیام‌های مهمی به طرفداران مذاکره فرستاده شد که متأسفانه به درستی شنیده نشد. ملت انقلابی و استکبارستیز ایران با سر دادن شعارهایی همچون «نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا»، «ای رهبر آزاده، آماده‌ایم، آماده»، «جیب ما پر از وصیت شهداست، پر از مرگ بر آمریکا است» شهدا را تشییع نمودند.

پلاکاردهای متعددی هم که در دست مردم بود، صحبت‌ها و خون‌دل‌ها با دولتمردان داشت. نوشته‌هایی، چون «آب خوردن ما وابسته به یا حسین است، نه تحریم»، «با دستان بسته مقاومت کردید، ما با دستان باز چه کردیم؟!»، «سرداران فتح خرمشهرهای سیاسی، شهدا اگر منتظر کدخدا می‌ماندند، خرمشهر الآن هم آزاد نشده بود»، «این سند جنایت کدخداست!»، «عزت قابل مذاکره نیست حتی اگر دست‌های ما بسته باشد»، «خون شهیدان ماقابل‌اکسید نیست»، «تهدیدمان کنند، تحریمان کنند، لب تشنه جان دهیم، سازش نمی‌کنیم» و... در آن‌ها درج شده بود.

تشییع پیکر شهید محسن حججی

فرهنگ چهار دهه‌ای انقلاب اسلامی ایران اینگونه بوده است که شهید، خون شهید و برکتش بن‌مایه استمرار حیات طویه ایران بوده است. مدیریت مدیران ایران مدیون خون شهیدان است. شهید حججی یک جوان دهه هفتادی



است که حالا نمادی از شهادت و مظلومیت شهدای مدافع حرم است. مراسم تشییع شهید محسن حججی نمایش تمام عیاری از همبستگی و وفاق ملی بود به گونه‌ای که در این مراسم از همه اقشار جامعه و حتی آن‌هایی که ظاهرشان تناسبی با شهادت ندارد، دل‌هایشان مجذوب این شهید شد و مراسم تشییع پیکر این شهید به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب اثبات کرد «کمیت و کیفیت جوانان انقلابی از دهه ۶۰ بیشتر نباشد، کمتر نیست.» حججی و حججی‌ها هم اصل انقلاب را تداوم بخشیده‌اند و همه ملت و دولت کشورمان امنیت و زندگی‌شان را مدیون آن‌ها هستند.

شاید به جرأت بتوان گفت: شبکه‌های اجتماعی نقشی اساسی در شناساندن قدرت و شجاعت شهید حججی داشتند و داعش که در طول دوران حیات خود اثبات کرد، ظرفیت‌های رسانه را خوب می‌شناسد، این بار هم با هدف بهره‌گیری از ظرفیت رسانه کوشید تا با تصویربرداری از شهادت شهید حججی و پخش آن در شبکه‌های اجتماعی، بذر وحشت را میان مردم کشورمان پیاشند. اما از آنجایی که محاسبات مردم‌شناختی آن‌ها غلط از آب درآمد، انتشار

گسترده تصاویر شهادت شهید حججی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نه فقط منجر به القای وحشت در میان جامعه ایرانی نشد؛ بلکه شهید حججی را به عاملی برای وحدت و همبستگی ملی میان مردم ما تبدیل ساخت؛ چرا که در ورای حضور مدافعان حرم در سوریه و عراق و مقابله با داعش، ایدئولوژی و منطقی عمیق نهفته است. در دوران دفاع مقدس نیز هدف متعالی و ایدئولوژی قوی ملت ایران موجب می‌شد تا با شهادت هر رزمنده‌ای، عزم هم‌رزمانش برای دنبال کردن هدف او قوی‌تر شود. شهادت شهید حججی نیز خون دوباره‌ای در رگ‌های جامعه ایران تزریق کرد و موجب بازگشت اعتماد و همبستگی اجتماعی به جامعه ایران شد.

اما تشییع پیکر مطهر شهید حاج قاسم سلیمانی که به محور بی‌ظنیری برای وحدت ملت تبدیل شد، در فصل چهارم از این پیوست که بطور ویژه به نقش این شهید در ایجاد همبستگی پرداخته، ذکر شده است.

پیشرفت علمی، ثمره خودباوری و جهاد نخبگان^۱

امام (ره) رمز پیروزی انقلاب ما را اتصال به توحید و وحدت ملت دانست. لذا هر جا که مردم حول محور ایمان به خدا اراده‌ای بکنند، پیروز می‌شوند. یکی نمونه این پیروزی‌ها پیشرفت‌های علمی ماست که از میان صدها نمونه موفقیت کوچک و بزرگ این عرصه، آنچه در این

۱- برگرفته از: پژوهشگاه رویان، خبرگزاری تسنیم، خبرگزاری ایرنا، شبکه اطلاع‌رسانی دانا، سایت رهبر معظم انقلاب

مقال می گنجد؛ تنها اشاره به سه مثال است.



پژوهشگاه رویان، سنگری در معرکه جنگ اراده‌ها

پژوهشگاه رویان هشتم خرداد ماه سال ۱۳۷۰ به عنوان موسسه باهدف ارائه خدمات درمانی، پژوهش و آموزش در زمینه علوم باروری و ناباروری توسط «زنده یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی» و گروهی از پژوهشگران و همکارانش در جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران تأسیس شد. این موسسه در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ به ترتیب موفق به اخذ مجوز مراکز تحقیقات علوم سلولی و مرکز تحقیقات پزشکی تولید مثل از شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی شد و در آبان ماه ۱۳۸۸ از شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موفق به اخذ مجوز پژوهشگاه گردید.

پژوهشگاه رویان قطب تحقیقاتی و فناوری است و در تراز بین‌المللی، پیشگام در توسعه علم، فناوری و نوآوری در علوم زیستی با مرجعیت در علوم سلول‌های بنیادی، تولید مثل، زیست فناوری، طب ترمیمی و مؤثر در ارتقاء

سلامت جامعه می‌باشد و در راستای نقشه جامع علمی کشور و در چهارچوب برنامه توسعه جهاد دانشگاهی، در چهار محور زیر مشغول به فعالیت می‌باشد:

(۱) پژوهش و توسعه علم و فناوری در زمینه‌های زیست‌شناسی و پزشکی تولید مثل، سلول‌های بنیادی و زیست فناوری

(۲) آموزش و ترویج یافته‌های علمی در سطح ملی و بین‌المللی

(۳) تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی برای ارایه خدمات جهت رفع نیازهای علمی تخصصی کشور

(۴) درمان بیماران نابارور و صعب‌العلاج از طریق استفاده کارآمد از نتایج پژوهش

از نمونه‌هایی از فعالیت این پژوهشگاه، می‌توان به مطالعات سلول‌های بنیادی و استفاده از آنها در درمان بیماران واجد سکتة قلبی، آسیب‌های قرنیه و بهبود این بیماران اشاره نمود. همچنین در حوزه بیوتکنولوژی و پزشکی تولیدمثل، به تولید بزهای همانندسازی شده و تراریخته، بلوغ تخمک دام‌های اهلی (بز، گوسفند و گاو) در محیط آزمایشگاهی، انجام لقاح آزمایشگاهی، انجماد جنین‌ها و به دنبال آن انتقال به مادران رضاعی و تولید حیوانات سالم، ارائه خدمات درمان ناباروری به مردم کشورمان، ارائه خدمات تشخیص‌های ژنتیکی قبل از لانه‌گزینی به مردم کشور اشاره کرد.

رهبری معظم بارها به این پژوهشگاه و اهمیت آن اشاره کرده‌اند؛ از آن جمله:

«اگر بخواهم این الگوی مطلوب را در یک جمله معرفی کنم، عبارت است از: ترکیب علم، ایمان، تلاش. هم علم را جدی گرفتند، هم ایمان و پابندی و تقوا را؛ نه به صورت یک سربار، بلکه به شکل یک عنصر اصلی در بافت مجموعه و در بافت کار؛ و هم خستگی را فراموش کردند، که به گمان من «مرحوم کاظمی»، جان و سلامت خودش را هم سر همین کار گذاشت؛ یعنی این دنبال‌گیری و این اهتمام‌ها و خسته‌نشدن‌ها. لذا رویان در چشم من بسیار گرامی است و عزیز است و شما جوان‌ها و مردان و زنان مؤمن و عزیزی که در این مجموعه کار می‌کنید، برای من عزیز هستید و معتقدم رویان استعداد بسیار زیادی برای کار کردن و برای پیش رفتن دارد.

از قول من نقل کرده‌اند که من گفته‌ام: «این سلول بنیادی یک حرکت علمی است»، واقعه‌ش همین است؛ همین‌طوری که این سلول‌های بنیادی شما، یک دامنه‌ی تمام‌نشده‌ی برای تحقیق دارند - که هرچه شما تحقیق می‌کنید، پیش می‌روید، یک میدان دیگری باز می‌شود که می‌بینید می‌توان آن را موضوع تحقیق قرار داد و پیش رفت و به مرزهای جدیدتری رسید - رویان هم همین‌جور است؛ این مجموعه شما هرچه کار کند، پیش برود، باز قابلیت پیشرفت دارد و یکایک محققان، پژوهشگران معتقد به علم و با ایمان - که در این مجموعه یا هر مجموعه دیگری از این قبیل هستند - همین حکم را دارند؛ یعنی توانائی اینها تمام‌نشده‌ی است.»^۱

طبعاً این فعالیت‌ها و پیشرفت‌ها، هنگامی به پیش می‌رود که نخبگان جوان عزم خود را برای حرکت جهادی علمی جزم کرده و برای این عزم عمومی، همبستگی داشته باشند. رهبری معظم در جای دیگری فرموده است:

«وابستگی سیاسی به برکت انقلاب از بین رفت؛ [اما رهایی از] وابستگی‌های دیگر دشوار و سخت است؛ تلاش می‌خواهد. این حرفی نیست که من امروز بزنم، من زمان ریاست جمهوری در خطبه نماز جمعه این حرف را زدم، که وابستگی سیاسی ما از بین رفت، الحمدلله نجات پیدا کردیم؛ اما وابسته‌ایم؛ از لحاظ اقتصادی وابسته‌ایم، از لحاظ فرهنگی وابسته‌ایم؛ باید فکر کنیم روی این زمینه. وابستگی بیچارگی می‌آورد.

من به شما عرض بکنم انسان وقتی به این خاطراتی که از دوستان محمدرضای پهلوی باقی مانده، نگاه می‌کند - من خیلی از این کتاب‌ها خوانده‌ام - [می‌بیند] یک مواردی پیش می‌آید که خود این محمدرضا شاه طاغوتی، از دست آمریکایی‌ها بشدت عصبانی است. به آنها فحش هم می‌دهد، ناسزا هم می‌گوید؛ البته در اتاق خصوصی، با یاران نزدیکش! مثل آن که رفت روی پشت بام خانه‌اش، به آن پاسبان شهر دوردست فحش داد، ایشان هم این جوری بود؛ در اتاق خصوصی بدگویی هم می‌کند؛ اما در همان حال، اگر چنانچه سفیر انگلیس یا سفیر آمریکا یک پیغامی می‌داد، یک تلفنی می‌کرد، یک دستوری می‌داد؛ این دست به سینه حاضر بود آن دستور را انجام بدهد؛ چاره‌ای نداشت؛ مجبور بود. وابستگی این است؛ این باید از بین

برود.

خب خوشبختانه از لحاظ سیاسی، وابستگی بکلی در کشور ما ریشه کن شده؛ اما در بخش های دیگر خیلی بایستی برایش تلاش کرد و یکی از عناصر اصلی راه نجات هم همین پیشرفت علمی است که به وسیله شماها دارد انجام می گیرد.»^۱



استقلال صنعت موشکی، خونی که بی ثمر نماند.

سردار شهید حسن طهرانی مقدم پدر صنعت موشکی ایران در سال ۱۳۳۸ در محله سرچشمه تهران به دنیا آمد. طهرانی مقدم با اوج گیری فعالیت های انقلابی به صف انقلابیون پیوست. گفته می شود او در شب ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷ با پرتاب یک نارنجک دستی، خودروی متعلق به ارتش را مصادره کرد و سرهنگ ارتش شاهنشاهی را به اسارت درآورد.

پس از آغاز جنگ تحمیلی و نقش بسزای این جوان فارغ التحصیل از دانشگاه مقاومت، از صدام گرفته تا سران



صهیونیستی و آمریکایی برای سرش جایزه گذاشتند. شده بود کابوس بی پایان لشکریان شیطان و امیر لشکریان خدا. هم‌زمانش که با او زیسته‌اند و در رکاب او سال‌ها طی طریق کرده‌اند، اذعان دارند که اطرافیان‌ش اگرچه می‌دانستند او از تبار بزرگان است، اما وسعت روحش را نمی‌شناختند. پُست و مقام برای او پست می‌نمود و تا لحظه آخر به خلق کارهای بزرگ می‌اندیشید و هیچ درجه‌ای در شأن او نبود. همگی جمله آرمانی پدر موشکی ایران را به یاد داریم که می‌گفت: «روی قبرم بنویسید اینجا مدفن کسی است که می‌خواست اسرائیل را نابود کند.»

جنگ در تابستان سال ۱۳۶۷ به پایان رسید، اما توسعه توان موشکی ایران متوقف نشد. کار ساخت موشک‌های سوخت مایع و جامد همراه با هم آغاز شد. موشک شهاب یک با کپی برداری از موشک اسکادبی ساخته شد و کمتر از ۲ سال بعد، موشک شهاب دو با بُرد ۵۰۰ کیلومتر ساخته شد؛ اما طهرانی مقدم که به دنبال ساخت موشک‌هایی

بود که بُردشان تا سرزمین‌های اشغالی فلسطین باشد؛ از پا نشست تا اینکه موشک شهاب سه، با برد ۱۱۰۰ کیلومتر ساخته شد؛ موشک‌هایی که اگر از مرزهای غربی شلیک شود، اهدافی در سرزمین‌های اشغالی را مورد اصابت قرار خواهد داد.

پس از مدتی رهبر انقلاب به شهید طهرانی مقدم و نیروهای موشکی تأکید کردند که موشک‌ها باید نقطه‌زن شوند. با تلاش تیم او، خطای موشک‌ها به ۱۰ کاهش پیدا کرد. رهبری تأکید کردند این خطا باید کمتر شود. با تأکیدات چندباره رهبری، خطای موشک‌ها به کمتر از ۱۰ کاهش پیدا کرد و برای اولین بار از موشک بالستیک علیه شناور استفاده شد و این فرآیند پیشرو هر ساله؛ ارمغان جدیدتر و غرورانگیزتری را در صنایع موشکی به میهن اسلامی هدیه کرد. راهنمایی‌های رهبر انقلاب چه در دوران ریاست جمهوری و چه در دوران رهبری، اراده طهرانی مقدم را برای موشکی شدن ایران استوارتر کرد و اگر نبود اراده‌های او و یارانش، امروز ایران فاقد موشک‌های متنوع و قدرتمند بالستیک، کروز و... بود. از این رو «موشک» را باید یادگار قطعی طهرانی مقدم دانست؛ کسی که موشک‌ها را به کار انداخت؛ مهندسی معکوس کرد و در نهایت موشک‌های بومی را ساخت.

اگر اصرار و سخت‌کوشی او و همراهانش نبود، پس از خروج لیبیایی‌ها از ایران و تمام شدن موشک‌های خریداری‌شده، ایران در حوزه موشکی متوقف می‌شد. امروز ایران یکی از چند قدرت برتر موشکی دنیاست و اگر

روزگاری مجبور بودیم برای شروع کار، از لیبی موشک بخریم و در سوریه آموزش ببینیم، حالا این یگان بعد از کمتر از ۴ دهه به قدرت اول منطقه تبدیل شده است.



بهای گران برای صنعت هسته‌ای ایران

در اهمیت این صنعت و نقش مؤثر و مجاهدانه پژوهشگران این حوزه، همین بس که چشم کور استکبار، بالندگی کشور در این حوزه را برنتافت و با چنگال خونخوار خود، چهار دسته گل از قهرمانان حرکت علمی کشور را وحشیانه درید.

عَلَم‌دار فرزانه انقلاب بارها در بیانات خود به عظمت این حرکت و نقش این شهدای گلگون کفن پرداخته که برخی از مهمترین موارد آنها اینجا ذکر شده است:

«دستیابی به دانش هسته‌ای یکی از نمونه‌های مؤید پیشرفت دانشمندان ایرانی است که درباره آن هیاهوی زیادی هم به راه افتاده؛ اما علت اصلی جنجال غربی‌ها، توانایی بومی دانشمندان جوان کشورمان در دستیابی به این

فناوری پیشرفته است.»^۱

«دانشمندان جوان ایرانی با موفقیت بزرگ خود در دانش هسته‌ای در واقع آینده بلندمدت انرژی ملت ایران را تضمین کردند و این سررشته را نباید به هیچ قیمتی از دست داد زیرا هرگونه عقب نشینی از این میدان صددرصد ضرر است.»^۲

«دست جنایتکاری که ضایعه (شهادت استاد دانشمند مرحوم آقای دکتر مسعود علی محمدی رضوان الله علیه) را آفرید، انگیزه دشمنان جمهوری اسلامی را که ضربه زدن به حرکت و جهاد علمی کشور است، افشاء و برملا کرد. بی‌گمان همت دانشمندان و استادان و دانش‌پژوهان کشور، به رغم دشمن، این انگیزه خباثت‌آلود را ناکام خواهد گذاشت.»^۳

«شهادت این دانشمندان برجسته در راه آرمان‌های بلند و الهی، به کشور، انقلاب اسلامی، ملت ایران و محیط علمی آبرو بخشید و آنان با این شهادت، به بالاترین رتبه از ارزش‌های معنوی دست یافتند.»^۴

«در قضیه ترورهای (دانشمندان هسته‌ای)، من عقیده‌ام این است که بچه‌های تشکل‌های دانشجویی در این قضیه کوتاه آمدند؛ یعنی کم‌عملی نشان دادند. باید این قضیه را بزرگ می‌کردید. البته نه اینکه بزرگ کنید چون خودش بزرگ است - همان جور که هست، منعکس می‌کردید. ما

۱- بیانات در ۲۸ دی ماه ۱۳۸۴

۲- بیانات در ۷ خردادماه ۱۳۸۵

۳- بیانات در ۲۵ دی ماه ۱۳۸۸

۴- بیانات در ۴ بهمن ماه ۱۳۸۹

حتی ندیدیم شکل‌های ما پوستر این شهدا را هم چاپ کنند، منتشر کنند، پخش کنند، یادمان این‌ها را نگه دارند. نه، این موضوع اصلاً نباید فراموش شود؛ این کار کوچکی نیست.»^۱

«اگر دانشمندِ علاقه‌مند به سرنوشت کشور، آماده‌ی فداکاری در این راه - فداکاری به حسب خودش - در یک کشوری وجود داشت، آن کشور رشد می‌کند. چیزی که می‌تواند این نیرو را به وجود بیاورد، این پیشرفت را به وجود بیاورد، بهتر از همه چیز، ایمان است. اگر این ایمان بود، کشور پیشرفت می‌کند.»^۲

«رشد شتابنده علمی و فتح قله‌های دانش که با همت و عزم جوانان مؤمن و غیور و توانائی چون مصطفای شهید رونق یافته، امروز قائم به هیچ فردی نیست، این یک جنبش تاریخی و برخاسته از یک عزم خلل‌ناپذیر ملی است.»^۳

«شهادی هسته‌ای) در راه خدا شهید شدند، در راه پیشرفت اسلام شهید شدند. مسئله اینها فقط این نیست که حالا ما یک ملتی هستیم، می‌خواهیم از فلان کشور و فلان دولت عقب نمانیم، لذا وارد عرصه علمی شده‌ایم؛ این هست، به اضافه یک چیزی از این مهمتر؛ و آن این است که ما با این حرکت علمی خودمان داریم اسلام را سربلند می‌کنیم، نظام اسلامی را آبرومند می‌کنیم.»^۴

«مسئله این نیست که ما خواهیم توانست از صنعت

۱- بیانات در ۱۹ مردادماه ۱۳۹۰

۲- بیانات در ۱۳ مهرماه ۱۳۹۰

۳- بیانات در ۲۲ دی‌ماه ۱۳۹۰

۴- بیانات در ۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۰

هسته‌ای برای مصارفی که به سود منافع ملی است، استفاده کنیم؛ مسئله این است که این حرکت، به جوان‌های این کشور، دانشمندان این کشور، آحاد مردم این کشور، عزم و تصمیم راسخ می‌بخشد و آنها را در این راه ثابت قدم می‌دارد؛ این مهم است.»^۱

«یاد شهید علی محمدی، شهید شهریاری، شهید رضائی نژاد و شهید احمدی روشن هرگز از خاطره این ملت و حافظه تاریخ ما بیرون نخواهد رفت.»^۲



فتنه سال ۱۳۸۸ و یوم الله ۹ دی

انتخابات ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ که ۸۵ درصد از مردم در آن شرکت کردند و این میزان مشارکت در تاریخ برگزاری انتخابات‌ها در دنیا کم‌نظیر بود- می‌توانست منافع معنوی و اجتماعی و سیاسی بسیاری برای ما داشته باشد. اما دشمنان داخلی و خارجی برای ما چالشی را پدید آوردند تا عکس آن منافع، یعنی

۱- بیانات در ۳ اسفندماه ۱۳۹۰

۲- بیانات در ۲۲ مردادماه ۱۳۹۱

هزینه‌های سیاسی و اجتماعی و معنوی بسیاری را به نظام
ماتحمیل کند.^۱

یکی از نمونه‌های تجلی همبستگی مردم که منجر به عبور
از یک بحران اجتماعی-سیاسی بزرگ در تاریخ کشور
شد، حضور میلیون‌ها نفر از مردم عزادار در سراسر کشور
در روز ۹ دی ماه سال ۱۳۸۸ بود که با خشم در سینه و
بغض در گلو، یک روز غیر تعطیل به خیابان‌ها آمدند و
از رفتارهای فتنه‌گران در طول چند ماه گذشته و بویژه از
حوادث رخ داده در روز عاشورا (۶ دی ۸۸) اعلام انزجار
کردند؛ حماسه‌ای که عظمت آن بارها در کلام رهبری
معظم منعکس شده است:

«روزهای سال، به طور طبیعی و به خودی خود، همه مثل
همند؛ این انسان‌ها هستند، این اراده‌ها و مجاهدت‌هاست
که یک روزی را از میان روزهای دیگر برمی‌کشد و آن را
مشخص می‌کند، متمایز می‌کند، متفاوت می‌کند و مثل یک
پرچمی نگه می‌دارد تا راهنمای دیگران باشد. روز عاشورا
-دهم محرم- فی نفسه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛
این حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز
جان می‌دهد، معنا می‌دهد، او را تا عرش بالا می‌برد؛ این
مجاهدت‌های یاران حسین بن علی (علیه السلام) است
که به این روز، این خطورت و اهمیت را می‌بخشد. روز
نوزدهم دی هم همین جور است، روز نهم دی امسال هم
از همین قبیل است. نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این
مردم‌اند که ناگهان با یک حرکت -که آن حرکت برخاسته

۱- گفتگوی آقای اصغر آب‌خضر (فائز مقام سابق شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی)

از همان عواملی است که نوزدهم دی قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاسته از بصیرت است، از دشمن شناسی است، از وقت شناسی است، از حضور در عرصه مجاهدانه است - روز نهم دی را هم متمایز می کنند.^۱

«مهمترین هدف از حوادث دوران فتنه‌ی بعد از انتخابات ۸۸ این بود که بین آحاد ملت شکاف بیندازند؛ سعیشان این بود. میخواستند بین آحاد مردم شکاف بیندازند، و نتوانستند.»^۲

«مردم ما در مقابله‌ی با فتنه، خودشان به پا خاستند. نهم دی در سرتاسر کشور، مشت محکمی به دهان فتنه‌گران زد. این کار را خود مردم کردند. این حرکت یک حرکت خودجوش بود؛ این خیلی معنا دارد؛ این نشانه این است که این مردم بیدارند، هشیارند.»^۳

«در فتنه‌ی ۸۸، دو روز بعد از حوادث عاشورا، قضیه عظیم نهم دی به راه افتاد. همان وقت بعضی از ناظران خارجی که از نزدیک دیده بودند، در مطبوعات غربی نوشتند و ما دیدیم، که گفته بودند آنچه در نهم دی در ایران پیش آمد، جز در تشییع جنازه امام، چنین اجتماعی، چنین شوری دیده نشده بود. این را مردم کردند. حضور مردم اینجوری است.»^۴

«۹ دی یک نمونه‌ای بود از همان خصوصیتی که در خود انقلاب وجود داشت؛ یعنی مردم احساس وظیفه دینی

۱- بیانات در ۱۹ دی ۱۳۸۸

۲- بیانات در ۱۹ بهمن ۱۳۸۸

۳- بیانات در ۸ دی ۱۳۸۹

۴- بیانات در ۲۰ مهر ۱۳۹۰

کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان را انجام دادند. عمل صالح این بود که توی خیابان بیایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران این اند.»^۱

بسیاری از افراد (و از جمله خود رهبری معظم)، راهپیمایی ۹ دی ماه ۱۳۸۸ را با خروش ملت در ۲۳ تیرماه ۱۳۷۸ که پایان بخش فتنه ۱۸ تیرماه همان سال بود، مقایسه کرده و این دو حادثه را به لحاظ مبادی و اهداف در امتداد هم دانستند:

«سال ۷۸ که آن حوادث پیش آمد، آن کسی که این حوادث را خنثی کرد، مردم بودند. روز بیست و سوم تیر سال ۷۸ مردم آمدند در خیابان‌ها، توطئه دشمن را که سال‌ها برایش برنامه‌ریزی کرده بودند، در یک روز باطل کردند. آن روز گذشت. موج دوم، باز یک برنامه‌ریزی ده‌ساله بود تا سال ۸۸. به نظرشان فرصتی به دست می‌آمد. به خیال خودشان زمینه‌ها را آماده کرده بودند. مطالباتی هم مردم داشتند - مردمی که وابسته به نظام‌اند، وفادار به نظام‌اند - فکر کردند از این مطالبات بتوانند استفاده کنند؛ لذا آن قضایای سال ۸۸ به وجود آمد. دو سه ماه تهران را متلاطم کردند - البته فقط تهران را - دو سه ماه توانستند دل‌ها و ذهن‌ها را به خودشان مشغول کنند.

رهبری معظم در خطبه‌های نماز جمعه مردادماه سال ۱۳۷۸، درباره فتنه ۱۸ تیر سخنرانی کردند:

«اشتباه [دشمنان در حادثه ۱۸ تیر] این بود که نسبت به نیروهایی هم که برایشان کار می‌کردند، اشتباه کردند! این‌ها

آنجا نشسته بودند و خیال می کردند عوامل مزدورشان توانسته اند یک شبکه منسجم قوی از اراذل و اوباش درست کنند که وقتی این اراذل و اوباش به خیابان آمدند، دیگر هیچ کس جلودارشان نیست! اینجا هم اشتباه کردند؛ نفهمیدند پول هایی که به مزدوران خودشان داده اند، طبق معمول، اغلب این پول ها صرف عطینای خود این ها شده است! روی نیروهای وابسته ی خودشان زیادی حساب کرده بودند. نفهمیدند که با یک حضور بسیج و با یک حضور مردمی، همه ی این ها دوباره مثل حشرات بی به لانه های خودشان خواهند خزید. حالا را با ۲۸ مرداد سال ۳۲ اشتباه گرفته بودند؛ چون آن روز هم همین اوباش و اراذل و چاقوکش ها و امثال این ها به خیابان ها آمدند و همه چیز را از خود کردند. بعد که آن ها کار را تمام کردند، آن وقت ارتش شاه هم آمد و وارد شد! خیال کردند که حالا هم این گونه است؛ فکر بسیج و فکر مردم و فکر این نیروهای انقلابی را دیگر نکرده بودند.^۱

مراسم اربعین، تجلی همبستگی امت^۲

تشریف به کربلا با پای پیاده به قصد زیارت سالار شهیدان در روز اربعین، سنتی دیرین است که همان قرن اول توسط جابر بن عبدالله انصاری انجام شد و در سالیان و قرون بعدی توسط علماء و شیعیان مورد عنایت قرار گرفت. اگرچه در برخی دوران ها، پیاده روی برای زیارت اباعبدالله

۱- بیانات در ۸ مرداد ۱۳۷۸

۲- برگرفته از: پایگاه اینترنتی حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، خبرگزاری ایرنا، خبرگزاری دفاع مقدس، خبرگزاری مهر، سایت روزنامه کیهان

(ع) با رونق کمتری مواجه شد، اما احیاگر مجدد این سنت نیکو را مرحوم محدث نوری (صاحب مستدرک الوسائل) می‌دانند که تا پایان عمر بر آن مداومت داشت. البته پیش از میرزای نوری، در زمان آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری (شیخ اعظم) نیز این سنت وجود داشت.

این مهم مورد توجه بسیاری از علماء معاصر نیز قرار گرفته است. آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی که خود بارها با پای پیاده، رهسپار عتبه حسینی شد، در کتاب «المراقبات» به اهمیت زیارت امام حسین (ع) در روز بیستم صفر اشاره می‌کند. از مرحوم آیت‌الله محمدتقی بهجت نیز چنین نقل شده است که می‌فرمود:

«روایت دارد که امام زمان (عج) که ظهور فرمودند، به اهل عالم اینگونه پنج ندا می‌کنند: «أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطَشَانًا، أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِي الْحُسَيْنَ سَحَقُوهُ عِدْوَانًا»، امام زمان (عج) خودشان را به واسطه امام



حسین (ع) به همه عالم معرفی می‌کنند، بنابراین در آن زمان باید همه مردم عالم، حسین (ع) را شناخته باشند، اما الان همه مردم عالم، حسین (ع) را نمی‌شناسند و این تقصیر ماست، چون ما برای سیدالشهداء (ع) طوری فریاد نزدیم که همه عالم صدای ما را بشنود، پیاده‌روی اربعین بهترین فرصت برای معرفی حسین (ع) به عالم است». رهبری معظم انقلاب نیز درباره اهمیت پاسداشت و بزرگداشت روز اربعین حسینی فرمود:

«شروع جاذبه مغناطیسی حسینی در روز اربعین است که جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد، این همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی در دل من و شما هست»^۱.

در این حماسه عظیم، نه تنها شیعیان و مسلمانان بلکه پیروان سایر ادیان الهی از اقصی نقاط جهان حضور می‌یابند و این حضور باعث می‌شود تا بسیاری از غیر مسلمانان، شیفته مکتب امام حسین (ع) و راه نورانی ایشان شوند.

بروز وحدت امت حول محور محبت اهل بیت (علیهم السلام)، تقویت دینداری، تبلور صفات اخلاقی برجسته، تجلی انفاق و از خودگذشتگی، تمرین صبر و مقاومت و سعه صدر، آگاهی بخشی و ارتقای سطح بینش اجتماعی و سیاسی مسلمین، کارکرد «رسانه» برای امت اسلامی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز کشورهای اسلامی در سایه کمرنگی مرزها، نمایش اقتدار و قدرت و عظمت اسلام،

شیفتگی پیروان سایر ادیان الهی نسبت به ارزش‌های اسلامی، خنثی شدن فتنه‌های سخت و نرم تدبیر شده در جبهه کفر و تکفیر و بسیاری از آثار فردی و اجتماعی دیگر را می‌توان در ضمن این اجتماع بزرگ مشاهده کرد.

روزنامه انگلیسی «این‌دیندنت» چند سال پیش در یادداشتی به عنوان «بزرگترین حرکت زائرانه جهان در جریان است، اما شما هرگز چیزی از آن نشنیده‌اید!» که با تأکید بر اینکه زیارت اربعین حسینی بزرگترین تجمع بشری در جهان شمرده می‌شود، نحوه تعامل رسانه‌های غربی با این مراسم میلیونی را مورد انتقاد قرار داد.

نشریه آمریکایی «هافتینگتن پست» نیز به شدت از نحوه پوشش این مراسم توسط رسانه‌ها در غرب انتقاد کرد و رسانه‌های غربی را در برابر این سؤال قرار داد که: چطور کوچکترین تجمع و راهپیمایی در کشورهای مختلف را نادیده نگرفته و از آن‌دها فیلم و گزارش و تحلیل تهیه می‌کنند؛ اما این تجمع خروشان و مسالمت‌آمیز بشری را در سکوت مطلق سانسور می‌کنند؟ این نشریه، اربعین را جشنواره ارزش‌هایی معرفی کرد که دین [حضرت] محمد (ص) به بشریت عرضه کرده و تکفیری‌های افراطی تلاش می‌کنند آن را تحریف کنند. این نشریه افزود همه آنچه در غرب به عنوان نماد افراط‌گرایی و خشونت از اسلام معرفی می‌شود، خلاف آن را می‌توان در اجتماع بزرگ اربعین دید.

اشتغال و رونق اقتصادی، ثمره حضور کارآفرینان در جبهه جهاد اقتصادی^۱

در سال‌های اخیر، رهبری معظم در سخنان خود، بارها بر مسأله «اقتصاد» و «جنگ اقتصادی» که دشمنان در راستای مقابله با پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته‌اند، تأکید و راهکارهای مقابله با آن را نیز بارها گوشزد کرده‌اند. چرا که ایران اسلامی در مسیر تکاملی خود، به دهه حساس و تعیین‌کننده پیشرفت و عدالت رسیده است. در این مرحله، بیش از هر زمان دیگر، نیاز به همگرایی، همفکری و همکاری در مقیاس ملی داریم. این مهم در کلمات رهبری معظم نیز منعکس بوده و هست:

«از جمله اساسی‌ترین کارهای دشمنان در مقابله با کشور ما، مسائل اقتصادی است. البته در عرصه‌های فرهنگی هم فعالند، در عرصه سیاسی هم فعالند؛ در عرصه انحصارات علمی هم فعالند، اما در عرصه اقتصادی فعالیت بسیار زیادی دارند. همین تحریم‌هایی که دشمنان ملت ایران زمینه‌سازی کردند یا آن را علیه ملت ایران اعمال کردند و... از مسئولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخش‌های دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی می‌شوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار داریم که در عرصه اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست، باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم»^۲

۱- برگرفته از: دانشگاه کارآفرین، خبرگزاری بُرنا، پایگاه‌های ثبت (ثبت شرکت و برند)، مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

۲- پیام نوروزی مقام معظم رهبری در ۱ فروردین ۱۳۹۰

سربازان این عرصه از نبرد، کارآفرینان و تولیدکنندگان فداکاری هستند که با پذیرش ریسک‌های بالای اقتصادی و استفاده از خلاقیت و پشتکار خود، راه را برای سایر مردم هموار کرده و با تحمل مشکلات این مسیر مانع تاثیر تحریم‌های اقتصادی نابرابر بر معیشت مردم می‌شوند.

مسئله کارآفرینی و جهاد در جبهه اقتصادی، نمونه‌های فراوانی دارد که از حوصله این نوشتار خارج است. اما به عنوان مثال و مثتی از خروار به ماجرای آقای مرتضی سلطانی، بنیانگذار گروه صنعتی و پژوهشی زر و صاحب علامت تجاری «زر ماکارون» از زبان خودش می‌پردازیم؛ کسی که در آغاز کار، کفش‌های عابران را واکس می‌زد و در سال ۱۳۹۱ به عنوان کارآفرین برتر انتخاب شد. او می‌گوید:

من در آغاز کودک دل شکسته و تنهایی بودم که برای زنده ماندن تلاش می‌کردم. تلاشی سخت و طاقت فرسا... روزهای پنجشنبه و جمعه به گورستان می‌رفتم تا شاید با شستن قبرها، اندک درآمدی به دست آورم و کمک خرجی برای مادر باشم با پای برهنه در خاک و گل می‌دویدم و با سطلی پر از آب در دستم، سنگ قبرها را می‌شستم...

بعدها کالسکه‌ای داشتم با واکس‌های رنگارنگ و مشتری‌هایی که براقی کفش شان را به دستان من می‌سپردند. همیشه از خواندن سرگذشت آدم‌هایی که با ایجاد اشتغال به نوعی در چرخیدن چرخ صنعت و تولید این کشور سهم داشتند، لذت می‌بردم. داستان زندگی کسانی را خوانده بودم که توانسته بودند با همت عالی

خویش، منشاء تحولات بزرگی در کشور باشند. من با الهام از آنان، می‌خواستم روزی هم چون آنها، در صنعت سرزمینم تأثیرگذار باشم و در خود توان آن را می‌دیدم... در ابتدای جوانی، اولین تجربه خود را در کسب و کار جدی به دست آوردم و مشغول فرش فروشی شدم. اما فرش فروشی آنی نبود که بتواند روح پرخروش مرا راضی کند. می‌خواستم وارد فضای تولید و صنعت بشوم. به اتفاق چند دوست، واحد تراشکاری‌ای را راه‌اندازی کردیم و این اولین تجربه به من می‌آموزاند که برای موفقیتی بیشتر باید به کار گروهی اعتماد کرد. در آن روزها با گروهی آشنا شدم که پیمانکاری پوشش سوله را انجام می‌دادند. در این کار وارد شدم اما سوالی مهم، ذهن کنجکاو مرا به خود درگیر ساخته بود... سوال من این بود: «ما چه چیزی را پوشش می‌دهیم؟»... پیدا کردن پاسخ به این سوال زندگی مرا تغییر داد... در جست‌وجوی پاسخ، به سوله رسیدم و تلاش کردم فن‌آوری آن را بیاموزم و در نهایت به خود گفتم: «پوشش را ول کن، به سراغ سوله سازی برو...»

من یک جوان کم سن و بی‌تجربه بودم و بنابراین دنبال این بودم که ببینم چگونه می‌توانم این کار را آغاز کنم. به همین خاطر، به همراه چند دوست، تمام توان خود را جمع کردیم و برای دریافت موافقت اصولی به اداره صنایع اراک رفتیم و...

من در طول سی سال خدمت در صنعت این سرزمین، همواره بر این باور بودم که تولید خوب، عبادت است. یک تولیدکننده خوب باید در کنار تولید محصولات کامل

و با کیفیت که اساساً ماموریت فطری و ذاتی وی تلقی شده و استمرار حیاتش به این مولفه بستگی دارد، برنامه تولید خود را چنان تنظیم کند که امکان دسترسی دائمی تمامی لایه‌های اجتماعی نیازمند به آن محصول مهیا باشد. نگاه صرفاً سودنگرانه به فرآیند تولید در صنعت؛ نگاهی یک سو نگرانه است...

گزارش‌های مردمی و خنثی شدن کودتای نوژه^۱

آیات و روایات ناظر به مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم (بویژه درباره واکنش‌پذیری نسبت به فساد)، پیش‌تر اشاره شد.

در تاریخ میهن اسلامی ما، به مدد گزارش‌های مردم مسلمان و مسئولیت‌شناس و دغدغه‌مند و رساندن به موقع اطلاعات به مسئولین ذی‌ربط، تاکنون بسیاری از عملیات‌های تروریستی، خرابکاری‌ها، بمب‌گذاری‌ها، فسادهای اقتصادی، خانه‌های تیمی، شرکت‌های غیرقانونی، فروشندگان متخلف و... کشف و منهدم شده‌اند.

یکی از بارزترین و ماندگارترین نمونه‌های این گزارش‌های مردمی که سابقه زرینی از همدلی و احساس مسئولیت مردان و زنان غیور این مرز و بوم به شمار می‌رود، دستگیری کلیه اعضای مؤثر در اجرای کودتای اسرائیلی - آمریکایی پایگاه شکاری شاه‌رخ در استان همدان بود که بعدها به «کودتای نوژه» موسوم گشت.

مدتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تنی چند از

۱- برگرفته از: خبرگزاری ایمننا، خبرگزاری تسنیم، آرشیو روزنامه اطلاعات

افسران ارتش رژیم شاهنشاهی ایران که در گروهی با نام «نقاب» تشکیل شده بودند، کودتایی را با هدف بازگرداندن شاپور بختیار، ترور امام خمینی (ره) و نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی، طرح ریزی کردند.

در این طرح شیطانی، قرار بود که با ده‌ها جنگنده، نقاط حساس کشور همچون بیت امام (ره) در جماران، فرودگاه مهرآباد تهران، دفتر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، پادگان ولی عصر (عج)، پادگان امام حسین (ع) و... بمباران شده و همزمان ساختمان رادیو تلویزیون، ساختمان مجلس، ستاد ارتش جمهوری اسلامی، پادگان حُر، پادگان قصر، پادگاه جمشیدیه و اماکن استراتژیک دیگر تسخیر گردد و بسیاری از مسئولین کشور دستگیر و کشته شوند. اما به لطف خداوند متعال، این حوادث ناگوار هیچگاه اتفاق نیفتاد و نقشه کودتا پیش از عملی شدن لو رفت؛ اما چگونه؟!

رهبری معظم انقلاب آیت الله خامنه‌ای (مدّ ظلّه)، اولین مسئول انقلابی بود که سحرگاه ۱۷م تیرماه سال ۱۳۵۹ (ساعاتی قبل از عملی شدن طرح) در جریان این حمله قرار گرفت. ایشان جزئیات فاش شدن کودتا را با زبان خویش نقل می‌کند:

ماجرای اطلاع من از کودتایی که در پایگاه شهید نوزده قرار بود اتفاق بیفتد، به این شکل بود که شبی حدود اذان صبح، دیدم درب منزل ما را می‌زنند، به شدت هم می‌زدند، من از خواب بیدار شدم، رفتم دیدم آقای مقدم است، می‌گوید

که یک ارتشی آمده و می گوید با شما یک کار واجب دارد.
گفتم: کجا است؟

گفتند: در اتاق نشسته. داخل اتاق پاسدارها شدم، دیدم
شخصی دم در تکیه داده به دیوار، کسل، آشفته و خسته،
سرش را فرو برده بود.

گفتم: شما با من کار دارید؟

بلند شد و گفت: بله.

گفتم: چه کار دارید؟

گفت: کار واجبی دارم و فقط به خودتان می گویم.

من حساس شدم. گفتم: من نمازم را بخوانم، می آیم. پس
از نماز او را به داخل حیاط آوردم، گوشه حیاط نشستیم.

گفت: کودتایی قرار است انجام شود!

گفتم: قضیه چیست و تو از کجا می دانی؟

او شروع کرد به شرح دادن. گفتم: شما چطور شد آمدی
سراغ من؟

او ماجرای خود را تعریف کرد که جالب بود...^۱

آثار بیخوابی شب، خیابانگردی، خستگی، افسردگی شدید
و سراسیمه گی در او پیدا بود. حرفش را مرتب و منظم
نمی زد و من مجبور بودم مکرر از او سؤال کنم.

خلاصه آنچه گفت این بود که در پایگاه همدان اجتماعی
تشکیل شده و تصمیم بر یک کودتایی گرفته شده،
پولهایی به افراد زیادی داده اند، به خود من (خلبان) هم

۱ - این ماجرای جالب که رهبری معظم فرموده، از این قرار است که این خلبان ارتشی، شب قبل
از عملیات در عذاب وجدان شدید قرار گرفته و نهایتاً ماجرای کودتا و بمباران جماران را برای مادر
و برادر خود فاش می کند. مادر او که به شدت ناراحت شده، وی را قسم داده می گوید: «تو نه تنها
نباید این کار را بکنی، بلکه باید به انقلابیون خبر دهی و جلوی این کار را بگیری؛ اگر غیر از این باشد،
شیرم حلال نیست!»

پول دادند. عده‌ای از تهران جمع می‌شوند می‌روند همدان و شب در همدان این کار (تصرف پایگاه هوایی شهید نوژه) انجام می‌گیرد. بعد می‌آیند تهران، جماران و چند جا را بمباران می‌کنند.

پرسیدم کی قرار است این کودتا قرار بگیرد؟
گفت: امشب و شاید فردا شب - دقیقاً یادم نیست.
من دیدم مسئله خیلی جدی است و بایستی آن را پیگیری کنیم. با اینکه احتمال میدادم او حال عادی نداشته باشد یا سیاستی باشد که بخواهند ما را سرگرم کنند، اما اصل قضیه این قدر مهم بود که با وجود این احتمالات، باید دنبال آن باشیم.

گفتم: شما بنشین تا من ترتیب کار را بدهم. ضمناً آقای هاشمی، شب منزل ما بود... به آقای هاشمی گفتم: چنین قضیه‌ای است.

بعد تلفن کردم به محسن رضایی که آن موقع مسئول اطلاعات سپاه بود.

گفتم: فوری بیا اینجا و یک نفر دیگر، آن جوان را خواستیم آمد یکی دو ساعت با هم صحبت کردند و اطلاعاتش را یادداشت کردند.

مقطع مقطع می‌گفت، اما مجموعاً اطلاعات خوبی به دست آمد. محل تجمع آنها پارک لاله (تهران) بود، اما او اسم پارک را ظاهراً نمی‌دانست. جایش را می‌دانست پس از اخذ اطلاعات، خلبان می‌خواست به منزلش بازگردد. او می‌ترسید که اولاً: ما منزل او را شناسایی کنیم و بعداً

مشکلی برایش پیش بیاید. ثانیاً کودتاچیان او را ببینند که با شخصی می‌رود که احتمالاً پاسدار است، به او ظنین شوند و او را بکشند.

می‌گفت: خودم می‌روم.

من گفتم: نه تو را با ماشین می‌فرستیم، اما با پاسدارها حاضر نبود، برود. یکی از پاسدارها که ریشش را می‌تراشید، گفت: این خوبه، مرا ببر... او را به طرف خیابان آذربایجان برد، یک جایی می‌گوید من را پیاده کن. معلوم بوده که خانه‌اش آنجا نیست، در یک مینی‌بوس سوار می‌شود و دیگر از او خبری نشد».

نتیجه اینکه با پیگیری فوری رهبری عزیز و اقدام بموقع سپاه پاسداران، در همان شب عملیات، پاسدارهای لباس شخصی با حضور غافلگیرانه در پارک لاله تهران، کلیه خلبانان را دستگیر کرده و سپس سایر عوامل سیاسی و نظامی نیز دستگیر و مجازات شدند.

امام خمینی (ره) پس از لو رفتن این طرح شوم، در ۲۰ تیرماه ۱۳۵۹ پیامی صادر کردند که در بخشی از آن آمده است:

«مگر ملت ما حالا دیگر نشسته آنجا که یک فانتوم و دو فانتوم کاری انجام بدهد. این احمق‌ها نفهمیدند این را که با چهار تا مثلاً سرباز-سربازها که با اینها موافق نیستند- با چهار نفر از این درجه‌دارها مثلاً و امثال اینها می‌شود یک مملکت ۳۵ میلیونی که همه مجهز هستند، اینها بتوانند فتح کنند. اینها غلط فکر کردند. این‌ها نفهمیدند که شوروی

با همه قدرتی که دارد و با همه ابزاری که دارد و با همه سلاح‌های مدرنی که دارد، در افغانستان پوزه‌اش به خاک مالیده شده. در عین حالی که اینها یک حماقتی است، منتها بعضی جوان‌ها، بیچاره‌ها، نفهم‌ها اینها را وادار می‌کنند یک همچو کاری بکنند. یک همچو کارهایی که همین دو سه روز مثلاً [بود]. خوب، اینها نمی‌فهمند که اگر فرضاً هم شما از پایگاه همدان پا شده بودید و آمده بودید و فرض کنید چند تا جا [را] هم کوبیده بودید، شما بالاخره باید زمین هم بیایید یا همان آسمان می‌مانید؟ ما از این امور نمی‌ترسیم!»^۱

مسئله «نهی از منکر»، قرن‌ها پیش، در آموزه‌های دینی ما گنجانده شده بود و حیات و سلامت اجتماع انسانی به آن گره خورده بود و البته در میان مؤمنین و متدینین نیز رواج و رونق داشت. با این وجود، امروزه حکومت‌های لیبرال غربی که تفاسیر مبتدل خود از مفهوم مقدس آزادی را به رخ جوامع اسلامی می‌کشند و آموزه‌های اسلامی را مغایر با آن جلوه می‌دهند؛ خود به ناچار زیر بار این احکام رفته‌اند و بی‌آنکه اسمی از آن بیاورند، در عمل از برکات آن استفاده می‌کنند. به عنوان مثال پدیده «سوت‌زنی» که در برخی کشورهای غربی از قبیل آمریکا وجود دارد، ایده بشری و ناقصی است که قرار است خلأ ناشی از فقدان دستور الهی «نهی از منکر» را پر کند. امروزه در نظام اسلامی، درگاه‌های

۱- صحیفه امام، جلد ۱۳، صفحه ۱۸

۲- سوت‌زنی یا blowing-whistle طرحی است که به موجب آن، کسانی که فسادها و تخلفات در برخی حوزه‌های معین را گزارش می‌کنند، درصدی از جریمه‌هایی که از آن متخلفین اخذ می‌شود

متعددی برای وصول گزارش‌های مردمی از در زمینه‌های مختلف امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... در نظر گرفته شده است که از معروف‌ترین می‌توان به شماره ۱۱۰ پلیس، شماره ۱۱۳ ستاد خبری وزارت اطلاعات، شماره ۱۲۹ مرکز ارتباطات مردمی قوه قضائیه و مجموعه نوپای «دادسرای ارشاد تهران» اشاره کرد که با هریک به نوبه خود در ضمن همکاری مردم دغدغه‌مند تخلفات و فسادها و خرابکاری‌های متعددی را شناسایی و خنثی کرده‌اند.



جلوه‌هایی از همبستگی مردم ایران در جریان شیوع کرونا

اسطوره ملت ایران، شهید سپهبد، حاج قاسم سلیمانی، در یکی از سخنرانی‌هایشان به فرصتی که در دل حادثه‌ها هست اشاره می‌کنند که باید آن را دریافت و از آن استفاده کرد. عظمت خود این شهید بزرگوار هم در همین نکته نهفته است؛ زیرا او از فرصت تهدید گروه‌های تروریستی تکفیری، فرصت خدمتی دوباره یافت و در بستر این تهدید، بین کشورهای اسلامی و مردم آنها همبستگی و

رابطه عنوان پاداش دریافت می‌کنند.

۱- برگرفته از: خبرگزاری تسنیم، خبرگزاری ایسنا، خبرگزاری ایرنا

بسیج عمومی ایجاد کرد و ظرفیت‌های نهفته آنها را آشکار ساخت.

مردم ایران هم که در تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها سابقه درخشانی دارند، به الگوی خوشان اقتدا کردند و در بدو ورود ویروس کونا به ایران، اولین هسته‌های همبستگی را شکل دادند و ۶۶۹۷۱ گروه جهادی در سراسر کشور فعال شد و ۵۰۲۲۸۳ نفر را سازماندهی کردند.

در جایی که واکنش مردم بسیاری از کشورها نسبت به انتشار این ویروس، ترس و وحشت بود، مردم در ایران، حسینیه‌ها، مساجد و گروه‌های جهادی خود را فعال کردند و به یاری دولت و کادر درمانی شتافتند. گروه‌های جهادی که پیش‌تر برای آبادانی روستاها آماده می‌شدند، علاوه بر اعضای خود، داوطلبین بسیاری که اعلام آمادگی کرده بودند را نیز به خط کردند و به بیمارستان‌ها فرستادند.

هر فردی در اولین مواجهه با این ویروس ناشناس، به صورت طبیعی می‌ترسد. اما این جهادگران سلامت، با حضور در بیمارستان‌ها، حاضر نشدند که پرستاران و پزشکان، به تنهایی سپر این بلا شوند؛ بلکه در کنار آنها، بی‌خوابی‌ها و خستگی‌های فراوانی را متحمل شدند. مسلماً این حضور، علاوه بر کمک جسمانی به پرستاران و رسیدگی به بیماران، قوت قلبی برای همه اینها بود.

پرستاران، دیگر خودشان را در این میدان کارزار تنها نمی‌دیدند و هرچند با این افراد تازه وارد، قبل از این برخوردی نداشتند؛ اما امروز دوستانی ایثارگر و فداکار پیدا کرده و با آنها ایجاد همبستگی کرده بودند تا بتوانند در این

جنگ بهداشتی، استوارتر باشند. بیماران هم امروز یاران جدیدی پیدا کردند و فهمیدند که اگر اسلام در جامعه‌ای حاکمیت یابد - ولو بسیار اندک - حامیانی از خود مردم دارند و بقیه از آنها فرار نمی‌کنند و آنها را دور نمی‌اندازند تا بمیرند! اما مساجد که تا دیروز شاید کمی خموده شده بودند، تبدیل به پایگاه‌های همبستگی برای پشت جبهه سلامت شدند. همسایگانی که شاید تا به حال پایشان را در مسجد نگذاشته بودند و بلکه گاهی با اهل مسجد نیز اصطکاک منفی پیدا کرده بودند، در این ایام پشت چرخ خیاطی دوخت ماسک نشستند یا اسکاچ به دست، دیگ‌های شام کادر بیمارستان را تمیز می‌کردند.

مساجد شلوغی خاصی پیدا کرده بودند و این شلوغی از جنس پیوند اجتماعی و صمیمیت و مهربانی بود. در این مساجد حدود ۷۶۸۷ کارگاه تولید ماسک راه اندازی شد و جلوی ایجاد بحران قحطی ماسک را گرفت و حتی کشور را در صادرات ان به دیگر کشورها توانمند کرد. علاوه بر این، ۴ میلیون و ۵۲۳ هزار بسته غذایی در بین افراد آسیب‌دیده توزیع شد. بچه‌های هیئت و بسیج هم که چند وقتی بود از هیئت و بسیج فاصله گرفته بودند، در این ایام، پشت موتورسیکلت رفیق هیئتشان، مشغول ضد عفونی معابر بودند و هر شب بعد از انجام عملیات، یک روزه نمکی می‌خواندند و شام را با دیگر رفقا می‌خوردند.

فصل چہارم
شہید قاسم سلیمانی
اسطورہ ہم بستگی

اگر چه عمده وقت سردار سلیمانی در مناطق جنگی گذشت، اما او خود را تنها به امور نظامی محدود نکرد و فعالیت های اجتماعی هم داشت که در مواقع مختلفی نمود پیدا کرد و در اکثر مواقع هم از دیده ها پنهان ماند؛ اما اثرش را بر دلها گذاشت و به حق، سردار دلهایش لقب داد.

از جمله فعالیت های داخلی سردار، می توان به کمک به محرومین در حوادث غیر مترقبه (مخصوصاً مردم محروم خوزستان) و نیز حمایت از خانواده شهدا (بویژه شهدای مدافع حرم) اشاره کرد. البته سردار، همانند این فعالیت های همدلانه را در خارج از مرزها نیز داشت و محبوب دل های مردم منطقه نیز بود و این فعالیت ها در اقشار مختلف در ارتباط با ایشان همبستگی ایجاد می کرد که در ادامه به گوشه ای از این حضور پرثمر آن قهرمان شهید در دو حوزه داخلی و برون مرزی و نیز یوم الله تشییع پیکر مطهرش اشاره می شود.



نقش سردار دل‌ها در ایجاد همبستگی در فضای داخلی دعوت سردار سلیمانی برای کمک به سیل‌زدگان

نوروز سال ۹۸ که بسیاری از هموطنان مان در خوزستان با سیل روبه‌رو شدند، سردار سلیمانی از اولین نفراتی بود که طی پیامی، همه مدافعان حرم را برای کمک به مردم مظلوم سیل‌زده کشور مان دعوت کرد و نوشت:

«مشتاقان دفاع از حرم به کمک سیل‌زدگان خوزستان بیایند. جوانانی که سن‌شان اقتضای کمی کرد جهاد زمان دفاع مقدس را درک کنند و امروز نیز خیلی اصرار دارند به عنوان مدافع حرم در جبهه حضور پیدا کنند، به نظر من باید بیایند خوزستان؛ چراکه حادثه اخیر یک دفاع از حرم است. هیچ چیزی بالاتر از کرامت انسان نیست.»

استقرار یک‌ماهه موکب‌های اربعین در استان‌های سیل‌زده

اگرچه فراخوان سردار سلیمانی نقش عمده‌ای در کمک به مناطق سیل‌زده داشت؛ اما اقدامات شهید بزرگوار ما، به این مسئله محدود نشد و طی دستوری که ایشان در جریان سیل سال ۹۸ صادر

کرد، موکب‌های اربعین را به مدت یک ماه در اختیار مردم سیل زده خوزستانی قرار داد. سردار سلیمانی درباره این حرکت گفته بود:

«با توجه به پیش‌بینی‌ها در گسترش خطرات و آسیب‌ها برای مردم و افزایش دامنه نیازها در شرایط پیش‌رو، اینجانب و سایر فرماندهان و پیشکسوتان دفاع مقدس، با همکاری ستادهای عتبات عالیات و اربعین مراکز استان‌ها، بر خود وظیفه می‌دانیم سایر امکانات، ظرفیت‌ها و تجارب موجود از جمله در موکب‌های خدمت‌رسانی به زائران اربعین حسینی را با هماهنگی و همراهی مجموعه‌های مسئول فعال و در صحنه، ساماندهی و باگسیل و استقرار آن از هفته آینده و به مدت یک ماه در مناطق در معرض سیل و تاعادی شدن وضعیت، به کمک مردم شهرهای پلدختر، سوسنگرد، بستان و دیگر نقاط بشتابیم.»

دیدارهای مردمی حاج قاسم سلیمانی با مردم خوزستان

فضای مجازی مملو از کلیپ‌های ملاقات صمیمی سردار سلیمانی با خوزستانی‌ها است که با یک جستجوی ساده قابل دسترسی می‌باشد. حتی حاج قاسم در بخشی از مناطق به زبان عربی با آنها سخن گفته است. او در یکی از دیدارها به مردم گفته بود:

«عرب‌های کشور ما! شما تاج سر ما هستید، شما دژ ما هستید و ما به شما افتخار می‌کنیم. ما و تن‌هایمان فدای شما هستیم. کمک به مردم خوزستان بزرگ‌ترین عبادت است و اگر دست و پای این مردم را هم ببوسیم، کار مهمی نکرده‌ایم.»

یکی از این ویدئوها به فیلمی از سردار سلیمانی اختصاص دارد که در آن پیرمردی که عکسی از امام خمینی (ره) را در دست دارد، به

استقبال ایشان می‌آید و سردار، مشفقانه او را در آغوش می‌کشد؛
انگار سال‌هاست یکدیگر را می‌شناسند...



تأمین وسائل مورد نیاز با همکار و همدلی عراقی‌ها

شهید ابو مهدی المهندس و شهید حاج قاسم سلیمانی در زمان سیل خوزستان وارد عمل شدند و ارتباط این طرف و آن طرف مرز را برقرار کردند و وسایل و مواردی را که در خوزستان نیاز بود هم از داخل کشور هم از آن طرف مرز، بصره و دیگر شهرهای عراق تأمین شد.

ارتباط صمیمی با فرزندان شهدای مدافع حرم

گویی سردار سلیمانی به جان فرزندان مدافع حرم وابسته بود و محال بود لحظه‌ای از آنها غفلت کند. دیدارهای متعددی که با فرزندان شهدای مدافع حرم داشت به تعداد محدودی خلاصه نمی‌شد و این رویه همیشگی او بود که جدا از فرماندهی نیروی قدس سپاه، به نوعی برای فرزندان مدافع حرم پدری کند. در همین راستا دو سال پیش برای اولین جشن تولد فرزندان شهدای مدافع حرم پیامی فرستاد که در آن اعلام کرد:

«مدافعان حرم فقط مدافعان خاک نیستند بلکه مدافع حریم حرمت انسانیت هستند. اگر آنان تن به بلا نداده بودند و جان



خود را سپر جان‌ها نکرده بودند آنچنان مصیبتی این کره‌خاکی را
فرامی‌گرفت که غیر از مصیبت کربلا همه مصیبت‌ها به فراموشی
سپرده می‌شد.»

نگاه فرهنگی همدلانه در کشور

یکی از تفاوت‌های شهید سلیمانی نسبت به برخی از مسئولان،
پیوسته و یکدل دیدن همه اقشار جامعه بود. حاج قاسم در یکی از
صحبت‌هایش گفته بود:

«اینکه در جامعه مدام بگوییم اوبی حجاب و این باحجاب است
یا اصلاح طلب و اصولگراست، پس چه کسی می‌ماند؟ اینها همه
مردم ما هستند. آیا همه بچه‌های شما متدین هستند؟ آیا همه مثل
هم هستند؟ نه. اما پدر، همه اینها را جذب می‌کند و جامعه هم
خانواده شماست. همان دختر کم حجاب دختر من است، دختر
من و شماست، نه اینکه دختر خاص من و شما باشد اما جامعه
خانواده شماست و این افراد بچه‌های ما و خانواده ما هستند.»

همین نگاه ایجاد همبستگی کرده و تفرقه‌های خانمان سوز و
دوگانه‌های فرعی دشمن شادکن را از بین می‌برد.



نقش سردار دل‌ها در ایجاد همبستگی در فضای برون‌مرزی روابط با حزب الله لبنان

پس از شهادت حاج قاسم، سید حسن نصرالله در مصاحبه با شبکه المیادین در رابطه با شهید سلیمانی و ویژگی‌های شاخص او توضیح داد:

«شهید سلیمانی نگاه برادرانه به جهادگران لبنانی داشت و همین نگاه، سبب شکل‌گیری رابطه برادرانه میان او و رزمندگان مقاومت شد و این روابط به یکپارچه کردن ایده‌ها و چشم‌اندازها، و همکاری و عبور از مشکلات، خیلی کمک کرد... مکتب حاج قاسم یعنی رفتن به عرصه عملیات و میدان عمل. رفتن به سوی دیگران. از سال ۱۹۹۸، یعنی تقریباً ۲۰ سال پیش که حاج قاسم را شناختم و رابطه‌مان با او شروع شد، دفعات خیلی کمی، ما پیش او رفتیم. همیشه او بود که پیش ما می‌آمد.»

فضای همدلی و برادری شهید سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی، علاوه بر اینکه سنت اسلامی و شیعی ماست، نشان داد که منطق ایران درباره برادری میان کشورهای اسلامی یک شعار نیست و در حال عملیاتی شدن است.



ایجاد همبستگی با اقلیم کردستان عراق

«ناظم دباغ» نماینده اقلیم کردستان در ایران در مصاحبه‌ای با خبرگزاری بسیج بعد از شهادت حاج قاسم از خدماتی که شهید عزیز محور آنها بوده است، می‌گوید:

«یادم هست مدت کوتاهی پس از قیام اقلیم کردستان، به دنبال این بودیم که امکانات و خدمات بیشتری به مردم خودمان ارائه دهیم. یک شرکت ایرانی قبول کرد که برای ما چاه بزند؛ اما چون می‌ترسید آمریکایی‌ها دستگاه‌هایش را بزنند، برای همین از ما ضمانت خواست و تأکید هم کرد که این ضمانت باید از ایران تأمین شود. این برای ما کار سختی بود. موضوع را به گوش سردار سلیمانی رساندیم و ما جرأ را برای او توضیح دادیم. به ایشان گفتیم: این شرکت از ما ضمانت یک میلیون دلاری می‌خواهد. بلافاصله ایشان یک چک یک میلیون دلاری نوشتند و به آن شرکت دادند و گفتند: اگر دستگاه‌هایتان به ایران برنگشت، این چک را بردارید. برای تأمین برق هم باز ایشان نقش زیادی داشت تا وزارت نیروی ایران قبول کند هزار مگاوات برق عراق را تأمین کند که از این میزان، ۳۰۰ مگاواتش برای اقلیم کردستان بود.

مادرزمینه سوخت (نفت و گاز) هم با مشکل روبرو بودیم و انتقال اینها از مرزها بر ایمن کار مشکلی بود. مرزبانی در ایران بر عهده نهاد

دیگری است؛ ولی سردار سلیمانی با مراکز مختلف مثل قرارگاه حمزه و دولت هماهنگ کرد تا مرز پرویزخان موقتاً به مدت ۶ ماه برای انتقال سوخت به مناطق گرمیان، کلار و سلیمانیه باز شود و بعد از ۶ ماه نیز مجدداً این زمان را تمدید کردند.

ایشان بعد از پایان مدت تمدید دوم گفتند: وقتی هم مردم ایران و هم کردستان از این موضوع نفع می‌برند، چرا باز بودن مرز را دائمی نکنیم؟ این اقدامات در زمانی انجام شد که مردم ما نیاز مبرمی به آب، برق، نفت، گاز داشتند و همین تأثیر سردار سلیمانی بود که باعث شد مرزها فعال شوند.»

آری! دشمن، هرکسی را بطور شخصی ترور نمی‌کند.



تشییع بی نظیر حاج قاسم، سریال همبستگی به وسعت ایران

بی نظیرترین و بزرگترین تجمعات در تاریخ ایران اسلامی، در مراسم‌های تشییع پیکر مطهر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی رقم خورد.

شهرهای برگزارکننده مراسم، مملو از انبوه جمعیتی شد که از جای جای کشور و با هر تیپ و ظاهر و عقیده‌ای، خود را به

مراسمات می‌رساندند و با در دست داشتن پرچم ایران و تصاویر شهید سلیمانی، شعارهای همچون «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «می‌کشیم! می‌کشیم! آن که برادرم کشت!»، «نه سازش، نه تسلیم نبرد با آمریکا» سر می‌دادند و خواستار انتقام سخت خون شهید سلیمانی بودند.

شرایط کشور قبل از این تشییع بزرگ، بحرانی شده بود و بیم آن می‌رفت که میان مردم گسست ایجاد شود، دشمن به دنبال ایجاد گسست در صفوف مردم از هیچ اقدامی فروگذاری نمی‌کرد. امروزه در دنیا معتقدند همبستگی میان مردم مهم‌ترین عاملی است که یک کشور را به پیشرفت می‌رساند و اگر کشوری این ظرفیت را داشته باشد، با همدلی مردمش و بدون حمایت‌های خارجی می‌تواند پیشرفت کند؛ چنانکه ما پس از انقلاب تاکنون در موارد بسیاری این اتفاق افتاد. البته مثالی که در این رابطه در دنیا مشهور شده، ژاپن است که بعد از جنگ جهانی در حالی که همه زیرساخت‌هایش از بین رفته بود، با همبستگی مردمی دوباره قد برافراشت.

تمام دشمنی‌ها و نقشه‌های دشمن با محاسبه غلطشان از مردم ایران و جایگاه سردار سلیمانی با به شهادت رساندن این شهید بزرگوار، نقش بر آب شد و این شهادت که به زعم دشمنان، تیر آخری برای گسستگی مردم و باعث ناامیدی مردم بود، نتیجه عکس داد و چنان همبستگی در بین مردم ایجاد کرد که خود رسانه‌های غربی از سانسور آن در ماندند و مجبور به پوشش دهی این خبر شدند؛ سیل جوانانی که سربند «من سلیمانی‌ام» به پیشانی داشتند و فریادهای انتقام جویانه‌ای که از ته دل جوانان این سرزمین به گوش جهانیان رسید، چنان وحشتی بر دل دشمنان انداخت که از کرده خود پشیمان شوند.

تعبیر مقام معظم رهبری و تأکید ایشان بر واژه «یوم الله» نیز از این باب بود که مردم را به این مهم توجه دهند که این همبستگی را حفظ کنند؛ زیرا همین مسأله سبب شد تا مراسم تشییع پیکر سردار شهید سلیمانی تبدیل به «یوم الله» شود. بنابراین وظیفه اجتماعی امروز ما این است که قبل از هر چیز نسبت به تقویت این همبستگی پشت سر رهبری حرکت کنیم.

از تأکید مقام معظم رهبری در نماز جمعه ۲۳ دی ماه ۱۳۹۸ که کلیدواژه اصلی آن «توحید» بود و استفاده ایشان از «یوم الله» و واژگانی که تماماً رنگ و بوی خدا داشت، این برداشت می شود که هر آنچه که هست از اراده خداست؛ و شاید دلیل این تأکید هم این باشد که قدرت نمایی ایران و نیروی سپاه در قضایای اخیر باعث شده بود که اندکی به خود مغرور شویم. لذا این تذکر به جایی بود که رهبر انقلاب مطرح کردند که همه این موارد جز با خواست خدا شکل نمی گیرد؛ چنانچه در قرآن آمده است: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».

این رویکرد در سیره ائمه اطهار (ع) و امامین انقلاب همواره وجود داشته که همه امور را متصل به خدا می کنند؛ تا مبادا شامل آن سنت الهی شویم که تکبر و منقطع شدن از خدا ز مینمان بزند.

برگرفته از: خبرگزاری رسا، خبرگزاری بین المللی ایران پرس،
خبرگزاری تسنیم

فصل پنجم

عوامل تضعیف کننده
همبستگی

هر بایدی را نبایدی است و وجود هر مقتضی، به شرط نبود موانع، اثربخش است. لذا اگرچه این پیوست با محوریت فقره «وَلِيٌّ لِّمَنِ وَالَاكُم» تنظیم شده و به ذکر مبانی ثبوتی و نمونه‌های اثباتی در خصوص تقویت همبستگی و مسئولیت اجتماعی پرداخته است؛ اما ضروری است در صفحات باقیمانده از این نوشتار، به مقتضای فقره «عَدُوٌّ لِّمَنِ عَادَاكُم»، برخی از عوامل تضعیف‌کننده همبستگی و مخدوش‌کننده ولایت بین مؤمنین را نیز به طور اختصار مرور کنیم.

برخی از عوامل مؤثر بر گسستگی اجتماعی

۱- فقدان سواد و مهارت استفاده از رسانه

تأثیر غرق‌شدگی در فضای مجازی، زندگی در شبکه‌های اجتماعی و انس با تلفن همراه بر افزایش دامنه زندگی انفرادی و گسترش حس تنهایی
نقش رسانه‌های معاند غربی (همچون بی‌بی‌سی فارسی،

رادیو فردا، رادیو زمانه، ایران اینترنشنال، من و تو، صدای آمریکا و... در راستای تقویت نقاط ضعف، سانسور نقاط قوت، ایجاد ناامیدی، قداست‌زدایی از مفاهیم مورد وفاق، ایجاد شک، بدبینی، سیاه‌نمایی، دامن زدن به اختلافات و... انتشار شایعات و اکاذیب مختلف در خصوص نهادها، شخصیت‌ها، حوادث، تاریخ، آمار و...
 آلوده شدن در محیط‌های مجازی هرزه و مستهجن و تضعیف مکرر اراده در اثر خودباختگی‌های پیاپی در برابر امیال جنسی

۲- توهین، تحقیر، تمسخر

رواج جوک‌های قومیتی و مذهبی
 مکتوبات تفرقه‌انگیز در جرائد، مجلات، کتب و...
 ترسیم کاریکاتورهای موهن

۳- رواج سبک‌زندگی غیراسلامی

استفاده از محصولات خارجی در کلیه مصارف شخصی و عمومی و تحقیر محصول تولید داخل
 بکار بردن اصطلاحات و کلمات خارجی در محاورات روزانه و مکاتبات رسمی
 بی تفاوتی نسبت به منکر و نگاه سکولار به مسائل و برآشتن از تذکر دیگران و تفسیر کردن آن به «دخالت در امور شخصی» و «فضولی»

تساهل نسبت به تخلفات مسئولین و مقامات عالی‌رتبه، محافظه‌کاری و عدم پی‌گیری
 سرازیر شدن سرمایه‌ها به سمت بورس و خرید ارز و سکه و... و از رونق افتادن صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی

و فامیلی (نمونه‌ای از ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی)

۴- انواع شکاف طبقاتی

غفلت از فقراء و تمایل به ثروت اندوزی

نفهمیدن فضای جوانان و بیگانگی با مقتضیات سنی آنان

از ناحیه بزرگسالان

طرز دبی حجاب‌ها و ایجاد دو گانه مذهبی غیر مذهبی

۵- حزب‌گرایی و سیاست‌زدگی و قدرت‌طلبی

دفع حداکثری و ناتوانی در زندگی مسالمت‌آمیز با

گروه‌های غیرهم‌فکر

مناظرات انتخاباتی کاندیداهای ریاست جمهوری

تنش‌زایی و فتنه‌انگیزی در دوره‌های انتخابات و تخریب

چهره‌های جناح دیگر

بی‌توجهی به آموزه‌های اجتماعی و تربیتی دین

تهمت، غیبت، استهزاء، لقب دادن، دشنام، و... (آیات سوره

حجرات)

بی‌رغبتی نسبت به اصلاح خویشتن و عیوب نفسانی؛ و به

جای آن اشتیاق در اصلاح دیگران

همبستگی جبهه باطل و گسستگی جبهه حق

امیرالمؤمنین (ع) در چند موضع از نهج البلاغه، در مقام

عتاب و سرزنش، همبستگی دشمنان و یاران معاویه را به

رخ اصحاب گسسته و متفرق خود کشیده است:

...إِنِّي وَاللَّهِ لَأُظَنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيُدَلُّونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ

عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقُكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَ بِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ

فِي الْحَقِّ وَ طَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ وَ بِأَدَائِهِمْ الْأَمَانَةَ إِلَيَّ

صَاحِبِهِمْ وَخِيَانَتِكُمْ وَبِصَلَاحِهِمْ فِي بِلَادِهِمْ وَفَسَادِكُمْ^۱

سوگند به خدا می بینم که این قوم به زودی بر شما چیره شوند، به خاطر اجتماعی که بر باطلشان دارند، و تفرقه ای که شما از حق دارید، و محض اینکه شما در راه حق به امام خود عاصی هستید، و آنان در راه باطل مطیع رهبر خویشند، و به علت اینکه آنان امانت او را ادا می کنند، و شما خیانت می ورزید، و به جهت اینکه آنان در شهرهای خود درستکارند و شما فاسد هستید.

امام صادق (ع) پیروزی و غلبه بنی امیه را حاصل دست به دست هم دادن مردم دانسته، همین کثرت اعوان و انصار آنها را عامل پیشرفت در کارشان می دانند:

... لَوْلَا أَنَّ بَنِي أُمَيَّةَ وَجَدُوا مَنْ يَكْتُبُ لَهُمْ وَيَجْبِي لَهُمُ الْفِيءَ

وَيُقَاتِلُ عَنْهُمْ وَيَشْهَدُ جَمَاعَتَهُمْ لَمَا سَلَبُونَا حَقَّنَا وَلَوْ تَرَكَهُمْ

النَّاسُ وَمَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا وَجَدُوا شَيْئًا إِلَّا مَا وَقَعَ فِي أَيْدِيهِمْ...^۲

امام صادق (ع) فرمودند: اگر نه این بود که بنی امیه افرادی را داشتند که برایشان نویسندگی (و کارهای دفتری و اداری) کنند و درآمدها را گرد آورند و در نبرد به نفع آنان بجنگند و در اجتماعات ایشان حضور پیدا کنند، هیچ گاه حق ما را غصب نمی کردند؛ و اگر مردم آنها را با آنچه از خود داشتند رها می کردند، چیزی جز آنچه داشتند نمی یافتند (و به این مال و قدرت و شوکت نمی رسیدند).

حادثه کربلا و همه فجایعی که در آن صحرای تفتیده روی داد - که زبان از وصف آن قاصر است - خود حاصل حضور میدانی و پشتیبانی هزاران نفر از اهل کوفه و شام

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۵

۲- کافی، جلد ۵، صفحه ۱۰۶

بود که دست به دست هم داده، بسیج عمومی اربابان ستم را بیک گفتند و تحقق بخش آن همه قتل و جرح و اسارت و جنایت شدند که تا قیامت، دل‌ها را سوزاند و اشک‌ها را از دیده روان ساخت. تجربه این ام‌المصائب تاریخ بشریت کافی است تا مردم و نخبگان اعصار آینده در اثر غفلت و سستی و پراکندگی و فریب خوردگی، سنگر ولایت را تنها نگذارند تا حسین بن علی‌ها (ع) دوباره به کربلاها کشانده شوند.

